

جان فشانی شهدا دشمن را شکست داد



میلاد با سعادت امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) مبارک باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۱۹ | دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ | ۸ رجب ۱۴۴۷ | ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

علی اکبر لبافی



بازار

۱۱ خرد



مصطفی قربانی

وحدت ملی در برابر جنگ ترکیبی

۱۳ فرهنگ



میثم مهرپور

قهرمانی که کمتر می‌شناختیم

صبح صادق چرایی پاسداشت حماسه ۹دی و عبرت‌آموزی از فتنه ۸۸ را واکاوی می‌کند

یوم الله وحدت



دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

چرا باید هر سال نهم دی را به اشکال گوناگون و از جمله برپایی اجتماعات با رویکرد تبیینی و بازخوانی حوادث سال ۱۳۸۸ گرامی داشت و از آن درس‌ها و عبرت‌ها آموخت؟ پاسخ کوتاه این است که ۹دی سال ۱۳۸۸ به طور قطع، از یوم‌الله‌های سرنوشت‌ساز در تاریخ ملت ایران است. در این روز با دست قدرت الهی و در میدان بودن روح حسین بن علی (ع)، بزرگ‌ترین، پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین توطئه علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا آن مقطع، با حضور حماسی مردم با شکست کامل مواجه شد. در سال ۱۳۸۸ دشمنان ملت ایران، با طراحی پیچیده و خطرناکی، به دنبال پایان دادن به جمهوری اسلامی، آن هم از طریق فریب مردم، به دست خود مردم بودند؛ اما مردم بصیر و فهیم ایران در ۹دی، به جهان نشان دادند اهل فریب خوردن نیستند.

بنابراین روز نهم دی، به دلیل پدیده‌ای و خلق یک حماسه خودجوش ماندگار از سوی ملت ایران، یک روز معمولی و عادی نیست. این روز، روز تجلی انسجام ملی بر پایه بصیرت و تجدید میثاق ملت با ولایت است.

اما برای پاسخ اقتناعی به منظور پرسش چرایی ضرورت پاسداشت ۹دی و عبرت و درس‌آموزی از حوادث آن رویداد تاریخی، باید فتنه آمریکایی-صهیونیستی ۸۸ را از منظر چستی، چرایی و چگونگی، واکاوی و بازخوانی کرد. جنگ ۱۲ روزه تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، و اهداف اعلامی متجاوزان از این جنگ، فهم قضایای سال ۱۳۸۸ را از نظر فتنه و توطئه بودن آنچه رخ داد و به وقوع پیوست، بسیار آسان‌تر کرد. در جنگ ۱۲ روزه که با دفاع مقتدرانه ملت ایران مواجه شد، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌های بر خوردار از حمایت ناتو، برخی از کشورهای منطقه و تمامی وطن‌فروشان خارج‌نشین و دنباله‌های داخلی آنان، یک هدف نهایی داشتند و آن چیزی جز براندازی جمهوری اسلامی و به تسلیم کشاندن ایران و تکه‌تکه کردن این کشور تاریخی و ملت بزرگ آن نبود.

این هدف، هدف تمامی سیاست‌ها و راهبردهای ۴۷ ساله نظام استکبار جهانی با محوریت آمریکا در قبال ایران است. آری، آمریکایی‌ها ۴۷ سال است که تلاش می‌کنند به آن خواسته‌ای برسند که ترامپ متوهم از کسب یک پیروزی برق‌آسا، در روز ۲۳ خرداد سال جاری، در حالی که هنوز چند ساعتی از آغاز تهاجم نظامی به کشور عزیزمان نگذشته بود؛ با صراحت گفت: «ایران باید بدون قید و شرط تسلیم شود!»

آمریکایی‌ها از روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توطئه‌های گوناگونی را از قبیل ترور رهبران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، راه‌اندازی غائله‌های تجزیه‌طلبی در مناطق قومیتی، تحمیل جنگ هشت ساله، فشارهای اقتصادی، جنگ‌های نیابتی با تروریسم منطقه‌ای چون ایجاد داعش و فتنه‌آفرینی‌های داخلی طراحی کرده و به اجرا درآوردند.

شکست بسیاری از توطئه‌های آنان در قبال ملت ایران و

جمهوری اسلامی، سبب شد تا آنان به این جمع‌بندی برسند که تنها راه شکست جمهوری اسلامی، جداسازی مردم از نظام و رهبری نظام، و مقابل هم قرار دادن آنان است. بسیار روشن است که لازمه تحقق این هدف، بدبین‌سازی و بی‌اعتمادسازی مردم به نظام و ساختارهای سیاسی و حقوقی آن است. با انتخابات سال ۱۳۷۶ و شکل‌گیری جبهه دوم خرداد، آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها، به این جمع‌بندی رسیدند که در جریان به قدرت رسیده، افرادی حضور دارند که از انگیزه‌های لازم برای ایجاد تغییرات اساسی و بنیادی در ایران در راستای مقاصد غرب و عبور از نظام دینی برخوردارند. اجلاس برلین و رویکردهای مجلس ششم، این برداشت را در غربی‌ها نهادینه کرد که بخش مدیریتی و سیاسی جریان دوم خرداد، به دنبال تغییرات ساختاری در ایران و عبور از شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. در دوره اصلاحات، جریانی که قصد عبور از نظام ولایت فقیه را با پوشش اصلاحات و توسعه سیاسی و تشکیل جامعه مدنی به سبک نظام‌های سکولار غربی داشت؛ نه تنها موفق به انجام این نوع اصلاحات آمریکایی نشد، بلکه با هوشیاری مردم از طریق انتخابات، از قدرت کنار گذاشته شد.

خروج اصلاح‌طلبان افراطی سازمان‌یافته در حزب منحل‌ه مشارکت از قدرت، آنان را به واسطه پیوندی که با خارج پیدا کرده بودند، به این جهت سوق داد که با استفاده از هر شیوه و روشی، و از جمله با استفاده از الگوی انقلاب‌های رنگی و کودتاهای مخملی، بار دیگر قدرت سیاسی را تصاحب کرده، تغییرات اساسی و بنیادین مورد نظر را که همسو با خواست غربی‌ها هم بود، به هر شکل ممکن در ایران انجام دهند.

بنابراین به اختصار باید گفت، آنچه در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم و حوادث بعد از آن در سال ۱۳۸۸ رخ داد، نه بر اساس توهم تقلب مدعیان آن از یک سو و بد عملی نظام و نهادهای گوناگون، از جمله صدا و سیما از دیگر سو، بلکه بر اساس یک نقشه و برنامه طراحی شده از قبل، با نقش‌آفرینی پشت صحنه آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و با بازیگری آشکار و روی صحنه قدرت طالبان استحاله شده داخلی بود.

آری، ما در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، با یک فتنه بزرگ داخلی و کودتای مخملی مواجه شدیم. البته سردمداران فتنه، کسانی بودند که مردم انتظار چنین رفتاری

از سوی آنان را نداشتند. گفتنی است، اساساً در هر جامعه‌ای و از جمله جامعه اسلامی ما، ظرفیت فتنه‌گری را آدم‌های موجه و با سابقه به ظاهر مثبت در نگاه توده‌ها دارند. ماهیت فتنه، در هم تنیده شدن حق و باطل، غبار آلود شدن فضا و دشوار شدن تشخیص حق از باطل، درست از نادرست و راه از بی‌راهه است.

در سال ۱۳۸۸، هدف اصلی فتنه‌گران با حمایت خارجی، بازگشت قطعی به قدرت بود؛ در حالی که رأی لازم مردم را نداشتند. اینجا بود که جریان فتنه‌گرگرا و سکولار غیر معتقد به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی، با استفاده از اصل شیطانی و غیر اخلاقی هدف وسیله را توجیه می‌کنند، از مدل انقلاب رنگی برای بازگشت به قدرت استفاده کرد. بر اساس این مدل، نظام به خیانت به آرای مردم از طریق تقلب در انتخابات متهم شد و مدعیان تقلب با کشاندن هواداران سازمان یافته به کف خیابان‌ها، نه مطالبه بازشماری صندوق‌های رأی، بلکه مطالبه ابطال انتخابات را می‌کنند. وقتی نظام تحت اردو کشی خیابانی، به ابطال انتخابات تن می‌داد، در واقع تقلب در انتخابات را پذیرفته بود. این پذیرش خلاف واقع، سرآغاز تغییرات اساسی برای بسیاری از امور، به دلیل از دست رفتن صلاحیت‌های نهادهای حاکم پیشین و از جمله شورای نگهبان و دولت برای برگزاری انتخابات بعدی خواهد بود. حتی در این مسیر، نشانه‌هایی در دست است که سردمداران فتنه با ادعای تقلب، صلاحیت‌های رهبری و از جمله عدالت ایشان را نشانه گرفته بودند. در واقع در فتنه ۸۸، هدف اصلی قرار دادن مردم رو در روی نظام، آن هم از سوی کسانی بود که سر سفره انقلاب و جمهوری اسلامی نام و نشان پیدا کرده بودند.

در این نقشه شیطانی، فتنه‌گران روی فریب دادن زیرکانه مردم با ادعای تقلب در انتخابات، حساب ویژه‌ای باز کرده بودند.

این نقشه شیطانی را فقط کسانی متوجه می‌شدند که با دقت تحولات سیاسی و روندها، موضع‌گیری‌ها و اقدامات سیاسی برخی از کاندیداها، احزاب و گروه‌های سیاسی و همچنین رفتار رسانه‌های غربی و موضع‌گیری سران کشورهای اروپایی و آمریکا در قبال انتخابات ریاست جمهوری ایران را رصد می‌کردند.

کسانی که از چند ماه پیش از انتخابات، موضوعات و مسائیل انتخابات را رصد می‌کردند، متوجه شده بودند

روز نهم دی، به دلیل پدیده‌ای و خلق یک حماسه خودجوش ماندگار از سوی ملت ایران، یک روز معمولی و عادی نیست. این روز، روز تجلی انسجام ملی بر پایه بصیرت و تجدید میثاق ملت با ولایت است

دشمنان امید دارند با فریب دادن ملت ایران از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در جنگ شناختی و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، با کمک همین مردم، روزی سلطه مجدد خود بر ایران را باز یابند. آنان تصور می‌کردند پس از سال‌ها کار روی نسل جوان، این اتفاق در جنگ ۱۲ روزه رخ خواهد داد

با فرا تحلیل ۴۷ سال دشمنی‌های آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، صهیونیست‌ها و جریان اپوزیسیون با جمهوری اسلامی، این نکته راهبردی و اساسی به دست می‌آید که همگی آنان، تنها و تنها راه سلطه مجدد بر ایران را، جداسازی مردم ایران از ولایت و رهبری دانسته، و در این مسیر برای رسید به مقصد خود، روزافزون سرمایه‌گذاری می‌کنند

که انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸، انتخاباتی متفاوت با تمامی انتخابات پیشین خواهد بود. حتی گمانه‌وقع انقلاب رنگی در بستر انتخابات ریاست جمهوری دهم، نشانه‌های فراوانی داشت. نگارنده این یادداشت، در هفته منتهی به انتخابات در سال ۱۳۸۸، با مشاهده میدان انتخابات و آنچه در آن می‌گذشت، به این اطمینان رسیدم که، ما به طور قطع با یک انقلاب رنگی خطرناک، آن هم با بازیگری و فتنه‌انگیزی افرادی از شخصیت‌های سیاسی با سابقه مسئولیتی بالا در نظام مواجه خواهیم شد. با همین اطمینان خاطر بود که طی مصاحبه‌ای مفصل با هفته‌نامه «صبح صادق»، پیشاپیش از وقوع این انقلاب رنگی رونمایی کردم. تیر آن مصاحبه به نقل از اینجانب در صفحه اول این نشریه انتشار یافته در ۱۸ خرداد ۸۸، یعنی چهار روز قبل از برگزاری انتخابات، این بود: «مردم ایران هر حرکتی را در راستای انقلاب رنگی در نطفه خفه خواهند کرد.»

متأسفانه پیش‌بینی درست بود و کشور درگیر یک فتنه خسارت‌بار شد؛ اما خوشبختانه بخش دیگر پیش‌بینی هم درست بود و مردم ایران فریب فتنه‌گران را نخوردند و در نهایت پس از یک دوره هشت ماهه، با خلق حماسه ماندگار ۹ دی، با ایستادن در کنار نظام و تجدید میثاق با ولایت و آرمان‌های انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، مشت محکمی بر سینه فتنه‌گران داخلی و حامیان آمریکایی-صهیونیستی خارجی آنان زدند.

بنابراین روز نهم دی، روز تجلی انسجام ملی بر مبنای یک بصیرت بی‌نظیر است. روز اعلام وفاداری ملت ایران به راه امام و شهیدان است. روز برات مردم از فتنه‌گران داخلی و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکاست.

بر همین اساس، باید این روز را بزرگ شمرد و پاس داشت.

اما باید بدانیم همچنان دشمنان امید دارند با فریب دادن ملت ایران از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در جنگ شناختی و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، با کمک همین مردم، روزی سلطه مجدد خود بر ایران را باز یابند. آنان تصور می‌کردند پس از سال‌ها کار روی نسل جوان، این اتفاق در جنگ ۱۲ روزه رخ خواهد داد؛ اما خوشبختانه با عنایت الهی، این بار هم ملت ایران برخلاف تصور و محاسبات دشمنان، متحد و منسجم در کنار مسئولان کشور، نیروهای مسلح و رهبر حکیم انقلاب اسلامی، و در نقطه مقابل دشمنان متجاوز به ایران ایستادند، و با دفاعی مقتدرانه ضربه‌های سنگین موشکی، درس تاریخی و فراموش نشدنی به آمریکا و رژیم صهیونیستی دادند.

اما با فرا تحلیل ۴۷ سال دشمنی‌های آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها، صهیونیست‌ها و جریان اپوزیسیون با جمهوری اسلامی، این نکته راهبردی و اساسی به دست می‌آید که همگی آنان، تنها و تنها راه سلطه مجدد بر ایران را، جداسازی مردم ایران از ولایت و رهبری دانسته، و در این مسیر برای رسید به مقصد خود، روزافزون سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین باید همه ملت به صورت یکپارچه در برابر این نقشه شیطانی هوشیار باشند. در این مسیر خواص، نخبگان، احزاب و گروه‌های سیاسی وفادار به منافع ملی و خصوصاً مسئولان کشور و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، باید به مراتب هوشیارانه‌تر عمل کنند.

پرونده ایران روی میز مسکو - واشنگتن

رامین نصیری

کارشناس سیاسی



آرشیو امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در هفته گذشته متن گفت‌وگوهای رهبران روسیه و آمریکا بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ را در قالب سه سند منتشر کرد. این گفت‌وگوها که در نتیجه شکایت حقوقی این مؤسسه از حالت محرمانه خارج شدند، نشان می‌دهند کشور روسیه از سال ۲۰۰۱ تا به امروز با دو تلقی متفاوت از غرب، چگونگی تجربه تجربات خود درس گرفته و در نهایت به بازنگری عقلانی و منتقد سیاست‌های غرب و آمریکا تبدیل شده است.

بررسی سطحی مکالمات پوتین و بوش طی هشت سال عملاً نشان می‌دهد پوتین در ابتدای هزاره سوم یک شریک تمام‌عیار برای ایالات متحده و به ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر بوده است و سپس در پی حمله آمریکا به عراق در کنار حامیان مالی ایالات متحده و ناتو برای مبارزه با تروریسم، جانبداری آشکاری از ایالات متحده داشته است؛ اما به مرور با مشاهده واقعیت‌های صورت گرفته در عراق و افغانستان، کم‌کم به منتقد سیاست‌های آمریکایی تبدیل شده و در نهایت در برابر گسترش ناتو به سمت شرق کاملاً ایستادگی کرده و نسبت به آنچه تغییر رژیم با انقلاب یا هرج‌ومرج در اروپای شرقی بود، اظهار نگرانی کرده و کاملاً سیاست‌های تقابلی را اتخاذ کرده است.

این سه سند نشان می‌دهد، موضوع ایران و به ویژه پرونده هسته‌ای ایران به منزله دال مرکزی و همیشگی گفت‌وگوهای میان مسکو و واشنگتن بوده است و این از دو منظر حائز اهمیت است: یک اینکه به هر حال موضوع ایران حساسیت و اهمیت غیر قابل کتمان دارد و دو هم اینکه راهبرد بازیگران نظام بین‌الملل در مواجهه با ایران هسته‌ای همواره مهار ایران و کنترل کردن ایران بوده است؛ به گونه‌ای که پیشنهادها و سیاست‌ورزی‌های صورت گرفته همه در راستای کنترل کردن و محدود کردن توانمندی‌های ایران بوده است. نکته مهم‌تر این است که طبیعتاً این موضوع بدیهی است که هیچ بازیگری موافق ایران قوی، مستقل و پیشرفته نبوده است، اما کنشگری بی‌عیب و نقص ایران در طول دو دهه گذشته و نحوه پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران موجب شده است که هیچ بهانه‌ای در دست غرب و شرق برای محدودسازی ایران وجود نداشته باشند. در همین باره هم البته دیدیم که چگونه روسیه و چین در برابر بازی اسنپ‌بک اروپایی‌ها و غربی‌ها حق را کاملاً به ایران داده و نشان دادند که این اقدام غربی‌ها صرفاً به دلیل عنادورزی و بازی در راستای سیاست‌های آمریکایی بوده است.

در نهایت، این افشاگری تاریخی بار دیگر اهمیت راهبرد «قدرت درون‌زا» را یادآوری می‌کند. تجربه دو دهه گفت‌وگوی پشت‌پرده میان واشنگتن و مسکو نشان می‌دهد هر گاه ایران از موضع ضعف یا وابستگی سخن گفته، به‌عنوان مسئله‌ای برای حل‌وفصل اختلافات دیگران و وجه‌المصالحه روابط سایرین تلقی شده است، و هر زمان که با اقتدار و استقلال عمل کرده، معادلات را تغییر داده است. این شاید مهم‌ترین درسی باشد که اسناد تازه آزاد شده، بی‌واسطه و بی‌پرده، پیش روی ما قرار می‌دهند.

امام خامنه‌ای در پیامی به پنجاه‌ونهمین نشست سالانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا مطرح کردند

جوانان

پرچمداران مقابله با ظلم جهانی

اساس اعتبار ایران در صحنه جهانی است. در این پیام، شکست تهاجم نظامی و فشارهای خارجی نه تنها یک پیروزی دفاعی، بلکه نشانه استقلال و توانمندی ملت ایران در مواجهه با نظم جهانی ناعادلانه و سلطه‌گرانه است. رهبر معظم انقلاب با اشاره به شهادت دانشمندان و سرداران، واقعیت تلخ هزینه‌های مقاومت را بیان کرده، اما در عین حال تأکید می‌کنند که این وقایع موجب توقف حرکت جوانان نخواهد شد و خانواده‌های شهیدان نیز خود به نماد حرکت پیشرو تبدیل می‌شوند. پیام ایشان، علاوه بر بعد داخلی، به نقش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و تأثیر آنها در شکل‌دهی گفتمان بین‌المللی اشاره دارد و این نکته را گوشزد می‌کند که مقابله با زورگویان، نه تنها با ابزار نظامی، بلکه از طریق فعالیت علمی، فرهنگی و سیاسی نیز ممکن است.

خارج کشور سهمی از این وظیفه بزرگ بر دوش دارید، دل‌ها را به خدا بسپارید، توانایی‌های خود را شناسایی کنید، و انجمن‌ها را به این سمت حرکت دهید. خدا با شما و پیروزی کامل در انتظار شماست، ان‌شاء‌الله.

سیدعلی خامنه‌ای

باید توجه داشت که در نگاه رهبر معظم انقلاب، جوانان، همیشه نقش تعیین‌کننده و سازنده‌ای در تاریخ ایران اسلامی داشته‌اند و امروز نیز این نقش بیش از هر زمان دیگری برجسته است. از طرفی هم پیام رهبر معظم انقلاب به جوانان، بیش از هر چیز بازتاب روشن از موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک ایران در جهان امروز است. ایشان با تأکید بر نقش ایمان، اتحاد و اعتماد به نفس، نشان می‌دهند که دستاوردهای کشور تنها ناشی از ظرفیت‌های نظامی یا تکنولوژیک نیست، بلکه قدرت نرم و سرمایه انسانی، به ویژه جوانان،

آن در این منطقه، مغلوب ابتکار و شجاعت و فداکاری جوانان ایران اسلامی شد، ثابت شد که ملت ایران با بهره‌گیری از توانایی‌های خود، در سایه ایمان و عمل صالح، و در رویارویی با مستکبران فاسد و ظالم، می‌تواند بایستد و دعوت به ارزش‌های اسلامی را با صدایی رساتر از همیشه به دنیا برساند. اندوه عمیق به‌خاطر شهادت تعدادی از دانشمندان و سرداران و جمعی از مردم عزیزمان توانسته و نخواهد توانست جوانان باهمت ایرانی را متوقف کند، خانواده‌های آن شهیدان، خود در شمار پیشروان حرکتند.

سخن از بحث هسته‌ای و چیزهایی از قبیل آن نیست، سخن از مقابله با نظم ناعادلانه و تحکم نظام سلطه در جهان کنونی، و روی آوردن به نظام عادلانه ملی و بین‌المللی اسلامی است، این است دعوی بزرگی که ایران اسلامی پرچم آن را برافراشته و زورگویان فاسد و مفسد را برآشفته است. شما دانشجویان به‌ویژه در

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در پیامی به پنجاه‌ونهمین نشست سالانه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا با اشاره به شکست تهاجم سنگین ارتش آمریکا و زائده تنگین آن در منطقه، به‌دلیل ابتکار و شجاعت و فداکاری جوانان ایران اسلامی، تأکید کردند: «علت اصلی آشفتگی زورگویان فاسد و مفسد، نه بحث هسته‌ای، بلکه برافراشته شدن پرچم مقابله با نظم ناعادلانه و تحکم نظام سلطه در جهان و روی آوردن به نظام عادلانه ملی و بین‌المللی از جانب ایران اسلامی است.» متن پیام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
جوانان عزیز!

امسال کشور شما، به‌برکت ایمان و اتحاد و اعتماد به نفس، در دنیا اعتبار و وزانتی تازه یافت. تهاجم سنگین ارتش آمریکا وزائده تنگین

نتانیاهو بازداشت می‌شود؟

آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی مخالف است و اعتقاد دارد آمریکا به دلیل تعهداتش به اسرائیل هر لحظه ممکن است وارد جنگی در خاورمیانه شود. همچنین اسرائیل با وجود دریافت کمک‌های بسیار در چارچوب سیاست‌های آمریکا رفتار نمی‌کند و ما باید یک حمایت نامشروط از رژیم صهیونیستی را پایان دهیم و این رژیم در حد سایر متحدان آمریکا باشد نه متحدی استثنایی. در مقابل طیف «مارکرو رویو» وزیر خارجه قرار دارد که رویکرد سنتی حزب را دنبال می‌کند. آنها به شدت حامی اسرائیل و مخالف سرسخت ایران هستند؛ به دلیل همین اختلافات ترامپ اگر هر اقدام نظامی بخواهد انجام دهد، در درون حزب هم دچار تنش خواهد شد. به هر حال به نظر می‌آید با این توصیفات نتانیاهو بیشتر از آنکه به دنبال مجوز جنگ با ایران باشد، به دنبال حفظ و تقویت هم‌پیمانی استراتژیک با آمریکا در پرونده‌های غزه، ایران و سوریه است و برخلاف سند راهبرد امنیت ملی آمریکا سعی می‌کند ترامپ را راضی کند که حضور این کشور را در غرب آسیا حفظ کند.

آسیب جدی ندیده است و رژیم برای مقابله با موشک‌های ایران دست به دامان آمریکا شده است؛ البته نتانیاهو ادعای گزافی کرده و گفته است بدون آمریکا هم می‌تواند مراکز موشکی ما را هدف قرار دهد؛ ولی واقعیت این است که دشمن در جنگ دوازده روزه آسیب‌های جدی و شدیدی به زیرساخت‌هایش وارد شده است و توان تحمل ضربه شدید دیگری را ندارد. در ضمن سامانه‌های ضد موشکی آمریکا و رژیم به شدت با کاهش ذخایر روبه‌رو هستند. از طرفی ترامپ هنوز هم بابت حملات به نیروگاه‌های هسته‌ای ایران توانسته است در جامعه نخبگی آمریکا اقتناع ایجاد کند. آخرین موضع‌گیری سخنان «بلینکن» وزیر خارجه آمریکا در دولت بایدن است که در مصاحبه‌ای گفته است حمله به پایگاه‌های هسته‌ای ایران اشتباه بود؛ زیرا معلوم نیست که برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کرده باشد. در کنار این موضوع بین حزب جمهوری‌خواه درباره حمایت از رژیم صهیونیستی اختلاف نظر به وجود آمده است. در یک سمت «دی ونس» معاون ترامپ قرار دارد که با سیاست خارجی ایدئولوژیک

صادر کند، ضربه بزرگی به نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی وارد می‌شود. به هر حال اگر از این مسئله حاشیه‌ای بگذریم نتانیاهو در جریان سفر به آمریکا اهداف متعددی را دنبال می‌کند؛ از جمله اجرای مرحله دوم آتش‌بس در غزه و بحث درباره خلع سلاح حماس. نحوه اداره غزه پس از جنگ و ترکیب نیروی امنیتی بین‌المللی در غزه نیز از جمله موارد مطرح‌ه است. همچنین صهیونیست‌ها درخواست حمایت آمریکا برای تغییر مرزها میان غزه و اراضی اشغالی و الحاق احتمالی بخش‌هایی از خاک غزه را دارند که صهیونیست‌ها برای اجرای هر یک از این موارد با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند. نتانیاهو در این دیدار به دنبال گفت‌وگو درباره خلع سلاح حزب‌الله و شکل‌دهی مجدد به ترتیبات امنیتی در سوریه هم هست؛ ولی مهم‌ترین بخشی که رسانه‌های رژیم صهیونیستی به آن به صورت ویژه می‌پردازند، بحث مقابله با برنامه موشکی جمهوری اسلامی است. صهیونیست‌ها اذعان کردند در جریان جنگ تحمیلی دوازده روزه ساختار موشکی ایران



رضا صارمی راد

کارشناس مسائل بین‌المللی

نتانیاهو به زودی سفری به آمریکا خواهد داشت؛ هر چند برای این سفر کسی او را دعوت نکرده است. ترامپ می‌گوید نتانیاهو می‌خواهد با من دیدار کند، ولی من او را دعوت نکرده‌ام؛ البته نتانیاهو یک دعوت‌نامه از آمریکا دارد و آن هم از سوی سیاستمدار نیویورکی حامی رژیم صهیونیستی «ایناورینکف» است که از نتانیاهو خواسته است در آستانه مراسم تحلیف «زهران ممدانی» شهردار نیویورک به این شهر سفر کند تا تهدید ممدانی بر بازداشت نتانیاهو در صورت ورود به نیویورک را به چالش بکشد. اگر این اتفاق رخ دهد، بزرگ‌ترین چالش ممدانی در آغاز ورود به شهرداری نیویورک است؛ البته نتانیاهو هنوز اعلام نکرده است بعد از ملاقات با ترامپ در فلوریدا به نیویورک می‌رود یا خیر، زیرا در مقابل اگر ممدانی دستور بازداشت نتانیاهو را

بودجه مردم محور

«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس شورای اسلامی: لایحه بودجه ۱۴۰۵ از نقاط قوت و ضعف برخوردار است و لازم است دولت و مجلس با همکاری مشترک برای رفع کاستی‌ها اقدام کنند. یکی از اولویت‌های اصلی در بررسی بودجه، افزایش قدرت خرید مردم است و شیوه تحقق این موضوع از مباحثی است که باید در کمیسیون تلفیق و با حضور نمایندگان دولت به‌طور دقیق مورد بحث قرار گیرد. ظرفیت‌های قابل توجهی برای بهبود قدرت خرید بدون افزایش نقدینگی و پایه پولی وجود دارد. پیگیری اصلاحات بودجه و رفع نقاط ضعف تنها با همکاری مشترک دولت و مجلس امکان‌پذیر است.



پیام آمریکایی‌ها

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه کشور: در همان روزهای اول جنگ، پیام‌هایی از طرف مقابل ارسال می‌شد که بیابید و مذاکره کنید. حتی آمریکایی‌ها مستقیماً به من پیام دادند که از ساعت ۴ صبح درگیری متوقف شود و هم‌زمان رژیم صهیونیستی نیز متوقف خواهد شد. در جریان جنگ ۱۲ روزه، لحن رئیس‌جمهور آمریکا از «تسلیم بدون قید و شرط» به پذیرش آتش‌بس تغییر کرد؛ این نشان‌دهنده شکست اهداف نظامی دشمن بود. امروز دشمن تلاش دارد آنچه را که با جنگ نظامی به دست نیاورد، از طریق جنگ اقتصادی و تحریم دنبال کند. در این جنگ، مقاومت و پایداری را در سطح کل کشور تجربه کردیم.



پاسخ قاطع

«محمد الفرح» عضو ارشد جنبش انصارالله: تحرکات مزدوران سعودی و اماراتی در جنوب یمن با هدف خدمت به نقشه‌های صهیونیست‌هاست؛ اما یمن هیچ ترسی از تهدیدهای دشمن رژیم صهیونی ندارد و به گونه‌ای پاسخ متجاوزان را می‌دهد که نمی‌توانند تحمل کنند. رژیم صهیونی بداند یمن تحت تأثیر فشارها و تهدیدها قرار نمی‌گیرد و از موضع خود عقب نمی‌نشیند. موضع اصیل یمن ناشی از اعتقاد راسخ و اخلاق در قبال تجاوزی است که علیه فلسطین و همه کشورهای اسلامی که در معرض تجاوز مداوم رژیم صهیونی قرار دارند، اعمال می‌شود. به نظر می‌رسد کسانی که این تهدیدها را بیان می‌کنند، از گذشته درس نگرفته‌اند.



خیزش ققنوس مقاومت در ۲۰۲۶

زهراتوحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

با پایان یافتن سالی پر از آشوب، منطقه غرب آسیا بار دیگر به دورانی از تنش استراتژیک شدید گام می‌گذارد. بازیگران متعددی در این صحنه حاضرند: ایران، لبنان، عراق و یمن و حزب‌الله؛ بازیگرانی که به کابوس رژیم صهیونیستی تبدیل شده‌اند و حالا، اتاق‌های فکر آمریکایی هشدار می‌دهند که در سال آتی میلادی این بازیگران با قدرت بیشتری در منطقه نقش آفرینی می‌کنند.

اندیشکده آمریکایی «شورای آتلانتیک» در این باره نوشت: «نباید مجموعه آتش‌بس‌های موقت و پراکنده در منطقه را با بازدارندگی پایدار و صلح واقعی اشتباه گرفت؛ زیرا مسائل ریشه‌ای همچنان حل نشده باقی مانده‌اند و آنچه هر یک از طرفین درگیری به عنوان نتیجه نهایی مطلوب می‌بیند، درست در نقطه مقابل خواسته رقیب قرار دارد. در ماه‌های آینده، خطر شعله‌ور شدن درگیری‌های هم‌زمان در چندین جبهه بیشتر شده است. سه عامل در کنار هم این خطر را ایجاد می‌کنند: توانایی‌های ضربه استراتژیک و بازدارندگی ایران، خودداری حزب‌الله و حماس از خلع سلاح، و افزایش ارتباط میان جبهه‌های گوناگون منطقه، از غزه و جنوب لبنان گرفته تا

عراق و دریای سرخ.»

شورای آتلانتیک افزود: «نکته متمایزکننده شرایط کنونی، تنها تداوم درگیری‌ها نیست، بلکه میزان احتمال آن است که تشدید خشونت در یک جبهه، به سرعت موجب واکنش در جبهه‌های دیگر شود. راهبرد منطقه‌ای ایران مدت‌هاست بر یک الگوی چندلایه از بازدارندگی متکی است؛ الگویی که به‌جای درگیری مستقیم دولت‌به‌دولت، بر گروه‌های وابسته، جنگ‌افزارهای دوربرد و حفظ ابهام استوار است. هدف این مدل، تحمیل هزینه‌های فزاینده به دشمنان است، در حالی که خود را از پاسخ‌های مستقیم و تلافی‌جویانه مصون نگه می‌دارد.»

ایین اتاق فکر آمریکایی با تأکید بر اینکه بر اساس ارزیابی‌های مکرر پنتاگون و سازمان ملل، ایران بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی در غرب آسیا را در اختیار دارد، تصریح کرد: «ایران همچنان بر افزایش قابلیت بقا، استقرار در پایگاه‌های زیرزمینی و ظرفیت تولید خود سرمایه‌گذاری می‌کند. این توانمندی‌ها با فعالیت گروه‌های مسلح همسو با ایران در لبنان، غزه،

عراق، سوریه و یمن تکمیل می‌شود.»

شورای آتلانتیک در بخش دیگری از این تحلیل تصریح کرد: «حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳، درک اسرائیل را به کلی دگرگون کرد و نشان داد که گروه‌های همسو با ایران می‌توانند یک

ضربه استراتژیک سنگین وارد کنند، بی‌آنکه لزوماً جنگی منطقه‌ای را فوراً به راه بیندازند. در میان گروه‌های همسو با ایران، حزب‌الله از نظر نظامی همچنان قدرتمندترین است. برآوردهای مستقل نشان می‌دهد این گروه ده‌ها هزار راکت و موشک در اختیار دارد، از جمله سامانه‌هایی با دقت فزاینده که می‌توانند اهدافی در اعماق خاک اسرائیل را هدف بگیرند.»

به نوشته این اندیشکده، در غزه، حماس هم با وجود عملیات نظامی گسترده رژیم صهیونیستی، کماکان یک بازیگر سیاسی مسلح باقی مانده است. این گروه به صراحت خلع سلاح را به منزله شرط هرگونه آتش‌بس یا توافق‌نامه پساجنگ رد کرده است. هیچ یک از بازیگران منطقه‌ای یا بین‌المللی که تمایل خود را برای مشارکت در یک نیروی تثبیت‌کننده آینده، تحت نظارت بین‌المللی یا اعراب در غزه اعلام کرده‌اند، متعهد به خلع سلاح اجباری حماس نشده‌اند. کشورهای عربی نیز به طور علنی و خصوصی گفته‌اند که اگر مسئولیت غزه مستلزم درگیری مستقیم با حماس باشد، آن را بر عهده نخواهند گرفت.

شورای آتلانتیک با تأکید بر اینکه خطر اصلی منطقه، تشدید خشونت به شکل دومینووار است، افزود: «هرگونه اقدام نظامی اسرائیل در غزه می‌تواند فشار بر مرز شمالی با لبنان را افزایش دهد. تشدید درگیری با حزب‌الله، احتمال

پنجره

تقابل آمریکا و ترکیه!

تحلیل روزنامه «رأی الیوم» از تحولات سوریه

اسرائیل نقش خرابکار اصلی را بازی می‌کند و درهای هماهنگی مخفی با دولت خودمختار کردها در شمال سوریه را باز کرده و با درگیر کردن نظام ترکیه در توطئه تغییر رژیم در سوریه، آن را فریب داده است.»

وی نوشت: «این چه نوع دولت «جدید» در سوریه است که نیروهای اسرائیلی جنوب آن را کاملاً به کنترل درآورده، و علاوه بر اشغال شمال غرب آن توسط ترکیه، شمال شرق این کشور تحت حمایت نیروهای آمریکایی قرار دارد که منابع نفت و گاز این کشور را به دست گرفته‌اند؟» این تحولات پیاپی در کمتر از یک سال و چند هفته از روی کار آمدن دولت انتقالی در سوریه، برای تمامی سران کشورهای عربی که در جبهه آمریکا ایستاده‌اند و در طرح‌های این کشور برای تغییر شکل منطقه با تشویق اسرائیل مشارکت دارند، درس‌هایی دارد.»

«عبدالباری عطوان» سردبیر روزنامه «رأی الیوم» درباره وضعیت فعلی سوریه نوشت: «تاقض آشکار این است که دو دشمن درگیر در شهر حلب هر دو مورد حمایت نظامی، مالی و سیاسی آمریکا قرار دارند؛ اما ترکیه که رهبری فعلی آن سعی دارد همه طرف‌ها را بازی دهد، خود متحد جلدی دولت آمریکا و یکی از اعضای بنیانگذار پیمان ناتو است و ترامپ، مدام به اردوغان، به عنوان دوست صمیمی خود می‌بالد.»

وی افزود: «بنابراین بزرگ‌ترین سؤال این است که چرا واشنگتن به متحد گرد خود دستور آغاز حمله به نیروهای سوری در حلب و بر هم زدن معادلات را داد و الشرع را که با تانک‌های مشترک ترکیه و آمریکا در دمشق به قدرت رسید، در تنگنا قرار داد؟»

عطوان تصریح کرد: «پاسخ این است که به دنبال اسر انیل باشید؛ چرا که در سوریه،

نه به اجبار

«امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه، در انتقاد از اقدام واشنگتن برای تحریم پنج شهروند اروپایی به دلیل اختلاف بر سر مقررات شرکت‌های فناوری آمریکایی، گفت: «فرانسه محدودیت‌های اتخاذشده از سوی ایالات متحده را محکوم می‌کند. این اقدامات مصداق ارباب و اجبار با هدف تضعیف حاکمیت دیجیتال اروپاست.» وی با تأکید بر اینکه قوانین دیجیتال اتحادیه اروپا در چارچوب یک روند دموکراتیک و مبتنی بر حاکمیت تصویب شده‌اند، افزود: «قوانین حاکم بر فضای دیجیتال اتحادیه اروپا قرار نیست خارج از اروپا تعیین شوند. فرانسه به همراه کمیسیون اروپا و شرکای اروپایی خود به دفاع از حاکمیت دیجیتال و استقلال مقررات‌گذاری اروپا ادامه خواهد داد.»



بی‌ادب

«دیمیتری پسکوف» سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه درباره طرح صلح پیشنهادی ترامپ برای پایان دادن به جنگ اوکراین گفت: «مطالب مربوط به توافق احتمالی اوکراین در کرملین در حال تجزیه و تحلیل است.» وی درباره اظهارات جدید زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، که برای پوتین «آرزوی مرگ» کرده بود، تصریح کرد: «کرملین گزارش‌های مربوط به سخنانی کریسمس زلنسکی را مورد توجه قرار داده و آن را «عجیب، بی‌ادبانه و پر خاشگرانه» توصیف کرد.» سخنگوی کرملین همچنین توانایی زلنسکی در تصمیم‌گیری‌های مناسب را با توجه به این سخنانی زیر سؤال برد و گفت: «توانایی زلنسکی در اتخاذ تصمیمات منطقی درباره حل و فصل مسائل پرشش برانگیز است.»



شکست توافق‌نامه ابراهیم

«ترکی الفیصل» شاهزاده سعودی، در گفت‌وگو با «تایمز اسرائیل» گفت: «ریاض در حال حاضر حتی ایده عادی‌سازی روابط با اسرائیل را هم در نظر ندارد و تنها در صورتی این کار را انجام خواهد داد که تل‌آویو عادی رفتار کند و قوانین بین‌المللی را بپذیرد.» رئیس سابق اطلاعات عربستان تصریح کرد: «رفتار تهاجمی اسرائیل در منطقه، ازجمله در غزه و کرانه باختری، در سوریه، در لبنان که تعهدات خود را نسبت به آتش‌بس در طول جنگ غزه و تعهد شفاهی خود را نسبت به توافق‌نامه ابراهیم مبنی بر عدم تغییر وضعیت میدانی تغییر می‌دهد، به همراه اظهارات آن درباره اسرائیل بزرگ، مانع اعتماد به اسرائیل است.»



پیشخوان

تونل وحشت!



روزنامه «شیکاگو تریبون» با بیان اینکه خشونت در شبکه حمل‌ونقل آمریکا، برخی مسافران را به وحشت انداخته، نوشت: «در یک واکن، یک فرد سیگاری، سیگار خود را پرتاب کرد و گذاشت روی زمین بسوزد. زنی در واکن به نظر می‌رسید که بینی خود را با یک شال پوشاند. در نقطه‌ای دیگر از سفر، مردی که بین واکن‌های قطار در حرکت بود، به دنبال مشتری برای فروش ماری‌جوانا می‌گشت. چند روز قبل از کریسمس هم، پلیس شیکاگو دو مرد تیرخورده را در داخل ایستگاه مترو پیدا کرد که یکی از آنها کشته شده بود.» به نوشته این روزنامه، کلیت جرایم خشونت‌آمیز در شبکه حمل‌ونقل عمومی شیکاگو، بالاتر از سطح پیش از شیوع کروناست. ماه گذشته، به آتش کشیده شدن زنی در قطار مترو، بحث‌ها درباره جرم و جنایت خشونت‌آمیز در شبکه حمل‌ونقل شهری را دوباره زنده کرد. شیکاگو تریبون افزود: «از بین جرایم گزارش شده در اتوبوس‌ها، قطارها، سکوها و ایستگاه‌های اتوبوس، رایج‌ترین گزارش مربوط به ضرب و جرح بدون اسلحه است که می‌تواند شامل مواردی، مانند سیلی خوردن، هل داده شدن، مشت خوردن یا ضربه دیدن باشد. مسافران گاهی هنگام توصیف دلیل احساس ناامنی خود در سیستم، به رفتارهای پیش‌بینی‌ناپذیر یا ضداجتماعی سایر مسافران اشاره کردند.»

اتباع در امان نیستند!



روزنامه «لس‌آنجلس‌تایمز» در توصیفی از افزایش برخوردهای تحقیرآمیز آمریکا با اتباع افغانستانی نوشت: «سازمان مهاجرت و گمرک ایالات متحده (ICE) از اتباع افغان مقیم این کشور خواسته است تا در طول تعطیلات پایان سال، مدارک خود را برای بررسی ارائه دهند. این اقدام آخرین تلاش دولت ترامپ برای تشدید برخورد با مهاجران افغان توصیف شده است.» «شان وندپور» یک فعال مدنی، با انتقاد از زمان‌بندی این احضاریه‌ها گفت: «سازمان مهاجرت و گمرک ایالات متحد افغان‌ها در زمانی که دسترسی به وکیل، دادگاه‌ها و مدافعان در پایین‌ترین سطح است، استفاده می‌کند. این یک برنامه‌ریزی اداری معمول نیست.» این روزنامه افزود: «این سازمان مهاجرتی پیش از این نیز افرادی را که در پاسخ به درخواست‌های رسمی مشابه در دفاترش حضور پیدا کرده‌اند، از جمله متقاضیان کارت اقامت دائم (گرین کارت) دستگیر کرده است. ضربه دیگر به افغان‌ها، کاهش شدید سقف پذیرش پناهندگان برای سال مالی ۲۰۲۶ از ۱۲۵ هزار نفر به تنها ۷ هزار و ۵۰۰ نفر بود. همچنین، دولت ترامپ معافیت قبلی برای دارندگان ویزای مهاجرت ویژه افغان را که به همکاران پیشین دولت و ارتش آمریکا اعطا می‌شد، هنگام گسترش فهرست ممنوعیت ورود خود از ۱۹ کشور به بیش از ۳۰ کشور حذف کرد.»

تقویم انقلاب

نقطه اتکای انقلاب اسلامی

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

نکات آموزنده بسیار فراوانی در تقویم تاریخی انقلاب اسلامی دیده می‌شود. یکی از بارزترین آنها که از انقلابیون مسلمان در ایران به رهبری امام خمینی (ره) شاهد بودیم، بهره‌گیری از «قدرت خلافت و نوآوری‌ها، اندیشه‌ها و ابتکارات» بوده است، که بدون شک منبع و منشأ آن قدرت لایزال الهی بوده است. این نکته‌ای است که با نگاه به مقاطع گوناگون تاریخ معاصر ایران دیده می‌شود و در این مختصر چند نمونه از آنها را یادآور می‌شویم.

۱- در دوران مبارزه علیه آمریکا، شوروی، رژیم صهیونیستی و اروپایی‌ها که به عبارتی ایران را اشغال کرده بودند، با ابتکار و خلاقیت‌ها و روش صحیح انقلابی امام (ره) و مردم موفق شدند شعارهای مبنایی و مؤثر را ابداع کنند و مردم در تظاهرات‌ها شعارهای «استقلال»، «آزادی» و «نه شرقی، نه غربی» را فریاد زدند. از طرفی پیوند ناگسستنی امت و امام (ره) با شعار «نهضت ما حسینیه، رهبر ما خمینه» موقعیت انقلاب را تثبیت کرد. این شعارها و ده‌ها شعار دیگر و انواع سرودها ساخته و پرداخته جوانان و ناشی از خلاقیت و ابتکارات مردم در آن ایام بود: از جمله شاه رفت، رژیم شاهنشاهی سقوط کرد و امام خمینی (ره) به ایران آمد.

۲- پس از پیروزی انقلاب، با قدرت معنوی امام و امت نظام جایگزینی رژیم شاهی به همه‌پرسی گذاشته شد و ملت ۹۸ درصد به آن رأی دادند، لذا تدوین قانون اساسی جدید در دستور کار قرار گرفت و مجلس خبرگان تأسیس شد. به این ترتیب، اعضای آن با بهره‌گیری از متون اسلامی قانون اساسی را به تأیید ملت رساندند؛ اما عوامل آمریکا، اروپایی‌ها و شوروی‌ها دنبال تجزیه ایران بودند و به همین دلیل گروهک‌های تجزیه‌طلب، سلطنت‌طلب، گروهک‌های تروریستی و آشوب‌گر را پشتیبانی و مسلح کردند تا نظام جمهوری اسلامی شکل نگیرد و شکست بخورد. آنها به خصوص طرح کودتاهای متعدد را در دستور کار قرار دادند که جملگی اینها با ابتکار امام (ره) و مردم شکست خوردند و اینها به خارج از ایران گریختند و امام و مردم بدون اتکا به هیچ‌کس دستاوردهای انقلاب را حفظ کردند.

۳- استیکار جهانی با وجود اینکه از طرح‌های تجزیه‌طلبی، ترورها و کودتاها متحمل شکست شدند، به صدام یعنی چراغ سبز نشان دادند و از ۵۶ کشور پشتیبانی‌های نظامی، تسلیحاتی، مالی و لجستیکی، تبلیغاتی، سیاسی، رسانه‌ای و حمل و نقلی دریافت کردند و ایران را از هر جهت تحریم کرده و در فشار محدودیت‌ها قرار دادند؛ اما کمتر به سرعت جلوی پیشروی نیروهای متجاوز و مهاجم یعنی گرفته شد و زمین‌گیر شدند.

۴- سرانجام مجاهدت‌ها و مقاومت‌ها نتیجه داد و صدام به عنوان متجاوز اعلام شد. پس از چندی آمریکا نیز مجبور شد با صدام مقابله کند و سلاح‌هایی را که به او داده بود منهدم کند. بنابراین، صدام سقوط کرد، اما حتی یک وجب از خاک ایران از دست نرفت و استعدادهای بسیاری شکوفا شد. نمونه بارز آن را در جنگ ۱۲ روزه شاهد بودیم که رهبری معظم انقلاب در کوتاه‌ترین زمان ورود کردند و با ترمیم کادرهای نظام، پاسخ‌های محکم به دشمن متجاوز دادند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

حوادث مهم انتخابات ۱۳۸۴ و چرخش اقبال بیشتر مردم از اصلاح‌طلبان به اصولگرایان، داستانی است که شرح آن در شناخت تحولات آن دوران و پس از آن بسیار اهمیت دارد. در این بین، نگه «اسحاق جهانگیری» از فعالان سیاسی شناخته‌شده‌ای که در مناسبات سیاسی آن دوران حضور فعال داشته، حائز اهمیت است. وی در کتاب خاطراتش با عنوان «در اندیشه ایران» با خوانش اصلاح‌طلبانه‌ای که از ایشان انتظار می‌رود، این حوادث را شرح داده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«در سال ۱۳۸۴ سرخوردگی نسبی بدنه حامیان جریان دوم خرداد زمینه‌ساز شکاف‌هایی در میان اصلاح‌طلبان شد. بخشی از اصلاح‌طلبان با رویکرد تداوم توسعه سیاسی و به نوعی تداوم دولت آقای خاتمی به میدان آمد و آقای مصطفی معین کاندیدای آنها شد. دو حزب نامی اصلاح‌طلب، یعنی جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از مصطفی معین حمایت کردند. آقای معین با شعار اصلاحات گامی به پیش و دموکراسی برای ایران؛ صلح برای جهان به میدان آمد و حمایت جریان‌های سیاسی دیگری مانند نیروهای ملی مذهبی و نهضت آزادی را نیز با خود داشت. معین در دولت اصلاحات وزیر علوم و تحقیقات و فناوری و از دوستان قدیمی من در اصفهان بود. ایشان از جمله چهره‌های سیاسی جریان چپ انقلاب اسلامی و سال‌ها سخنگوی شورای نیروهای کوی خط امام بود. معین در دوران تصدی وزارت علوم دولت اصلاحات با موضوعاتی، مانند حمله به دانشگاه، حکم اعدام آقای آقاجری، حمله به اردوی تحکیم وحدت در خرم‌آباد، اختلاف‌های وزارتخانه با شورای عالی انقلاب فرهنگی و... روبه‌رو شد و در نهایت مخالفت شورای نگهبان با طرح تحول ساختاری وزارت علوم سبب شد تا آقای معین در سال ۱۳۸۲ استعفا دهد و آقای خاتمی هم علی‌رغم میل باطنی استعفا‌ی ایشان را بپذیرد.

بخشی دیگر از نیروهای اصلاح‌طلب حول آقای مهدی کروبی جمع شده بودند که با ریاست مجلس ششم از جمله چهره‌های مهم سیاسی جریان دوم خرداد به شمار می‌آمد. این جریان علاوه بر مشترکاتی

که از منظر اصلاح‌طلبی با دولت خاتمی داشت، در حوزه‌های مختلف اختلاف نظر‌هایی نیز با مجموعه حامیان آقای معین داشت. آقای کروبی از یاران با سابقه انقلاب و امام خمینی بود. من در مجلس دوم و سوم و همچنین در بنیاد شهید و حج با ایشان همکاری بودم و رابطه‌ای صمیمی و نزدیک با هم داشتیم. این دو کاندیدا به دلایل مختلفی در انتخابات ۱۳۸۴ با هم به توافق نرسیدند و هر دو در انتخابات ماندند. بخشی از اختلاف‌های آنها نیز به تجربه‌های مختلف در دوره اصلاحات باز می‌گشت و طرفین یکدیگر را در ناکامی‌های سیاسی دولت اصلاحات مقصر می‌دانستند. کاندیدای دیگر نزدیک به بخشی از جریان اصلاحات نیز آقای مهرعلیزاده، رئیس سازمان تربیت بدنی در دولت آقای خاتمی بود که هم آرای قومیتی و هم امکان جذب بخشی از آرای اصلاح‌طلبان را

داشت. در نهایت اصلاح‌طلبان با وجود رقبای جدی در میدان انتخابات با هر سه کاندیدا در انتخابات باقی ماندند.

علاوه بر این حضور آقای هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ۱۳۸۴ معادلات را برای اصلاح‌طلبان پیچیده‌تر می‌کرد؛ آقای هاشمی با تکیه بر سابقه انقلابی و مدیریتی خصوصاً دو دوره رئیس جمهوری در بین چهره‌های انقلابی و نیز اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و تکنوکرات‌ها حامیانی جدی داشت که مشوق حضور ایشان در صحنه انتخابات بودند. حضور ایشان به تنهایی وزنه‌ای بود که بر عملکرد و کش هر دو جریان سیاسی کشور در انتخابات اثرگذار بود. حضور آقای هاشمی برآمده از اجماع میان دو دسته از حامیان ایشان بود؛ نخست چهره‌های اجرایی دولت ایشان که در دولت اصلاحات از صحنه مدیریت کنار گذاشته



حافظه

سایه استعمار بر سرزمین سرخ‌پوستان

مروری بر حضور استعمارگران اروپایی در قاره آمریکا

این متصرفات در مقایسه با امپراتوری‌های عظیم اسپانیا و پرتغال، ناچیز و غیرقابل قیاس بود. از سوی دیگر، ماجراجویان اسپانیایی به پیشروی خود به سمت شمال نیز ادامه دادند. آنها تا سواحل کارولینای شمالی پیش رفتند و در مدتی کوتاه، دره رود می‌سی‌سی‌پی، تگزاس و اوکلاهما را درنوردیدند. سیاحان و کاوشگران دیگر نیز راهی سرزمین‌های کلرادو، نیومکزیکو، آریزونا، نوادا

و کالیفرنیا شدند و این مناطق پهناور نیز به تدریج به قلمرو اسپانیا افزوده شد. هنگامی که اسپانیایی‌ها به کرانه‌های اقیانوس آرام در کالیفرنیا دست یافتند، با تهدید جدیدی روبه‌رو شدند: توسعه‌طلبی روسیه. تزاری در قرن هجدهم، آنها برای مقابله با این خطر فزاینده، نیروهای

نظامی قدرتمندی در این مناطق مستقر کردند. رویکرد کلی اسپانیا در اداره این امپراتوری پهناور آمریکایی، شکل یکپارچه و متمرکزی داشت. این سرزمین‌های وسیع نه به صورت مجموعه‌ای از مستعمرات پراکنده، بلکه به منزله استان‌ها و ایالاتی وابسته به تاج و تخت اسپانیا اداره می‌شدند و حکومت مرکزی برای اداره آنها نایب‌السلطنه تعیین می‌کرد. این ساختار اداری، کنترل مادرشهر (اسپانیا) بر سرزمین‌های فتح‌شده را تضمین می‌کرد.

در قرن شانزدهم میلادی، طمع دستیابی به گنجینه‌های افسانه‌ای، جرقه ماجراجویی افسارگسیخته‌ای را در دل بسیاری از اسپانیایی‌ها شعله‌ور کرد. این انگیزه عمیق، به ویژه کسانی را به خود جذب می‌کرد که در پی افزایش ثروت، اعتبار و گسترش قلمرو پادشاهی اسپانیا بودند. نمادهای بارز این آرزو، «هرنانسکو کورتز» فاتح امپراتوری آزتک در مکزیک و «فرانسیسکو پیزارو» غاصب

امپراتوری اینکا و گنجینه‌های شگفت‌انگیزش بودند. اسپانیا با شتابی خیره‌کننده تا سال ۱۵۴۰ میلادی، تمامی سرزمین‌های واقع در غرب خط معاهده تردسیاس را به تصرف خود درآورد. تنها مناطق استثنا، حوضه پروطوب و گرمسیری رودخانه

آمازون، فلات خشک و بایر پاتاگونیا در جنوب آرژانتین و سرزمین‌های دورافتاده جنوبی شیلی بودند که تا سده نوزدهم میلادی خارج از حاکمیت مستقیم دو ابرقدرت اسپانیا و پرتغال باقی ماندند.

در این میان، رقبای اروپایی دیگر نیز به تدریج به عرصه پا گذاشتند. کشورهایی مانند فرانسه، هلند و انگلستان پایگاه‌ها و مستعمرات کوچکی، عمدتاً در مناطق میان‌وزن و نلار و برزیل ایجاد کردند. با این حال، گستره و اهمیت



دهلیز

ضرب و شتم با عصای آهنین

مروری بر اقدامات ضد اسلامی دیکتاتور اول پهلوی

سیاست سرکوب را در پیش گرفت و مخالفان را مورد ضرب و شتم قرار داد! «لاینگ مارکارت» نویسنده کتاب «مصاحبه با شاه» در بخشی از اثر خود می‌نویسد:

«هیچ چیز نمی‌توانست ضربه‌ای بی‌پروا تر از این بر چهره جامعه روحانیون کشور باشد که ملکه کشور اینطور در انظار ظاهر شود و شرم و حجاب را به زور از زنان ایرانی ربوده باشند؛ ولی این بار نیز مثل سایر کارهای رضاشاه نظر و خواسته و کینه شخصی به میان آمد. چند روز بعد شید که یکی از روحانیون مجاهد قم بزرگ‌ترین مرکز روحانیون و علمای دینی ایران در ملاعام این عمل ملکه را تکفیر کرده است. رضاشاه خشمناک با چند اتومبیل به قم شتافت. از ماشین بیرون آمد، وارد مسجد شد، به مقابل آن روحانی در حال دعا رفت و با عصای آهنین خود آنچنان بر بدن وی کوبید، که بعدها به پسرش گفت عصای فلزی خم شده بود.»



«رضاخان» و «محمدرضا» عوامل گوش به فرمان و منصوب شده به دست ابرقدرت‌های زمان خود بودند و اطاعت بی‌چون و چرا از قدرت‌های بیگانه شرط لازم بقای آنها بود. ساده‌انگاری است اگر تصور شود رضاخان از روی شناخت و عمد با دین و مظاهر دینی مخالفت می‌کرد؛ چرا که او سر‌باز بیسواد و بعداً افسر خشن بود که به استناد تاریخ از کمترین میزان دانش و آگاهی علمی بهره‌ای نداشت.

انگلیسی‌ها با توجه به تجربیات تلخی که از قدرت دین و علمای دینی داشتند و نیز با توجه به شناخت قیقی که از لایه‌های اجتماعی ایران کسب کرده بودند، به خوبی می‌دانستند که خطرناک‌ترین جبهه‌ای که حاکمیت آنها و عوامل دست‌نشانده‌شان را جدأ تهدید می‌کند، جبهه متشکل از علمای دینی و تربیت و باورهای دینی مردم است. در سایه چنین شناختی با به حکومت رسیدن رضاخان «دین‌ستیزی» به منزله یک اصل عملیاتی جدی مد نظر قرار گرفت.

مخالفت با برگزاری مراسم و مجالس دینی، ایجاد محدودیت برای طبقه شریف روحانیت، حمله به اماکن مقدس و مورد احترام مردم، مقابله با مظاهر دینداری و شعائر مذهبی از جمله اقداماتی بودند که کارنامه دوران زمامداری رضاخان را سرشار از لکه‌های ننگ کردند.

کشف حجاب رضاخان که موجب اعتراض عمومی مردم شد، حرکتی بود دوسویه که دین‌زدایی اجتماعی و رواج مظاهر تمدن غرب را مد نظر قرار می‌داد و واکنش جامعه اسلامی و دینداران را به همراه داشت؛ اما رضاخان

دیگران

عوارض یک انتخاب سیاسی

دیکن هایت

مقاله نویس وبگاه Investopedia

پژوهش تازه‌ای که گروهی از اقتصاددانان دانشگاه استنفورد و دانشگاه‌های کالیفرنیا در برکلی و سن‌دیگو انجام داده‌اند، به یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین پرسش‌های اقتصاد سیاسی جهانی، یعنی «پایان دادن به فقر مطلق در جهان واقعاً چقدر هزینه دارد؟» پاسخ می‌دهند. یافته محوری این پژوهش عددی است که در نگاه نخست هم شگفت‌آور و هم تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد. بر اساس این مطالعه، برای ریشه‌کن کردن بخش عمده‌فقر مطلق در جهان، سالانه حدود ۳۱۸ میلیارد دلار منابع مالی کافی است. فقر مطلق در این پژوهش زندگی با درآمدی کمتر از ۲/۱۵ دلار در روز تعریف شده است؛ معیاری که سال‌هاست به منزله خط فقر مطلق جهانی مورد استفاده نهادهای بین‌المللی قرار می‌گیرد.

پژوهشگران با تحلیل داده‌های درآمدی در ۲۳ کشور و تعمیم نتایج به مقیاس جهانی، برآورد کرده‌اند که با تأمین این میزان منابع می‌توان اطمینان حاصل کرد که تقریباً همه مردم جهان به حداقل درآمد لازم برای خروج از وضعیت فقر مطلق دست یابند. اهمیت این عدد زمانی بیشتر روشن می‌شود که آن را در بستر اقتصاد جهانی قرار دهیم. ۳۱۸ میلیارد دلار معادل حدود ۰/۳ درصد تولید ناخالص داخلی جهان است؛ سهمی بسیار ناچیز در مقایسه با حجم کلی اقتصاد جهانی. به بیان دیگر، از منظر صرفاً مالی، مسئله پایان دادن به فقر مطلق نه یک چالش حل‌نشدنی، بلکه تصمیمی سیاسی و اولویت سیاست‌گذاری است.

این پژوهش بر یک رویکرد هدفمند در سیاست فقرزدایی تمرکز دارد؛ رویکردی که بر شناسایی دقیق افراد زیر خط فقر مطلق و پرداخت کمک نقدی مستقیم به آنان تا رسیدن به حداقل درآمد تعریف‌شده استوار است. این روش در برابر سیاست‌هایی، نظیر درآمد پایه همگانی قرار می‌گیرد که به‌صورت یکسان به همه افراد پرداخت می‌شود. نتایج نشان می‌دهد، رویکرد هدفمند، تنها حدود ۱۹ درصد هزینه اجرای یک سیاست درآمد پایه همگانی را دارد، در حالی که می‌تواند میزان فقر مطلق را از سطح فعلی حدود ۱۲ درصد به نزدیک ۱ درصد کاهش دهد. این تفاوت معنادار نشان‌دهنده اهمیت طراحی دقیق و مبتنی بر داده سیاست‌های حمایتی است.

برای ملموس‌تر شدن مقیاس این رقم، پژوهشگران آن را با برخی هزینه‌های رایج در اقتصاد جهانی مقایسه کرده‌اند. ۳۱۸ میلیارد دلار برابر با مجموع هزینه‌ای است که شرکت‌های بزرگ فناوری، مانند متا، آمازون، آلفابت و مایکروسافت قرار است تنها در یک سال برای توسعه هوش مصنوعی و زیرساخت‌های مراکز داده هزینه کنند. از سوی دیگر، این رقم به‌مراتب کمتر از سهم ۲/۲ درصدی تولید ناخالص داخلی جهان است که هر سال صرف مصرف نوشیدنی‌های الکلی می‌شود. این مقایسه‌ها به‌روشنی نشان می‌دهد، مسئله فقر جهانی نه ناشی از کمبود منابع، بلکه حاصل نحوه تخصیص آن‌هاست.

جمع‌بندی پژوهش صریح و بدون ابهام اعلام می‌کند که از نظر امکان‌پذیری مالی، هیچ تردیدی وجود ندارد که اقتصادهای ثروتمند جهان توان تأمین منابع لازم برای پایان دادن به فقر مطلق را دارند. به تعبیر پژوهشگران این اثر، هزینه پایان دادن به فقر کمتر از بسیاری از اولویت‌های جهانی دیگر است که اهمیت حیاتی کمتری دارند. بنابراین، فقر مطلق بیش از آنکه یک سرنوشت اجتناب‌ناپذیر اقتصادی باشد، بازتابی از انتخاب‌های سیاسی در سطح جهانی است!

بازخوانی یک پژوهش جدید و دلالت‌های آن برای سیاست‌گذاری معیشتی در کشورمان

هزینه عدالت



که بخش قابل توجهی از فقر، نه ناشی از بیکاری مطلق، بلکه نتیجه ناکافی بودن درآمد برای پوشش هزینه‌های پایه زندگی است. این نکته از منظر سیاست‌گذاری بسیار تعیین‌کننده است؛ زیرا مسیر مداخله دولت را از سیاست‌های صرفاً اشتغال‌محور به سمت ابزارهای مکمل حمایت درآمدی سوق می‌دهد. برای کشورمان نیز، که با پدیده شاغلان فقیر و کاهش مداوم ارزش واقعی دستمزدها مواجه است، این تمایز مفهومی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که اصرار صرف بر افزایش آمار اشتغال، بدون ترمیم قدرت خرید شاغلان، الزاماً به کاهش فقر منجر نخواهد شد و حتی می‌تواند به تعمیق نارضایتی اجتماعی بینجامد که نمودهای آن در ماه‌های اخیر افزایش یافته است.

ایده قدیمی، اما مؤثر

یکی از بحث‌برانگیزترین، اما در عین حال مستدل‌ترین نتایج این پژوهش، تأکید آن بر کارآمدی کمک نقدی مستقیم به منزله ابزار اصلی فقرزدایی است. برخلاف تصور سنتی که کمک‌های غیرنقدی یا یارانه‌های کالایی را امن‌تر و هدفمندتر می‌داند و نمود آن در کشورمان توزیع کالا برگ است، این پژوهش نشان می‌دهد انتقال مستقیم پول، در صورت طراحی صحیح، کم‌هزینه‌تر، شفاف‌تر و مؤثرتر است. نویسندگان با تحلیل تطبیقی برنامه‌های حمایت اجتماعی در کشورهای گوناگون استدلال می‌کنند که بخش قابل توجهی از ناکارآمدی سیاست‌های رفاهی، ناشی از پیچیدگی بیش از حد، هزینه‌های اداری بالا و خطاهای شناسایی است. در مقابل، کمک نقدی مستقیم، اگر مبتنی بر یک آزمون وسع ساده و قابل راستی‌آزمایی باشد، می‌تواند مستقیماً شکاف درآمدی را هدف قرار دهد. این یافته برای کشورمان که تجربه طولانی و متنوعی از سیاست‌های یارانه‌ای دارد، حامل یک پیام مهم است: مسئله اصلی، وجود یا نبود حمایت نیست، بلکه چگونگی طراحی ابزار حمایت است. انتقال منابع از شکل‌های غیرشفاف و پرهزینه به حمایت‌های نقدی هدفمند، می‌تواند هم اثربخشی سیاست را افزایش دهد و هم بار مالی دولت را قابل کنترل‌تر کند.

ضرورت عبور از سیاست‌های یکسان‌ساز نکته کلیدی دیگر در مقاله دفتر ملی پژوهش اقتصادی آمریکا، رد صریح رویکرد مبلغ ثابت برای همه

فقر است. پژوهش نشان می‌دهد، فقر طیفی ناهمگون است و شدت آن در میان خانوارها تفاوت معناداری دارد. از این رو، سیاست فقرزداییی مؤثر باید مبلغ کمک را متناسب با عمق فقر هر خانوار تنظیم کند. این رویکرد از منظر نظری، با اصول عدالت توزیعی و کارایی اقتصادی همخوانی دارد و از منظر عملی، مانع اتساف منابع محدود می‌شود. در حالی که دولت‌ها با محدودیت‌های بودجه‌ای مواجه هستند، تخصیص هوشمندانه منابع اهمیت مضاعف می‌یابد. در کشورمان نیز یکی از نقدهای رایج به سیاست‌های حمایتی، یکسان‌نگری در پرداخت‌ها و بی‌توجهی به تفاوت‌های واقعی سطح معیشت است. بهره‌گیری از داده‌های مالیاتی، بانکی و بیمه‌ای، در چارچوبی شفاف و قانون‌مند، می‌تواند امکان درجه‌بندی شدت فقر و تنظیم متناسب حمایت‌ها را فراهم کند، بدون آنکه به حریم خصوصی شهروندان خدشه وارد شود.

اعتمادسازی به‌جای کنترل‌گری

پژوهش مورد بحث، برخلاف برخی دیدگاه‌های بدبینانه، نشان می‌دهد آزمون وسع لزوماً نباید پیچیده، امنیتی یا مبتنی بر سازوکارهای پرهزینه نظارتی باشد. نویسندگان تأکید می‌کنند که آزمون‌های ساده، قابل راستی‌آزمایی و مبتنی بر خوداظهاری کنترل‌شده، در عمل کارآمدتر از سیستم‌های پیچیده و چندلایه هستند. این نکته از منظر حکمرانی عمومی، حائز اهمیت است؛ زیرا میان «اعتماد» و «کارآمدی» پیوند برقرار می‌کند. سیاستی که شهروند را پیشاپیش به سوءاستفاده متهم بداند، نه‌تنها هزینه اجرایی بالایی دارد، بلکه سرمایه اجتماعی دولت را نیز تضعیف می‌کند.

برای کشورمان، که بازسازی اعتماد عمومی یکی از پیش‌نیازهای موفقیت هر سیاست اقتصادی است، این رویکرد می‌تواند الهام‌بخش باشد. سادسازی فرآیندها، شفافیت معیارها و پاسخ‌گویی نهادی، می‌تواند حمایت اجتماعی را از ابزاری پرتش به یک سازوکار هم‌افزا بدل کند.

فقر، امنیت و ثبات اجتماعی

یکی از دلالت‌های ضمنی، اما مهم این پژوهش، ارتباط میان فقر و ثبات اجتماعی است. مقاله نشان می‌دهد، هزینه‌های فقر، صرفاً به بودجه‌های رفاهی

اندیشکده

موتور نارضایتی و بی‌ثباتی

نگاهی به نظریه محرومیت نسبی

سیاست‌های اقتصادی زمانی به‌ثبات کمک می‌کنند که نه‌تنها کارآمد، بلکه «قابل توضیح» و «قابل دفاع» در افکار عمومی باشند. تورم مزمن، افت قدرت خرید و نوسان‌های ارزی، اگر چه متغیرهای اقتصادی‌اند، اثر امنیتی آنها از مسیر ادراکات اجتماعی عبور می‌کند. وقتی خانوارها شاهد کاهش مداوم استانداردهای زندگی خود هستند، انتظاراتشان به‌طور طبیعی به سمت مقایسه با دیگران، به‌ویژه مسئولان کشور سوق می‌یابد. در این نقطه، هر نشانه‌ای از فاصله‌گرفتن زیست تصمیم‌گیران از زیست اکثریت جامعه، به‌سرعت در چارچوب محرومیت نسبی معناگذاری می‌شود و می‌تواند احساس بی‌عدالتی ساختاری را تقویت کند.

زیست مسئولان!

در نظریه گر، نمادها و نشانه‌ها به‌اندازه واقعیت‌های مادی اهمیت دارند. سبک زندگی، الگوهای مصرف و تصویر رسانه‌ای خانواده مسئولان، خوانده‌خواه به بخشی از میدان مقایسه اجتماعی تبدیل می‌شود. ارائه تصویری «فرامردمی»؛ یعنی دور از تجربه زیسته اکثریت حتی اگر حاصل رفتار فردی و نه سیاست رسمی باشد، می‌تواند به تشدید احساس محرومیت نسبی دامن بزند. این امر به‌ویژه در وضعیت فشار

محدود نمی‌شود، بلکه در قالب افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کاهش بهره‌وری و تشدید بی‌ثباتی سیاسی بروز می‌یابد. از این منظر، فقرزدایی نه یک هزینه، بلکه نوعی سرمایه‌گذاری پیشگیرانه در امنیت انسانی تلقی می‌شود. در حالی که کشورمان با فشارهای ترکیبی اقتصادی و رسانه‌ای مواجه است، توجه به این پیوند به ارتقای نگاه راهبردی در سیاست‌گذاری معیشتی کمک می‌کند. ترمیم معیشت، اگر هوشمندانه و هدفمند انجام شود، می‌تواند نقش ضربه‌گیر اجتماعی را ایفا کرده و از انباشت نارضایتی‌های ساختاری جلوگیری کند.

توصیه‌های سیاستی

پژوهش دفتر ملی پژوهش اقتصادی آمریکا، فارغ از زمینه جغرافیایی و نهادی تولید آن، حامل پیامی بنیادین برای سیاست‌گذاران اقتصادی است و آن، اینکه فقر پدیده‌ای قابل مدیریت است، به‌شرط آنکه با ابزار درست، داده دقیق و منطق روشن به آن پرداخته شود. این پژوهش به خوبی نشان می‌دهد پایان‌دادن به فقر، بیش از آنکه نیازمند منابع نجومی باشد، محتاج طراحی هوشمندانه سیاست‌هاست.

برای کشورمان، درس اصلی این پژوهش نه در تقلید مکانیکی از الگوهای خارجی، بلکه در بازاندیشی در منطق سیاست‌های حمایتی نهفته است؛ به‌ویژه در وضعیت فعلی کشور که افکار عمومی و آحاد مردم هر روزه با کاهش قدرت خرید و تشدید چالش‌های معیشتی روبه‌رو هستند و هر گونه سوءتدبیر اقتصادی از سوی سیاست‌گذاران و ساده‌انگاری وضعیت کشور می‌تواند آبان ۱۳۹۸ به مراتب شدیدتر و فراگیرتری را رقم بزند. از این رو حرکت به‌سوی کمک‌های نقدی مستقیم، متناسب‌سازی حمایت‌ها با شدت فقر، سادسازی آزمون وسع و استفاده هدفمند از داده‌های موجود، می‌تواند به ترمیم معیشت اقشار آسیب دیده کمک کند؛ به‌ویژه با بخش از طبقه متوسط که در سال‌های اخیر، در اثر کاهش ارزش پول ملی، به لایه‌های فقیر و آسیب‌پذیر سقوط کرده‌اند. در عین حال، این رویکرد نباید در تقابل با سیاست‌های دولت یا دستاوردهای موجود تصویر شود. برعکس، می‌توان آن را گامی در مسیر تکامل حکمرانی اقتصادی و افزایش اثربخشی مداخلات حمایتی تفسیر کرد. سیاست فقرزدایی، اگر با عقلانیت راهبردی، شفافیت نهادی و حساسیت اجتماعی همراه شود، می‌تواند هم‌زمان سه هدف را محقق کند: کاهش رنج معیشتی، تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای ثبات اقتصادی. به‌طور کلی، با عنایت به تمام آنچه بیان شد، پرسش «برای پایان‌دادن به فقر چقدر پول نیاز داریم؟» ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که پاسخ واقعی این سؤال، صرفاً یک عدد نیست، بلکه کیفیت تصمیم‌گیری، اولویت‌بندی منابع و شجاعت اصلاح سیاست‌هاست! از این رو می‌توان به صراحت بیان داشت که آینده معیشت در کشورمان، بیش از هر چیز به کیفیت و هوشمندی سیاست‌گذاران و انتخاب‌ها و تدابیر آنها در مسیر اصلاح کشتی طوفان زده اقتصاد کشور گره خورده است.

عمومی بازتفسیر می‌شود.

رسانه، روایت و اعتماد

درباره نظریه محرومیت نسبی باید به این نکته نیز توجه داشت که رسانه‌ها از منظر گر، نقش شتاب‌دهنده ادراک عمومی را دارند. روایت‌های رسانه‌ای تبعیض نما، هر چند تعدادشان محدود باشد، باز هم می‌توانند به تعمیم‌های گسترده بینجامند. از این رو، سیاستی که به شکل عملی و واقعی بر شفافیت، پاسخ‌گویی و همدلی با مردم تأکید کند، مکمل اصلاحات اقتصادی است. باید دقت کرد که سکوت یا واکنش‌های تدافعی در مقابل افشاگری‌های رسانه‌ای و نمایش تبعیض‌ها و نابرابری‌ها، اغلب به تقویت روایت‌های منفی می‌انجامد و شکاف ادراکی را عمیق‌تر می‌کند. در پایان باید این نکته را مدنظر داشت که امنیت ملی امروزه بیش از هر زمان، به مدیریت احساسات جمعی و ادراک عدالت وابسته است. نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر هشدار می‌دهد که بی‌توجهی به شکاف میان انتظارات و واقعیت، می‌تواند حتی در غیاب فقر مطلق، بذر بحران را بکارد؛ از این رو سیاست‌های اقتصادی کشورمان، اگر با نگاه امنیت‌محور و حساس به پیامدهای نمادین همراه شوند، می‌توانند نقش ضربه‌گیر اجتماعی ایفا کنند. در این مسیر، پیشگیری از افزایش احساس محرومیت نسبی از طریق ترمیم معیشت، مدیریت تصویر عمومی و مقابله قاطع و بازدارنده با زیست فرامردمی برخی مسئولان نه یک توصیه اخلاقی، بلکه ضرورتی راهبردی برای ثبات سیاسی و اجتماعی است.

نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد



«فقر» برخلاف تصور رایج، صرفاً مسئله‌ای اخلاقی یا اجتماعی نیست، بلکه پدیده‌ای عمیقاً اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که تداوم آن بنیان‌های ثبات، سرمایه اجتماعی و مشروعیت حکمرانی را در هر کشوری با چالش مواجه می‌کند. در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با تشدید نابرابری‌های جهانی، تغییر ساختار بازار کار و شوک‌های بی‌درپی اقتصادی، مسئله فقر از یک «چالش توسعه‌ای» به یک «متغیر راهبردی» در معادلات امنیت انسانی تبدیل شده است. کشورمان نیز به‌واسطه ترکیب پیچیده‌ای از فشارهای بیرونی با محوریت تحریم، کاستی‌های ساختاری و برخی سوءمدیریت‌ها و افت مستمر قدرت خرید، با گونه‌ای از «فقر جدید» مواجه شده که بخش‌هایی از طبقه متوسط را به لایه‌های آسیب‌پذیر سوق داده است. در چنین بستری، بازخوانی پژوهش‌های معتبر بین‌المللی که با رویکرد داده‌بنیاد به مسئله فقر می‌نگرند، نه از منظر الگوبرداری ساده‌انگارانه، بلکه با هدف استخراج دلالت‌های سیاسی بومی‌شده، اهمیت مضاعف می‌یابد. مقاله‌ای که دفتر ملی پژوهش اقتصادی آمریکا (NBER) در آخرین روزهای دسامبر ۲۰۲۵، منتشر کرده، دقیقاً از همین زاویه تأمل‌برانگیز است. این پژوهش با طرح یک پرسش به ظاهر ساده، اما راهبردی مبنی بر اینکه «برای پایان‌دادن به فقر چقدر پول نیاز است؟» تلاش کرده است تصویر روشنی از هزینه واقعی فقرزدایی و کارآمدترین ابزارهای تحقق آن ارائه دهد. با توجه به اهمیت موضوع، پرسش محوری نگارنده سطور پیش رو این است که این یافته‌ها چه نسبتی با چالش‌های معیشتی کشورمان دارند و چگونه می‌توان از آنها برای ارتقای عقلانیت سیاستی در حوزه حمایت اجتماعی، بدون تولید چالش و آسیب برای معیشت آحاد مردم یا تولید نارضایتی و بحران بهره گرفت؟

فقر به‌مثابه یک متغیر سیاستی

یکی از نقاط قوت اصلی پژوهش دفتر ملی پژوهش اقتصادی آمریکا، عبور آگاهانه از روایت‌های کلی‌نگر و احساسی درباره فقر و تمرکز بر تعریف عملیاتی آن است. در این مقاله، فقر نه به منزله یک وضعیت ایستا، بلکه به‌مثابه شکافی قابل اندازه‌گیری میان درآمد واقعی خانوار و یک آستانه حداقلی معیشت تعریف می‌شود. این رویکرد، امکان محاسبه دقیق شکاف فقر را فراهم کرده و سیاست‌گذار را از تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر حدس و فشار افکار عمومی دور می‌کند. نویسندگان مقاله که همگی از نخبگان اقتصادی آمریکا هستند، با اتکا به داده‌های خرد درآمدی نشان می‌دهند

مرتضی حسینی

کارشناس سیاسی

در ادبیات امنیت ملی، ثبات سیاسی و اجتماعی تنها محصول موازنه قوا یا کارآمدی نهادهای سخت نیست، بلکه به‌طور فزاینده‌ای از دل ادراکات عمومی، مقایسه‌های اجتماعی و احساس عدالت بر می‌خیزد. در این میان، سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه در دوره‌های فشار معیشتی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف امنیت انسانی ایفا کنند. تجربه‌های تاریخی و مطالعات نظری نشان می‌دهد، آنچه جامعه را به مرزهای ناپایداری می‌رساند، الزاماً «فقر مطلق» نیست؛ بلکه شکاف میان انتظارات بر ساخته‌شده و واقعیت زیسته است؛ همان مفهومی که «تدرابرت گر» در نظریه «محرومیت نسبی» آن را به منزله موتور نارضایتی و بی‌ثباتی معرفی می‌کند.

گر استدلال می‌کند کنش جمعی اعتراضی زمانی اوج می‌گیرد که افراد یا گروه‌ها احساس کنند سهم آنان از منابع، منزلت یا فرصت‌ها کمتر از آن چیزی است که «حق» خود می‌دانند یا نسبت به دیگران انتظار دارند. این احساس، بیش از آنکه تابع سطح درآمد باشد، حاصل مقایسه‌های اجتماعی و پیام‌های نمادین است. در چنین چارچوبی، حتی بهبودهای جزئی اقتصادی نیز اگر با انتظارات فزاینده یا تصاویر نابرابر همراه شوند، می‌توانند به تشدید نارضایتی بینجامند. از منظر امنیت ملی، محرومیت نسبی یک ضریب تقویت‌کننده تهدید است که می‌تواند مطالبات پراکنده اقتصادی را به چالش‌های سیاسی و اجتماعی پیوند بزند.

یادداشت

تغییر مسیر یارانه‌ها!

علی‌اکبر لبافی

کارشناس اقتصادی



یکی از موضوعاتی که درباره رشد تولید بسیار اهمیت دارد، حمایت از تولید و تأمین مالی این بخش بسیار مهم در اقتصاد کشور است. در این راستا، بی‌شک با تزریق یارانه به تولید و تأمین مالی کسب‌وکارهای خرد و متوسط می‌توان رونق قابل توجهی در تولید ایجاد کرد. به نظر می‌رسد، منابع یارانه‌ای به جای اینکه به مصرف تخصیص داده شود، باید به تولید اختصاص یابد، زیرا این راهکار می‌تواند به افزایش تولید و افزایش اشتغالزایی و درآمد عموم مردم جامعه منجر شود.

بارها بر این موضوع تأکید شده است، حتی یارانه‌های نقدی ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی نیز با این وضعیت اقتصادی و قدرت خرید نمی‌تواند تغییر محسوسی به نفع تأمین معاش مردم ایجاد کند. بنابراین بهتر است یارانه‌ها از سمت مصرف به تولید اختصاص داده شود تا با جهش تولید بسیاری از چالش‌های اقتصادی کشور کاهش یابد.

متأسفانه در ایران در بخش‌های گوناگون به میزان قابل توجهی یارانه به مردم داده می‌شود؛ یارانه‌هایی که منافع آن بیشتر به مصرف‌کننده بر خوردار یا طبقه اغنیا می‌رسد، موضوعی نامطلوب که فقرا را فقیرتر و ثروتمندان را دارا تر کرده است؛ از این رو نباید یارانه‌ها به مصرف‌کننده داده شود؛ زیرا تولید کشور نیازمند تأمین مالی است و در صورت رشد تولید، شاهد رشد اقتصادی و جهش‌هایی در اقتصاد کشور خواهیم بود.

تا زمانی که سیاست‌های غلط تکرار و بر انجام آن اصرار شود، نمی‌توان انتظار داشت تولید جان بگیرد و وضعیت اقتصادی بهبود یابد. تخصیص یارانه به تولید اولویت بزرگی است که متأسفانه به دست فراموشی سپرده شده است. اگر سیاستگذار توجه ویژه‌ای به رشد تولید و حمایت از آن داشت، بی‌شک با افزایش تولید شاهد رشد و افزایش صادرات و همچنین کاهش قیمت تمام شده محصولات نهایی و بهبود وضعیت معیشتی مردم بودیم.

برخی کشورها با حمایت از تولید و عدم توزیع رانت و ندادن یارانه‌های مختلف به مردم در زمره کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته‌اند، بنابراین انتظار می‌رود دولت برای تأمین مالی تولید از طریق درآمدهای یارانه‌ای اقدام کند و با ایجاد اشتغال و درآمدزایی مردم را حمایت کند.

افزایش تولید در رشد اقتصاد و بهبود وضعیت معیشتی کشور بسیار مؤثر است. اعطای یارانه به فعالیت‌های مولد به افزایش تولید، افزایش رقابت در تولید با کیفیت و کاهش قیمت به نفع مشتری یا مصرف‌کننده نهایی منجر می‌شود. ضمن اینکه حمایت از تولید به معنای ایجاد انگیزه در دارندگان سرمایه برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد است. در این صورت اگر عزم جامعه برای تولید محصولی با کیفیت و در حد قبول استانداردهای جهانی جزم شود، قطع به یقین می‌توان صادرات بیشتر و به تبع آن درآمدزایی بیشتری داشت. در صورت بهبود وضعیت تولید و ارتقای محصولات داخلی با ورود به بازار منطقه‌ای و بین‌المللی شاهد کاهش آثار تحریم‌ها و افزایش درآمد ارزی کشور خواهیم بود؛ موضوعی که روی کاهش میزان تورم به منزله یکی از اصلی‌ترین مطالبات مردم بسیار تأثیر گذار است.

ساحل عباسی

خبرنگار



کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «در سال جاری نزدیک به هشت و نیم میلیارد دلار برای واردات طلا تخصیص داده شده است. این در حالی است که درآمدهای ارزی کشور کاهش یافته است؛ لذا پر واضح است که بانک مرکزی برای پیشبرد سیاست‌هایی که نه تنها به کاهش میزان تورم منجر نشده، بلکه تورم را افزایش داده، مدام از جیب مردم برداشته است.»

«حسین محمودی اصل» کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره آثار نامطلوب واردات طلا و عرضه و پیش‌فروش سکه بر افزایش نرخ‌ها، از جمله افزایش نرخ ارز، طلا و تورم به ما گفت: «با تأسف باید گفت بسیاری از مسائل و چالش‌های امروز اقتصاد ایران ناشی از اتخاذ سیاست‌های غلط و بی‌توجهی به در نظر گرفتن منافع کلان کشور است. با صراحت می‌توان گفت اگر بسیاری از سیاست‌های غلط اتخاذ نمی‌شد و چنان کشورهای توسعه یافته سیاست‌های اقتصادی درست بر مبنای علم اقتصاد اجرا می‌شد، قطع به یقین اقتصاد امروز ایران با معضلات جدی رویه‌رو نبود.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «یکی از موضوعاتی که شاید کارشناسان درباره آن به اندازه نیاز وارد نشده‌اند، موضوع واردات طلا و پیامدهای بسیار منفی آن است که بر ارزش پول و افزایش میزان تورم و صادرات و تولید کشور تأثیر گذاشته است.»

این کارشناس اقتصادی یادآور شد: «بانک مرکزی نباید خود به عرضه‌کننده سکه تبدیل شود و مردم را به خرید سکه تشویق کند. اگر سیاست‌های درستی در اقتصاد ایران اتخاذ

می‌شد، امروز به جای چاپ پول و عدم تزریق پول به اقداماتی، نظیر خرید طلا، منابع مالی کشور به سمت فعالیت‌های مولد تخصیص داده می‌شد؛ اما امروز متأسفانه از راه‌های تورم‌زا پول صرف واردات طلا می‌شود و بانک مرکزی با تشویق مردم برای خرید سکه آنها را خواسته یا ناخواسته به دلالت و سوداگران در بازار طلا و سکه تبدیل کرده است؛ یعنی مجموعه اقداماتی که در کشور صورت می‌گیرد، به گونه‌ای است که گویی مجموعه دولت و بانک مرکزی مشوق مردم و صاحبان سرمایه برای خرید ارز و طلا و عدم هدایت منابع‌شان به سمت تولید هستند.»

محمودی اصل درباره تعیین دستوری نرخ ارز نیز گفت: «بسیاری از سیاست‌های بانک مرکزی غلط است. وقتی تولیدکننده و صادرکننده ارز را از بازار آزاد با قیمت بیش از ۱۰۰ هزار تومان خریداری می‌کند، چرا باید تحت فشار بانک مرکزی قرار بگیرد و ارز حاصل از صادرات خود را با نرخ ۷۰ هزار تومان به بانک مرکزی عرضه کند؟ کمترین دلیلی برای تحمیل ضرر و زیان به صادرکننده وجود ندارد؛ زیرا در روند قیمت‌گذاری زوری و تحمیلی بانک مرکزی صادرکننده حداقل ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان در هر دلار زیان می‌کند و خود این اقدامات در نهایت به کاهش انگیزه‌های صادرکنندگان منجر خواهد شد.»

این استاد دانشگاه در ادامه تصریح کرد: «تا زمانی که سیاست‌گذاری‌های دولت و بانک مرکزی خواه یا ناخواه بر پایه توزیع رانت است و سهمیه‌های ارزی و پولی و... به نفع عده‌ای خاص وجود دارد، نمی‌توان به بهبود اوضاع امیدوار بود. در حال حاضر، سهمیه‌های ارز دولتی در حالی به گروه‌های خاصی تعلق می‌گیرد که گفته می‌شود هدف از تخصیص ارز دولتی توزیع مناسب کالا با قیمت ارزان به نفع مردم است؛ اما در عمل این اتفاق رخ نمی‌دهد. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت وضعیت اقتصادی و تولید کشور

حسین محمودی اصل در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح شد

سیاست‌ها ضد تولید است



ضمن درآمدزایی برای مردم و اشتغالزایی به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کنند.»

محمودی اصل گفت: «تا زمانی که مسئولان خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناآگاهانه با سیاست‌های غلط به نفع سوداگری و دلالتی کار می‌کنند و کسی برای افزایش حاشیه سود تولید کمترین کاری صورت نمی‌دهد؛ به نحوی که حاشیه سود تولید در نهایت به مرز ۱۵ درصد می‌رسد، مشخص است که با هیچ استدلالی نمی‌توان مردم را به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و کمک به رشد اقتصادی از این طریق کشاند.»

این کارشناس و تحلیلگر اقتصادی تأکید کرد: «وقتی سوددهی طلا ظرف یک سال ۱۶۴ درصد بوده و از آن‌سو بانک مرکزی هشت و نیم میلیارد دلار طلا وارد کشور کرده است؛ یعنی سهم منابع مالی ۱۸ درصد از کل صادرات کشور به واردات طلا تخصیص داده شده است؛ در حالی که برای واردات مواد اولیه تولید پولی داده نشده است و از تخصیص ارز برای واردات تجهیزات مورد نیاز تولید و در بخش‌های تولید و تأمین دارو و سایر نیازهای اساسی کشور که به رشد و توسعه ما کمک می‌کند؛ خبری نیست؛ یعنی رشد و جهش تولید در نظر مسئولان نه تنها در اولویت نیست، بلکه اصولاً جایگاهی ندارد.»

حسین محمودی اصل در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «اگر در جنگ اقتصادی قصد مغلوب شدن نداریم و قصد نداریم در کنار تحریم‌های دشمنان خود را دوباره تحریم کنیم و این روند مخرب دفع تولید و فشار بر تولید را ادامه دهیم، بی‌شک باید از سیاست‌هایی که هزار بار امتحان شده، اما ما را از بحران‌های اقتصادی بیرون نکشیده و روز به روز بر دامنه بحران اقتصادی کشور و نگرانی مردم نسبت به آینده اقتصادی خود افزوده است، دست برداریم.

دچار بهبود خاصی شود و اهداف رشد اقتصادی برنامه‌های بلندمدت اقتصاد کشور محقق شود.» حسین محمودی اصل یادآور شد: «با تأسف باید گفت به دلیل سیاست‌های غلط دولت و بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳ نزدیک به ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رانت توزیع شده است یا برای نمونه در سال جاری حدود هشت و نیم میلیارد دلار برای واردات طلا تخصیص داده شده است. این در حالی است که درآمدهای ارزی کشور کاهش یافته است؛ لذا پر واضح است که بانک مرکزی برای پیشبرد سیاست‌هایی که نه تنها به کاهش نرخ تورم منجر نشده، بلکه تورم را افزایش داده، مدام از جیب مردم برداشته است.»

وی در این باره بیان داشت: «چرا بانک مرکزی با دست کردن در جیب مردم باید طلا وارد کشور کند و آن را به سکه تبدیل و به مردم بفروشد، در حالی که دولت و بانک مرکزی ذیل وظایف خود باید مردم را به سرمایه‌گذاری در بخش تولید تشویق کنند، نه اینکه خود زمینه‌ساز دلالت شدن مردم و حرکت سرمایه‌ها به سمت خرید طلا و سکه شوند.»

محمودی اصل معتقد است: «همین سیاست‌های غلط است که ضربه بسیار سخت و سنگینی بر پیکر تولید کشور وارد کرده و تولید را در وضعیت بسیار سختی قرار داده است؛ به گونه‌ای که اکنون متأسفانه حاشیه سود تولید بین ۱۲ تا ۱۵ درصد است، در حالی که صندوق‌های با درآمد ثابت ۳۷ درصد سود می‌پردازند و این یعنی عملاً انگیزه‌ای برای ورود به تولید وجود ندارد.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی تأکید کرد: «وقتی صندوق‌های با درآمد ثابت سود قطعی بدون کمترین ریسکی می‌پردازند و بانک مرکزی مردم را به خرید سکه و هدایت سرمایه‌ها به این بخش تشویق می‌کند، مشخص است که نمی‌توان روی رشد و جهش کسب‌وکارهای خُرد و متوسط حساب باز کرد، کسب‌وکارهایی که

شاخص

ریزش ۳۴ درصدی

فروش خودروهای برقی تسلا در اتحادیه اروپا طی ماه نوامبر در پی رقابت شدید با برندهای چینی و واکنش‌های سیاسی منفی به اظهارات ایلان ماسک، مالک این شرکت، ۳۴٫۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافت. بر اساس داده‌های انجمن خودروسازان اروپا، این شرکت سازنده خودروهای برقی در ماه گذشته میلادی ۱۲ هزار و ۱۳۰ دستگاه خودرو در اتحادیه اروپا فروخت که نسبت به رقم ثبت شده در نوامبر سال گذشته یعنی ۱۸ هزار و ۴۳۰ دستگاه سقوط شدیدی را نشان می‌دهد. سهم بازار این شرکت نیز به ۱٫۴ درصد کاهش یافت، در حالی که این شاخص در نوامبر سال قبل ۱٫۲ درصد بود.



منهای نفت

صادرات فرش

فرش ایرانی یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای فرهنگی و اقتصادی کشور در جهان است. این محصول هنری سال‌ها سهم مهمی در صادرات غیرنفتی ایران داشته، اما در سال‌های اخیر میزان صادرات آن به‌طور محسوسی کاهش یافته است. به گونه‌ای که صادرات فرش دستباف ایران از حدود ۲ میلیارد دلار در اوایل دهه ۷۰ به حدود ۵۰ میلیون دلار در سال ۱۴۰۱ رسیده است. تحریم‌ها، مشکلات بازاریابی، رقابت سایر کشورها و نبود حمایت کافی از تولیدکنندگان، از دلایل این افت به‌شمار می‌روند. این وضعیت زنگ خطری جدی برای صنعتی است که با اشتغال گسترده و ارزش افزوده بالا همراه است.



افزوده

کالای مصرفی

کالاهایی که در بازار به فروش می‌رسد، ممکن است از سوی مصرف‌کنندگان نهایی خریداری شود و به مصرف برسد که به آنها «کالای مصرفی» گفته می‌شود؛ اما اگر تولیدکنندگان دیگری برای ادامه فرآیند تولید و تبدیل آنها به کالاهای دیگر، آن کالاها را خریداری و استفاده کنند، به آنها «کالای واسطه‌ای» گفته می‌شود. برای نمونه، گوجه فرنگی که خانوارها تهیه می‌کنند و به مصرف می‌رسانند، کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود، اما وقتی همان گوجه فرنگی را کارخانه‌های می‌خرند و برای تولید رب یا سس گوجه فرنگی استفاده می‌شود، کالای واسطه‌ای در نظر گرفته می‌شود.



قبیله عشق

آخرین پیام علیرضا

«دارم می‌روم...»



«سرباز و وظیفه علیرضا وفایی» متولد ۱۹ دی ۱۳۸۲ در تهران، از جمله شهدای جنگ ۱۲ روزه است که در تاریخ ۲ تیر ۱۴۰۴ در حمله وحشیانه رژیم غاصب صهیونیستی به زندان اوین به شهادت رسید.

پدر شهید می‌گوید: «علیرضا از همان سنین کودکی آموزش‌های قرآنی را تحت نظر مادرش آغاز کرد. در یک مکتب قرآنی نام‌نویسی شد و از ۱۱-۱۲ سالگی قرآن را به‌طور کامل تلاوت می‌کرد. علیرضا علاوه بر فعالیت‌های قرآنی، به مداحی اهل بیت(ع) نیز علاقه‌مند بود و در سنین نوجوانی در کلاس‌های مداحی هم شرکت کرد. یادم می‌آید، اولین مداحی رسمی علیرضا در حسینیه‌ای در خیابان محلاتی بود که برنامه‌های آن به زبان‌های فارسی و عربی برگزار می‌شود. علیرضا بعد از اخذ دیپلم، در رشته حسابداری در دانشگاه مشغول به ادامه تحصیل شد؛ پس از پایان تحصیلات دانشگاهی هم برای انجام خدمت سربازی اقدام کرد و در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ برای گذراندن دوران سربازی به سازمان زندان‌ها اعزام شد. بعد از گذراندن دوره آموزشی، به‌دلیل مهارت‌های خود در قرائت قرآن و مداحی، وارد فعالیت‌های فرهنگی شد و در مراسم و برنامه‌های مختلف به‌عنوان قاری قرآن و مداح حضور پیدا کرد. علیرضا با پایان دوره آموزشی و برای گذراندن ادامه خدمت سربازی به مجموعه زندان اوین معرفی شد که در آنجا هم علاوه بر انجام امور محوله، فعالیت‌های فرهنگی می‌کرد.

علیرضا در طول دوران خدمت سربازی همواره با اخلاص و ایمان در خدمت مردم و انقلاب اسلامی بود و در هیچ شرایطی از مسئولیت‌های خود عدول نکرد. او در کنار مسئولیت‌های خود در زندان اوین، حضور پررنگی در فعالیت‌های فرهنگی داشت و با شهادتش، ادامه‌دهنده راه پدران و اجداد خود شد که در طول تاریخ در راه انقلاب اسلامی و دفاع از اصول دینی و ملی مبارزه کرده‌اند. مادر علیرضا همواره او را در مسیر یادگیری قرآن کریم و تربیت دینی تشویق می‌کرد. علیرضا از همان دوران کودکی آموزش قرآن را آغاز کرد. از سنین پایین، قرآن را به‌طور کامل و با قواعد صحیح تلاوت می‌کرد. با وجود درد و اندوه فقدان فرزندم، افتخار می‌کنم که علیرضا در راه دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی به شهادت رسید و مسیر پدران و اجداد خود را که همواره در راه انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی فداکاری کرده‌اند، ادامه داد. شهادت فرزندم نه‌تنها از نظر شخصی، بلکه از نظر اجتماعی و دینی نیز موجب افتخار خانواده است و باعث می‌شود تا در این مسیر پر افتخار همچنان استوار باقی بمانیم.

صبح روز شهادت علیرضا، پيامی از او دریافت کردم که با پیام‌های همیشگی‌اش تفاوت داشت. در آن پیام نوشته بود: «سلام بابا، دارم می‌روم. دوست‌تان دارم. مراقب خودتان باشید.»

دیدار سردار وحیدی با خانواده شهید سلامی

صلابت شهید سلامی در ذهن‌ها ماندگار است

وی گفت: «هیچ‌گاه شهید را بدون لبخند ندیدیم و این ویژگی خاطره‌ای ماندگار از ایشان در ذهن همه ما ثبت کرده است.»

جانشین رئیس ستادکل نیروهای مسلح در ادامه این دیدار بیان کرد: «شهید حاج‌حسین سلامی به لحاظ ویژگی‌های خاص و دیدگاه و آرا و عملکرد خود یک مکتب دارد و لازم است خصوصیات، تفکر و عملکرد ایشان با اقدامات هنری و رسانه‌ای به جامعه و جبهه مقاومت نمایش داده شود و حتی به نظم این ظرفیت وجود دارد تا در فضاهای علمی و دانشگاهی این سطح تفکر و افق دید ایشان مورد بحث و درس قرار گیرد.»

در پایان این دیدار جانشین رئیس ستادکل نیروهای مسلح با اهدای لوح و هدایا از خانواده شهید سلامی تجلیل به عمل آورد.

جانشین رئیس ستادکل نیروهای مسلح در دیدار با خانواده شهید سپهبد حاج حسین سلامی یاد این فرمانده بزرگ را گرامی داشت.

به گزارش خبرنگار صبح صادق؛ سرتیپ پاسدار احمد وحیدی، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به‌همراه «سرتیپ پاسدار ابوالقاسم شریفی»، مسئول ایثارگران و «سرتیپ پاسدار ابوالفضل شکارچی»، معاون فرهنگی و جنگ نرم ستاد کل نیروهای مسلح به دیدار خانواده شهید سپهبد حاج حسین سلامی رفت.

در این دیدار که بیش از یک و نیم ساعت در فضایی مملو از یاد و خاطره مجاهدت‌ها و مهربانی‌های شهید حاج حسین سلام برگزار شد، سردار وحیدی با اشاره به ویژگی‌های بارز شهید سلامی اظهار کرد: «صلابت ایمان، قوت روح، ظرفیت علمی و لبخند همیشگی شهید سلامی، همواره در ذهن‌ها باقی خواهد ماند.»



سردار ملانوری فرمانده حفاظت هوایی سپاه خبر داد

جابه‌جایی امن ۴۵ میلیون مسافر در یک سال

گروه گزارش

صبح صادق

فرمانده حفاظت هوایی سپاه با اشاره به کارنامه ۴۱ ساله این نهاد در تأمین امنیت صنعت هوانوردی، گفت: «با وجود تحریم‌های بین‌المللی و پیچیدگی تهدیدهای نوظهور، امنیت آسمان ایران به صورت صددردصدی برقرار است و در همین راستا، به تازگی توطئه هواپیماربابی و خلع سلاح گارد امنیت در مسیر تهران-مشهد با هوشیاری نیروهای این یگان خنثی شد.»

به گزارش خبرنگار صبح صادق، در نشست خبری به مناسبت پنج‌دی‌ماه، سالروز صدور فرمان حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل این نهاد با حضور «سردار هادی ملانوری» فرمانده حفاظت هوایی سپاه برگزار شد. در این نشست سردار ملانوری دستاوردها و وضعیت امنیت پروازهای کشور را تشریح کرد.

ریشه‌های یک امنیت پایدار

وی با اشاره به سوابق تاریخی مأموریت سپاه پاسداران در حوزه امنیت هوانوردی، گفت: «در سال ۱۳۶۳ و در اوج جنگ تحمیلی و جنگ‌های شهری، با تشدید اقدامات تروریستی، هواپیماربابی و تحرکات گروه‌های معاند و منافقین علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) طی فرمانی مسئولیت مقابله با هواپیماربابی و تأمین امنیت صنعت هوانوردی کشور را به سپاه واگذار کردند.»

فرمانده حفاظت هوایی سپاه افزود: «این فرمان در ماه‌های پایانی عمر پربرکت امام‌راحل(ره) و در سال ۱۳۶۷، بار دیگر مورد تأکید قرار گرفت و ایشان ضمن قدردانی از زحمات سپاه در حراست از هواپیماها و برخورد با هواپیماربابان، مسئولیت حفاظت هوایی کشور را بار دیگر به سپاه محول کردند.»

سردار ملانوری با بیان اینکه این مأموریت در دهه ۶۰ با تأیید و فرمان دقیق رهبر معظم انقلاب نیز استمرار یافت، تصریح کرد: «بر اساس فرامین امامین انقلاب و مصوبات شورای عالی امنیت ملی، به‌ویژه مصوبه جلسه ۵۲۹ این شورا، مسئولیت مقابله با هواپیماربابی و تأمین امنیت پروازها و فرودگاه‌های کشور همچنان بر عهده سپاه است.»

در ادامه، ملانوری درباره عملکرد حفاظت هوایی سپاه در سال گذشته گفت: «در یک سال گذشته، علاوه بر تداوم تحریم‌ها در حوزه صنعت هوانوردی به‌ویژه در سطح منطقه و اروپا، کشور با جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز مواجه بود. در این مقطع، به‌جز چند روز در خردادماه ۱۴۰۴ که به دلیل محدودیت و پاک‌سازی فضای هوایی، پروازها متوقف شد و تمرکز نیروها بر امنیت زمینی و فرودگاهی قرار گرفت، سایر ایام سال پروازها به‌صورت عادی و با بالاترین سطح امنیت انجام شد.»

جابه‌جایی امن ۴۵ میلیون مسافر

وی با بیان اینکه به‌طور متوسط روزانه حدود ۵۰۰ پرواز در کشور انجام می‌شود، افزود: «در سال گذشته حداقل ۴۵ میلیون مسافر در ۶۷ فرودگاه عملیاتی کشور که سپاه پاسداران در آنها حضور دارد، تحت کنترل و بازرسی دقیق امنیتی



عکس: حامد کدوری

قرار گرفتند. این اقدامات شامل پروازهای داخلی و خارجی بوده و با هدف تأمین امنیت پروازها، سلامت و آرامش مسافران انجام شده است.»

فرمانده حفاظت هوایی سپاه تأکید کرد: «بازرسی‌های امنیتی با وجود تنوع فرهنگی، اعتقادی و رفتاری مسافران، به‌صورت کاملاً حرفه‌ای، بدون ایجاد تنش و استرس و با رعایت کرامت انسانی انجام می‌شود و رزمندگان سپاه پاسداران توانسته‌اند این مأموریت حساس را با موفقیت کامل به انجام برسانند.»

وی در ادامه با اشاره به اقدامات پیشگیرانه انجام‌شده طی سال‌های اخیر اظهار کرد: «مجموعه اقدامات و عملکرد همکاران ما در سپاه حفاظت هوایی به‌گونه‌ای بوده که خود به‌عنوان یک بازدارنده و عامل پیشگیری در برابر تهدیدهای دشمنان و معاندان عمل کرده است. در حوزه تجهیزات نیز استفاده از ابزارهایی نظیر دستگاه‌های ایکس‌ری، اسکنرها و تجهیزات کمک‌بازرسی در دستور کار قرار دارد که بخشی از آنها از داخل کشور و بخشی نیز با وجود محدودیت‌ها و تحریم‌ها از خارج تأمین شده است.»

ملانوری افزود: «با وجود تحریم‌ها و موانع احتمالی در تأمین تجهیزات، با دقت و تدابیر لازم به دنبال به‌روزرسانی امکانات هستیم و در حال حاضر نیز هیچ خللی در مأموریت‌ها وجود ندارد. نیروهای سپاه حفاظت هوایی با برخورداری از آموزش‌های به‌روز، دانش تخصصی صنعت هوانوردی، آمادگی جسمانی مناسب و تجهیزات لازم، طی ۴۱ سال گذشته به لطف الهی و دعای خیر رهبر معظم انقلاب مسیر موفقیت‌آمیز را طی

کرده است.»

تجهیزات مدرن علیه تهدیدهای نوظهور

فرمانده حفاظت هوایی سپاه درباره سطح همکاری سپاه با سازمان هوایی کشور و وزارت راه و شهرسازی، به‌ویژه در پی برخی حواشی اخیر تصریح کرد: «امروز همکاری سپاه پاسداران در صنعت هوانوردی با تمامی مراجع، نهادها و نقش‌آفرینان این حوزه از جمله سازمان هوایی کشور، پلیس فرودگاه‌ها، حراست‌ها و سایر دستگاه‌های مرتبط، در بهترین سطح تعامل و هماهنگی قرار دارد. با توجه به پیچیدگی تهدیدهای نوظهور در عصر جدید، این هم‌افزایی برای تأمین امنیت پایدار صنعت هوانوردی ضروری است و خوشبختانه این همکاری به‌خوبی شکل گرفته است.»

وی درباره یکی از موارد مطرح‌شده اخیر نیز گفت: «اقدامات همکاران ما در چارچوب ضوابط و قوانین انجام شده است، اما انتظار می‌رود همه مسئولان و حتی مردم در حوزه امنیت پرواز و فرودگاه‌ها با صبوری و همراهی بیشتری عمل کنند. هدف همه ما جلوگیری از بروز حاشیه‌ها و تأمین آرامش و امنیت کامل است و امیدواریم چنین موضوعاتی در آینده تکرار نشود.»

خنثی‌سازی گروگان‌گیری در مسیر مشهد

سردار ملانوری با اشاره به نمونه‌ای از تهدیدهای خنثی‌شده در سال گذشته گفت: «در اواسط آبان‌ماه، در یکی از پروازهای مسیر تهران-مشهد، فردی با توان بدنی بالا قصد خلع سلاح نیروی گارد امنیت پرواز را داشت و طبق اظهارات خود در مراجع

بر اساس فرامین امامین انقلاب و مصوبات شورای عالی امنیت ملی، به‌ویژه مصوبه جلسه ۵۲۹ این شورا، مسئولیت مقابله با هواپیماربابی و تأمین امنیت پروازها و فرودگاه‌های کشور همچنان بر عهده سپاه است.

نیروهای سپاه حفاظت هوایی با برخورداری از آموزش‌های به‌روز، دانش تخصصی صنعت هوانوردی، آمادگی جسمانی مناسب و تجهیزات لازم، طی ۴۱ سال گذشته به لطف الهی و دعای خیر رهبر معظم انقلاب مسیر موفقیت‌آمیز را طی کرده است

سازمان هوایی کشوری، پلیس فرودگاه‌ها، حراست‌ها و سایر دستگاه‌های مرتبط، در بهترین سطح تعامل و هماهنگی قرار دارد. با توجه به پیچیدگی تهدیدهای نوظهور در عصر جدید، این هم‌افزایی برای تأمین امنیت پایدار صنعت هوانوردی ضروری است و خوشبختانه این همکاری به‌خوبی شکل گرفته است

ذی‌صلاح، نیت گروگان‌گیری را نیز مطرح کرده بود که این اقدام با هوشیاری نیروهای سپاه در همان پرواز خنثی شد و هواپیما بدون هیچ‌گونه حادثه‌ای به سلامت در مشهد مقدس فرود آمد.»

وی افزود: «در ماه‌های اخیر همچنین تهدیدهایی از جمله ادعای بمب‌گذاری و موارد مشابه گزارش شده بود که تمامی آنها با تدابیر پیشگیرانه و اقدامات ویژه نیروهای حفاظت هوایی سپاه، بدون ایجاد اختلال در پروازها و امنیت مسافران مدیریت و خنثی شده است.»

فرمانده حفاظت هوایی سپاه درباره اقدامات انجام‌شده پس از حمله اخیر رژیم صهیونی، و اینکه چه تغییرات مشخصی در سطح حفاظت فرودگاه‌ها و امنیت پروازهای کشور اعمال شده گفت: «جنگ تحمیلی خردادماه ۱۴۰۴، با وجود هزینه‌ها و شهادت جمعی از سرمایه‌های ارزشمند انسانی کشور، موجب شد نیروهای مسلح نقاط ضعف احتمالی خود را شناسایی و برطرف کنند. حفاظت هوایی سپاه نیز با اجرای آموزش‌ها و رزمایش‌های تخصصی، پیش و پس از این جنگ، سطح آمادگی و آگاهی خود را ارتقا داد.»

وی افزود: «در روزهای ابتدایی جنگ و با تصمیمات اتخاذشده در سطح عالی فرماندهی، تدابیری برای حفاظت از هواپیماها صورت گرفت که این اقدامات موجب شد در جریان این جنگ تحمیلی، صنعت هوانوردی کشور دچار آسیب نشود و بلافاصله پس از آتش‌بس، پروازها برای خدمت‌رسانی به مردم از سر گرفته شد.»

فرمانده حفاظت هوایی سپاه با قدردانی از خلبانان و فعالان صنعت هوانوردی خاطر نشان کرد: «در شرایطی که دشمن با تهدیدهایی، نظیر ریز پرنده‌ها و جنگ ترکیبی تلاش داشت فضای روانی ناامنی ایجاد کند، خلبانان هواپیماهای مسافری و نیروهای امنیت پرواز با شجاعت و مسئولیت‌پذیری در صحنه حاضر بودند که این تجربه، دستاوردهای ارزشمندی برای مقابله با تهدیدهای آینده به همراه داشت.»

سربلندی در آزمون‌های بین‌المللی

سردار ملانوری در پاسخ به پرسش دیگری درباره تعاملات بین‌المللی امنیت هوانوردی، به‌ویژه با کشورهای حوزه خلیج فارس، گفت: «صنعت هوانوردی حساسیت‌های خاصی دارد و جمهوری اسلامی ایران در چارچوب قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله توکیو، شیکاگو، لاهه و مونترال فعالیت می‌کند. در این مسیر، سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی (ایکائو) به‌صورت دوره‌ای از مجموعه‌های امنیتی کشور بازدید و نظارت دارد که خوشبختانه عملکرد جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی‌ها طی سال‌های گذشته موفق بوده است.»

وی افزود: «نیروهای شاغل در حوزه حفاظت هوانوردی، چه در زمین و چه در آسمان، با گذراندن آموزش‌های تخصصی در مقاطع مختلف تحصیلی و آشنایی کامل با قوانین داخلی و بین‌المللی، مأموریت‌های خود را به‌صورت حرفه‌ای انجام می‌دهند.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
در مراسم دانش آموختگی
افسران سپاه
راه مقاومت
راه عزت ماست



مراسم دانش آموختگی، تحلیف و اعطای سردوشی به دانشجویان دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) با حضور امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سردار سرلشکر پاسدار محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه و جمعی از فرماندهان عالی رتبه، استادان و خانواده‌های معظم شهدا برگزار شد. سرلشکر موسوی در تشریح پنج واژه کلیدی «اسلام»، «انقلاب اسلامی»، «پاسداری»، «سپاه» و «افسر» اظهار کرد: «اسلام؛ دینی که بالاتر از آن نیست و آیین سیر الی الله است. انقلاب اسلامی؛ انفجار نوری که پس از ۱۴۰۰ سال، قطار بشریت را که به دست شیاطین به بیراهه رفته بود، به ریل درست آن بازگرداند. پاسداری؛ وظیفه‌ای سنگین برای حفاظت از ارزش‌ها؛ انقلاب اسلامی که احیار دین پیامبر(ص) است، خود زاینده هزاران ارزش است و پاسداری از آن از هر نگاه‌بانی مهم‌تر است. سپاه؛ نهادی که جایگاهش در کلام امیر المؤمنین(ع) به عنوان دری از درهای بهشت توصیف شده است و افسر؛ به معنای فرمانده، راهنما، پیشرو و پرچمدار است.»

وی تأکید کرد: «افسری سپاه پاسداران یک کار و راه مقدس است و شما پرچمداران برگزیده‌ای هستید که باید مراقبت کنید این عظمت با هیچ چالشی خدشدار نشود.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تأکید بر وحدت راهبردی نیروهای مسلح، تصریح کرد: «در این راه نورانی، ارتش جمهوری اسلامی ایران دوشادوش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این موضع، فرهنگ جاری در ارتش است.»

پیوند برادرانه

وی افزود: «دشمنان ما با انقلاب و اصل نظام و ملت دشمن هستند و با هر کس در هر لباسی که از این انقلاب دفاع کند، دشمنی می‌کنند؛ چه سپاه باشد، چه ارتش، چه فراجا و چه بسیج. اما نیروهای مسلح و ملت مقاوم ایران با فرماندهی رهبر معظم انقلاب، متحد و منسجم بر همه توطئه‌ها غالب خواهند شد.»

در ادامه سرلشکر موسوی با بیان اینکه حوادث دو سال اخیر ماهیت جنایتکار آمریکا و رژیم صهیونیستی را برای جهانیان اثبات کرد، گفت: «دشمنان ما پیمان شکن، جنگ‌افروز و فریبکارند و به هیچ قانون بین‌المللی و هنجار انسانی پایبند نیستند.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح خطاب به افسران جوان گفت: «ما راه مقاومت و قوی‌تر شدن را انتخاب کرده‌ایم که راه عزت و استقلال ماست. دین و دانش دو بال قدرتمند حرکت شما در این مسیر هستند؛ با این دو بال خود را مجهز و روز به روز قوی‌تر کنید.»

در پایان مراسم ضمن قدردانی از فرماندهان، استادان دانشگاه امام حسین(ع)، از استادان نخبه و خانواده محترم شهدا تجلیل و قدردانی به عمل آمد.

نماینده ولی فقیه در سپاه در دیدار خانواده شهدای اقتدار استان مرکزی

جان فشانی شهدا دشمن را شکست داد



به وضعیت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران گفت: «این انقلاب با وجود فراز و نشیب‌ها هرگز متوقف نشده و دشمن در قتنه‌ها و تهاجمات اخیر نیز ناکام مانده است. امروز روحیه، توان موشکی و آمادگی نیروهای مسلح، به‌ویژه در سپاه و هوافضا، به‌مراتب قوی‌تر از گذشته است.» حجت‌الاسلام حاجی صادقی با تأکید بر تداوم مسیر مقاومت، افزود: «فرزندان شما و هم‌زمان‌شان با الهام از مکتب امام حسین(ع) عهد بسته‌اند تا در مسیر نابودی رژیم صهیونیستی کودک‌کش و سربلندی اسلام، لحظه‌ای کوتاه نیابند و این راه را با قدرت ادامه دهند.»

وی در پایان از خانواده‌های شهدا خواست درخواست‌ها و موارد نیازمند پیگیری را به‌صورت مکتوب ارائه دهند و گفت: «قول می‌دهم همه موارد مطرح‌شده حتماً پیگیری شود و با خانواده‌ها تماس گرفته شود. خدمت به خانواده‌های معظم شهدا برای ما افتخار بزرگی است.»

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی به صورت جداگانه با ۳۴ شهید اقتدار ارتش، سپاه، بسیج، فراجا و مردمی این استان در دمت زمان بیش از دو ساعت دیدار و ضمن شنیدن خاطراتی از شهدا و دغدغه خانواده‌ها با اهدای لوح و هدیه به همسر، والدین و فرزندان شهدا از آنان تجلیل به عمل آورد. گرفتن عکس دسته‌جمعی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران با فرزندان شهدای اقتدار پایان‌بخش این مراسم سراسر سرور و معنویت بود.

«دشمن اسلام، تنها رژیم صهیونیستی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از قدرت‌ها با برنامه‌ریزی و مشارکت چندین کشور وارد میدان شدند تا به زعم خود بساط انقلاب اسلامی را جمع کنند، اما جان‌فشانی شهدا موجب شکست دشمن شد؛ شکستی که امروز حتی خود آنان نیز در محافل‌شان به آن اعتراف می‌کنند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی با بیان اینکه شهادت برای خود شهید هدیه الهی است، افزود: «سختی شهید تا لحظه جان دادن است و از همان لحظه، طبق وعده قرآن، شادی و آرامش او آغاز می‌شود، اما بار اصلی سختی بر دوش خانواده‌هاست؛ صبر، استقامت و تحمل فراق. همان‌گونه که در کربلا شهادت علی‌اکبر(ع) لحظه‌ای بود، اما رنج و رسالت امام سجاد(ع) و حضرت زینب کبری(س) سال‌ها ادامه داشت.» نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره

رهبری، همواره بر دیدار مستمر با خانواده‌های شهدا اصرار داشته‌اند و علاقه‌مند بوده‌اند شخصاً در منازل آنان حضور پیدا کنند. به همین دلیل احساس وظیفه کردیم به نمایندگی از سوی ایشان خدمت خانواده‌های شهدا برسیم و سلام رهبر معظم انقلاب را به شما ابلاغ کنیم.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه شهدای والا مقام از دست نرفته‌اند، تصریح کرد: «همان‌گونه که خون امام حسین(ع) هدر نرفت، شهدای شما نیز چنین هستند. حضرت سیدالشهدا(ع) جان خود را فدا کرد تا دین خدا باقی بماند و خون او سبب بقای دین شد. شهادت فرزندان شما نیز موجب زنده ماندن دین خدا و استمرار انقلاب اسلامی شده است.» نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به ماهیت دشمنی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، گفت:

اسامی شهدا

مرتضی شفیعی، ابراهیم عقیلی آشتیانی، حسنین جعفرآبادی، امیرعباس جعفرآبادی، حسین جعفرآبادی، فاطمه اسفندانی، آیمه زینلی، هیدا زینلی، علیرضا زینلی، مرضیه جهانی، علیرضا محمودی، حسین جعفری، حسن آقایی، محمد اکبری، محمد انصاری، حسین شعبانی، محمدامین خسروی، مسعود بیات، فاطمه سیه‌پوش، ابراهیم فضلی، مجتبی دالایی، محمد شیخی، محمد مجیدی، محمد عباسی، سیدحسین بهشتی، مصطفی صباغی، بهادر زاهدی، سیدمحمود موسویان، فاطمه قنبری، رسول رضایی، ولی‌اله طاهری، محمدامین ابراهیمی، مهدی صارم‌پور، رضا داودآبادی

ایران» که در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد، اظهار کرد: «برای قوی‌شدن ایران باید چهار راهبرد کلان دنبال شود که نخست آن پایبندی به اسلام ناب، استقلال، پیشرفت، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم است و در مقابل، اسلام آمریکایی اسلامی وابسته و همسو با منافع استکبار به شمار می‌رود.»

وی تأکید کرد: «ساخت و رونمایی از موشک «فتاح» نمونه‌ای از این پیشرفت است؛ موشکی که از پیشرفته‌ترین سامانه‌های پدافندی جهان عبور کرد و با هزینه‌ای کمتر از سامانه‌های دفاعی دشمن، اهداف تعیین‌شده در سرزمین‌های اشغالی را به‌صورت نقطه‌ای مورد اصابت قرار داد.»

سردار شکارچی ادامه داد: «کشورهای منطقه و جهان، از جمله چین، روسیه، هند، پاکستان و حتی برخی کشورهای اروپایی، قدرت ایران را درک کرده‌اند و مشکلات موجود عمدتاً ناشی از فشار دشمن بر دیگر کشورهاست، درحالی‌که بسیاری از مسائل داخلی با تکیه بر توان جوانان

سردار شکارچی

شبکه جاسوسی دشمن خنثی شده است

سختگیری ارشد نیروهای مسلح عنوان کرد: «در جنگ ۱۲ روزه شبکه گسترده جاسوسی دشمن طی این دوره ضربه جدی خورد و بخش اعظم آن خنثی شد و این دستاوردی بزرگ در حوزه امنیتی و اطلاعاتی به‌شمار می‌رود.»

«سردار ابوالفضل شکارچی» سختگوی ارشد نیروهای مسلح در نشست آذماه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور با شعار «مقاومت ملی، هویت پایدار ملت

قابل حل است.»

وی تأکید کرد: «خطر جنگ شناختی از جنگ نظامی بیشتر است؛ زیرا در جنگ شناختی ذهن‌ها تصرف می‌شود و تلفات آن، پیوستن افراد به جبهه دشمن است، درحالی‌که در جنگ نظامی با وجود شهادت‌ها، قدرت کشور افزایش می‌یابد.»

سختگوی ارشد نیروهای مسلح گفت: «از دستاوردهای جنگ ۱۲ روزه می‌توان به افزایش استحکام درونی کشور، تقویت اعتمادبه‌نفس ملی، تبدیل قدرت ایران به یک پاور بین‌المللی و افزایش سرمایه اجتماعی و پیوند هویت ملی و اسلامی اشاره کرد.»

وی تأکید کرد: «پس از جنگ، ایران از قبل قوی‌تر شده، خطوط تولید تسلیحاتی فعال است و دشمن مسیر دشمنی را به حوزه نرم و شناختی منتقل کرده است، اما تا زمانی که انسجام ملی حفظ شود، هرگونه اقدام دشمن با پاسخ قاطع و چندبهره‌ای مواجه خواهد شد.»

استان پیشرو

«سردار سرلشکر محمد پاکپور» فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سفر به خراسان جنوبی و بازدید از طرح‌ها و اقدامات سپاه انصارالرضاع(ع)، بر ضرورت تداوم حرکت جهادی، حفظ آمادگی همه‌جانبه و تلاش مضاعف برای رفع مشکلات مردم تأکید کرد. وی با اشاره به مرزی بودن این استان و شرایط خاص جغرافیایی آن، خراسان جنوبی را در حوزه‌های امنیتی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی از استان‌های پیشرو کشور دانست. فرمانده کل سپاه همچنین اجرای دقیق طرح محله‌محور بسیج را مهم ارزیابی کرد و نقش بسیج را به‌عنوان حلقه ارتباطی میان مردم و دستگاه‌های دولتی و ضامن امنیت محلات برشمرد.



قاریان ممتاز

مرحله استانی مسابقات قرآن و عترت بسیج استان تهران با حضور ۱۹۰ قاری برتر، جلوه‌ای از ظرفیت گسترده قرآنی این استان بود. به گفته «سرهنگ علی اصغر شهری» معاون هماهنگ‌کننده سپاه حضرت سیدالشهدا(ع)، امسال نزدیک به ۲۳ هزار نفر به‌صورت فردی و گروهی در این رقابت‌ها نام‌نویسی کردند؛ آماري که نشان از استقبال قابل توجه مردمی دارد. این مسابقات در چهار سطح برگزار شده و مرحله استانی آن در استان مقدس حضرت شیخ صدوق(ره) به انجام رسید. سپاه استان تهران با تأکید بر منویات رهبر معظم انقلاب درباره تربیت حافظان قرآن، تقویت دارالقرآن‌های بسیج، شناسایی و شبکه‌سازی فعالان قرآنی و حمایت آموزشی هدفمند را به منزله اولویت‌های محوری خود دنبال می‌کند.

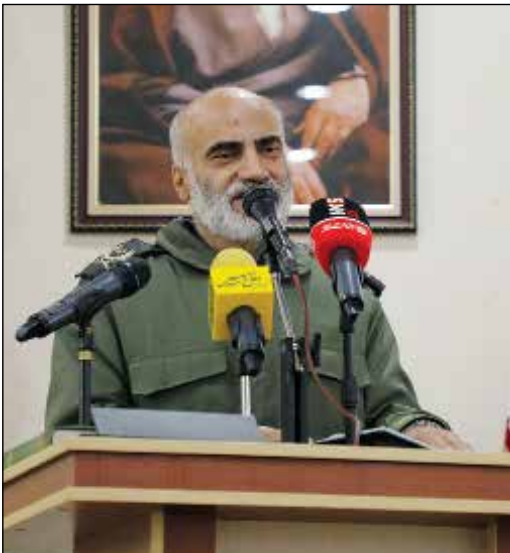


توسعه ورزش

توسعه ورزش به منزله یکی از مأموریت‌های اساسی سپاه، در سطوح نهادی، بسیج و جامعه دنبال می‌شود. «سردار مولایی» معاون تربیت، آموزش و فرهنگ پاسداری سپاه با تأکید بر ترویج سلامت عمومی، از احداث سالن‌های ورزشی و راه‌اندازی آکادمی‌های استعدادیابی حتی در مناطق دورافتاده خبر داد. به گفته وی، ورزش همگانی، حرفه‌ای و قهرمانی در رشته‌های گوناگون اولویت دارد. او برگزاری دومین دوره مسابقات تیراندازی پایوران سپاه با حضور ۲۸۰ نفر را گامی برای آمادگی رقابت‌های داخلی و بین‌المللی دانست و با اشاره به درخشش جواد فروغی، نقش سپاه در پرورش قهرمانان ملی را برجسته برشمرد.



امنیت ملی در گرو جوانی جمعیت است



عکس: محمدرضا ماهان

صبح صادق

گروه سپاه

همایش جوانی جمعیت، ازدواج و فرزندآوری با حضور «حجت‌الاسلام حسین طیبی‌فر» جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه، معاونان و مدیران عالی نمایندگی ولی فقیه در سپاه در سالن شهید محلاتی برگزار شد.

به گزارش خبرنگار صبح صادق: «حجت‌الاسلام و المسلمین حسین طیبی‌فر» با قدردانی از دست‌اندرکاران همایش جوانی جمعیت، ازدواج و فرزندآوری که به منظور تجلیل از خانواده‌های دغدغه‌مند در حوزه فرزندآوری تشکیل شده بود، اظهار داشت: «این خانواده‌ها با درک خطر بزرگی که نظام جمهوری اسلامی و کشور ایران را تهدید می‌کند، به فراخوان رهبر معظم انقلاب لبیک گفته و به تکلیف شرعی و ملی خود عمل کردند.»

وی اضافه کرد: «لازم است از اعضای قرارگاه جوانی جمعیت در حوزه‌های نمایندگی استان‌ها و مرکز، به‌ویژه از سردار نقی‌زاده که در قامت دبیر قرارگاه، بیشترین زحمات را متحمل می‌شوند و همچنین از همکاران ایشان در بخش نیروی انسانی، قدردانی و تشکر کنم.»

رکن رکن قدرت دفاعی

وی درباره دلیل اهمیت مسئله جوانی جمعیت به چهار نکته کلیدی تأکید کرد و اظهار داشت: «نخستین مسئله در خصوص اهمیت جوانی جمعیت موضوع «امنیت ملی» است؛ نیروی انسانی رکن رکن امنیت ملی است. کاهش جمعیت، قدرت تولید و اقتصاد کشور را به شدت تضعیف می‌کند؛ چرا که بدون نیروی کار جوان، چرخ‌های پیشرفت نخواهند چرخید. دومین مسئله توان دفاعی است؛ چرا که ابزار و تجهیزات نظامی هر چقدر هم پیشرفته باشند، بدون نیروی انسانی کارآمد، کارایی نخواهند داشت. تضعیف نیروی انسانی مستقیماً به افول قدرت دفاعی کشور منجر می‌شود. سومین

یلدای کر بلا

در آستانه شب چله، آیین شب‌یلدایی سربازان قرارگاه منطقه‌ای کر بلا ی نیروی زمینی سپاه، با حضور فرمانده یگان حضرت علی‌اکبر(ع) این قرارگاه در جمع صمیمانه آنان برگزار شد. فرمانده یگان با تبریک طولانی‌ترین شب سال و هم‌زمانی آن با ماه رجب و ولادت امام محمد باقر(ع)، خدمت سربازی را دوره‌ای اثرگذار در شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری جوانان دانست. وی با اشاره به تلاش‌های دشمن برای تأثیرگذاری بر هویت جوانان، از سربازان خواست در مسیر ارزش‌ها استوار بمانند و اطمینان داد که در راه خدمت به مردم، یاری‌گر آنان خواهند بود. در پایان، سربازان خاطرات و دیدگاه‌های خود را بیان کردند.



مسئله اهمیت رشد علمی است. طبق قاعده «العلم سلطان»، اقتدار در گرو علم است. وقتی جوانی نباشد، رشد علمی محقق نمی‌شود و نتیجه آن عقب‌ماندگی در عرصه‌های گوناگون جهانی خواهد بود. در آخر مسئله بحران کارگری و بهداشت است؛ چرا که با تداوم روند فعلی، کارخانجات با بحران نیروی کار مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، پیری جمعیت فشار مضاعفی بر شبکه بهداشت و درمان وارد خواهد کرد.

مرگ خاموش

حجت‌الاسلام طیبی‌فر در ادامه با اشاره به پیش‌بینی‌های صورت گرفته در خصوص رشد منفی جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ گفت: «اینکه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند، «وقتی به مسئله جمعیت فکر می‌کنم، تنم می‌لرزد»، به دلیل همین تهدید هویتی و احتمال از دست رفتن آینده کشور است.»

وی ادامه داد: «حتی محققان غربی نیز از سرعت حیرت‌انگیز کاهش میزان باروری در ایران ابراز شگفتی کرده‌اند. متأسفانه شاهد جایگزینی حیوانات خانگی به جای فرزند هستیم که ناشی از انحراف عواطف انسانی و سبک زندگی است. وجود ۱۴ میلیون مجرد در جامعه، زنگ خطری جدی است.»

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه تصریح کرد: «مسئله جمعیت مانند «مرگ خاموش» است؛ در ابتدا متوجه خطر نمی‌شویم، اما این وضعیت آرام‌آرام جامعه را به خواب می‌برد؛ خوابی که فرجام آن مرگ و نابودی جامعه اسلامی است. اگر به ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال آینده با این میزان رشد نگاه کنیم، موجودیت ایران به خطر خواهد افتاد. علاوه بر این، متأسفانه شاهد شکل‌گیری تجارت‌های کثیفی، مانند برخی غربالگری‌های بی‌مورد هستیم که خود به این وضعیت دامن می‌زند.»

به خطر افتادن هویت ایرانی

حجت‌الاسلام طیبی‌فر با اشاره به مسئولیت واجب امروز سپاه درباره تبیین مسئله فرزندآوری

اظهار داشت: «در این مسیر، برخی دچار سهل‌انگاری شده‌اند. حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، روحانیون و مسئولان آموزش بدنه سپاه که کارگروه اصلی «قرارگاه جوانی جمعیت» را بر عهده دارند، باید با تمام توان ورود کنند. نمایندگی باید نیروهای خود را توجیه و مساعدت کند. البته کسی منکر مشکلات اقتصادی نیست، اما باید به جنبه ایمانی نیز توجه کرد. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حُشْيَةً إِفْلَاقٍ»؛ از ترس گرسنگی و فقر، به فرزندکشی دست نزنید. خداوند توبیخ می‌کند که روزی آن فرزند و حتی روزی شما بر عهده اوست. بسیاری از تجمعات زندگی که شاید در سال یک‌بار هم به کار نیایند، دلیل موجهی برای جلوگیری از فرزندآوری نیستند. به مقاومت مردم غزه نگاهی بیندازید.»

جانشین نمایندگی ولی فقیه در سپاه ادامه داد: «در دعای افتتاح می‌خوانیم که از کمی تعدادمان و کثرت دشمن به خدا شکایت می‌کنیم. امام رضا(ع) نیز می‌فرمایند کسی که بمیرد و فرزند صالحی از خود به جا نگذارد، گویی هرگز به دنیا نیامده است؛ اما کسی که فرزند داشته باشد، حیاتش استمرار می‌یابد. همچنین پیامبر(ص) می‌فرمایند زمانی که بانویی فرزندی به دنیا می‌آورد، خداوند گناهان او را می‌بخشد. خانه‌ای که در آن کودک نباشد، برکت ندارد. امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند روزی همراه با خانواده و فرزندان است؛ پس رزق خود را در ازدواج و فرزندآوری بجویند. صدها روایت و دهه‌آیه در این باره وجود دارد.»

تحقق سربازی امام زمان(عج)

وی خاطرنشان کرد: «در بحث تبلیغ، آموزش و ترویج نیز حرکت جدی انجام دهید. ابلاغیه‌های قرارگاه جوانی جمعیت در استان‌ها باید با جدیت دنبال شود؛ اگر در استانی کوتاهی صورت می‌گیرد، اطلاع‌رسانی کنید تا در قرارگاه مرکزی مطرح شود. ما برای انقلاب، کشور و ظهور حضرت ولی‌عصر(عج) به سرباز نیاز داریم و این امر با جوانی جمعیت محقق می‌شود.»

بالاترین رتبه

در بخش دیگری از مراسم «سردار حسن نقی‌زاده» گزارش مختصری از وضعیت نمایندگی در حوزه ازدواج و فرزندآوری ارائه داد و با اشاره به اینکه نمایندگی در حوزه جوانی جمعیت با دو هویت و مسئولیت فعالیت می‌کند، گفت: «نخست کارگروه ترویج و تبلیغ جمعیت و جوانی سپاه که مسئولیت این کارگروه با نمایندگی است و تصمیمات کلان سپاه در حوزه تبلیغ و ترویج، در این بخش بررسی و تصویب شده و جهت اجرا به «قرارگاه جمعیت و جوانی» ارسال می‌شود. دومین هویت نمایندگی در حوزه جوانی جمعیت، قرارگاه جمعیت و جوانی نمایندگی است. این قرارگاه مختص همکاران شاغل در مجموعه نمایندگی است و وظیفه انسجام‌بخشی، حمایت و کمک به این عزیزان را بر عهده دارد. همایش حاضر نیز به همت همین قرارگاه برگزار شده است.»

پیش‌تاز فرزندآوری

وی با اشاره به دستاوردها و رتبه‌های کسب شده نمایندگی در حوزه جوانی جمعیت، گفت: «در ارزیابی فرماندهی محترم کل سپاه از فعالیت‌های سه چهار ماهه پایان سال ۱۴۰۳، قرارگاه جمعیت و جوانی نمایندگی در سطح «خیلی خوب» قرار گرفت. همچنین در کارگروه ترویج و تبلیغ، در میان تمامی کارگروه‌های نیروهای مسلح، برای سه مرتبه متوالی رتبه برتر را کسب کردیم؛ تا جایی که سایر بخش‌های نیروهای مسلح خواستار بهره‌برداری از تجربیات ما در قالب دفترچه‌های راهنما شده‌اند.»

هدف‌گذاری برای پنج فرزندی

سردار نقی‌زاده با اشاره به وضعیت فرزندآوری و ازدواج در نمایندگی، اظهار داشت: «طبق سند تحول که کتاب مرجع و ميثاق ملی ماست، راهبردهای کلان ازدواج و فرزندآوری مشخص شده است. در حال حاضر میانگین فرزندآوری در نمایندگی، بالاترین رتبه را در کل سپاه دارد. هرچند توقع ما رسیدن به میانگین ۴ تا ۵ فرزند است، اما هم‌اکنون نیز نسبت به سایر بخش‌ها در جایگاه ممتاز هستیم.»

عزم محرومیت‌زدایی

آیین افتتاح یک واحد مسکونی ویژه خانواده‌های تحت پوشش بهزیستی، در روستای اوسا از توابع شهرستان میاندوود مازندران برگزار شد. این مراسم با حضور «سردار حزنسی» معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی جهادسازندگی و محرومیت‌زدایی، «سردار موحّد» فرمانده سپاه کر بلا ی مازندران و سرپرست اداره‌کل بهزیستی استان همراه بود. سردار حزنسی در این آیین، بر عزم سپاه برای تقویت همکاری با بهزیستی و کميته امداد امام خمینی(ره) و جبران کمبودها در مناطق محروم تأکید کرد. وی خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی را از اولویتهای اصلی سپاه دانست. وی ابراز امیدواری کرد همکاری‌های مشترک به تسریع حمایت از خانواده‌های نیازمند در استان منجر شود.



۴ میلیون لیتر

در یک عملیات هدفمند و مبتنی بر اشراف اطلاعاتی کامل، رزمندگان منطقه یکم نیروی دریایی سپاه پاسداران موفق شدند یک کشتی بزرگ حامل حدود چهار میلیون لیتر سوخت قاچاق را در آب‌های خلیج فارس توقیف کنند. به گفته سردار غلامشاهی، این کشتی با ۱۶ خدمه غیرایرانی، سوخت را از شناورهای کوچک‌تر دریافت کرده و قصد انتقال آن به کشتی‌های بزرگ‌تر در خارج از خلیج فارس را داشت. این شناور هنگام آماده‌سازی برای خروج از آب‌های سرزمینی ایران متوقف شد. پرونده کشتی و خدمه آن به مراجع قضایی ارجاع شده و تحقیقات برای شناسایی شبکه‌های قاچاق ادامه دارد.



پاسدار

شماره ۱۲۱۹ | دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴

صداق

بسیج

توسعه و امنیت پایدار



دستاوردهای چشمگیر کمیته علمی همایش «بسیج، توسعه و امنیت پایدار منطقه جنوب شرق کشور» از زبان «دکتر هادی مراد پیری» رئیس کمیته علمی این جشنواره گفته شد و فرآیند داوری ۴۴۲ مقاله در جریان است.

به گزارش صبح صادق کمیته علمی همایش ملی «بسیج، توسعه و پیشرفت همه‌جانبه و امنیت پایدار منطقه جنوب شرق کشور» از نهایی شدن محورها و پیشرفت ۹۰ درصدی فرآیندهای اجرایی خبر داد و از سازمان‌ها و مراکز علمی لشکری و کشوری خواستار تسریع در ارسال مستندات پژوهشی شد.

رئیس کمیته علمی این همایش در جلسه شورای سیاست‌گذاری همایش، گزارشی جامع از اقدامات کمیته علمی ارائه کرد.

سردار دکتر پیری گفت: «این همایش با هدف ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع از تمامی فعالیت‌های پژوهشی منطقه جنوب شرق کشور، به ویژه در حوزه‌های دفاعی، امنیتی، اقتصادی و فناوریانه، برگزار می‌شود.» رئیس کمیته علمی در سخنان خود بر اهمیت جمع‌آوری کامل تولیدات علمی تأکید کرد و افزود: «قرار است فعالیت‌های پژوهشی انجام‌شده در سازمان‌های مختلف منطقه، اعم از پروژه، رساله، پایان‌نامه، کتاب و مقاله، به عنوان یک بانک اطلاعاتی مرجع جمع‌آوری شود تا بتوانیم در روز همایش، پژوهش برتر سال را با معرفی نویسنده و عنوان، معرفی کنیم. بنابراین، خواهشمندیم دستگاه‌ها، یک نسخه از مستندات خود را در قالب CD یا نسخه چاپی در اختیار کمیته علمی قرار دهند تا داوری تخصصی صورت پذیرد.»

کمیته علمی عملکرد بسیار فعالی در ماه‌های گذشته داشته است؛ از جمله نشست‌های تخصصی: برگزاری ۶ جلسه کمیته علمی و ۲۳ جلسه تعاملی با سازمان‌ها و یگان‌های کشوری و لشکری؛

پیش‌همایش‌ها: برگزاری ۴۵ پیش‌همایش و نشست تخصصی در مراکز مختلف و دانشگاه‌ها؛

تنظیم و زمان‌بندی ۲۹۰ برنامه عملیاتی در سه مرحله «قبل، حین و پس از برگزاری همایش»؛

داوری ۳۵۶ مقاله؛ محورهای نهایی شدند. در حوزه مقالات، استقبال چشمگیری صورت گرفته است. محورهای اصلی همایش که با هدف شناسایی تهدیدها و فرصت‌های منطقه تدوین شده‌اند، عبارتند از: ظرفیت‌های اقتصادی-تجاری، عوامل ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی، نقش بسیج، حکمرانی و دیپلماسی، بنیان‌های نظری دینی، امنیت مرزی، سلامت و محیط زیست، توسعه دریامحور و نقش زنان.

رئیس کمیته علمی همایش در پایان این جلسه، از کلیه استادان و صاحب‌نظران دعوت کرد در صورتی که مایل به همکاری در امر داوری هستند، اطلاعات خود را در جدول مربوطه ثبت کنند تا از ظرفیت علمی آنها بهره‌برداری شود.

وحدت ملی در برابر جنگ ترکیبی

بازخوانی فشارهای ضدایرانی نظام سلطه از فتنه ۸۸ تا کنون



درونی نظام اسلامی و به حاشیه بردن نهادهای انقلابی و با شیوه نفوذ در ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام جنگ با جمهوری اسلامی را ادامه داد. درواقع، تلاش برای نفوذ در حصار امن اقتدار و صلابت جمهوری اسلامی، موج سوم جنگ نرم دشمن علیه انقلاب اسلامی بود که پس از ناکامی انقلاب رنگی ۸۸ و تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان در دستور کار آمریکا قرار گرفت. مزیت این شیوه دشمنی برای استکبار این بود که چون در مقایسه با دو مرحله قبل پیچیده‌تر و نامرئی‌تر است، درک آن دشوار بوده و کمتر نیز حساسیت طرف مقابل را در پی دارد. همچنین این شیوه، در مقایسه با دو مرحله قبل، بسیار کم‌هزینه‌تر بوده و به حضور فیزیکی نیازی ندارد. از همین روست که به نفوذ، «تسخیر بدون حضور فیزیکی و بدون فتح سرزمینی» گفته می‌شود. با عبور موفق نظام از تلاش دشمن برای انحراف صراط مستقیم انقلاب اسلامی از طریق نفوذ، فشارهای جامع و حداکثری علیه ایران در دستورکار دشمنان قرار گرفت؛ فشارهایی با تمرکز بر سه حوزه «فشارهای اقتصادی» که از طریق تشدید تحریم‌ها عملیاتی شد، «فشارهای روانی» که با تشدید جنگ روانی-رسانه‌ای(شناختی) در دستورکار دشمن قرار گرفت و «فشارهای عملی» که با ایجاد آشوب‌های ادواری شبیه آنچه در دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸ رخ داد، علیه ایران اعمال شد. به‌تدریج این فشارها با یک تغییر جزئی در محتوا و قالب، امروز به‌صورت جنگ ترکیبی علیه ایران ادامه پیدا کرده است.

❖ **ابعاد جنگ ترکیبی نظام سلطه علیه ایران**
جنگ ترکیبی کنونی دشمن آمریکایی-صهیونیستی و ایادی آنها علیه جمهوری اسلامی ایجاد اقتصادی،



مصطفی قربانی
دکترای علوم سیاسی

«فتنه ۸۸» را می‌توان نقطه‌عطفی تعیین‌کننده در رویارویی نظام سلطه با ایران دانست؛ زیرا در اثر این فتنه، این خطای محاسباتی نزد دشمنان شکل گرفت که گویا جمهوری اسلامی ایران، مانند سابق از حمایت مردمی برخوردار نیست و با تشدید فشارها می‌توان او را به انحراف از صراط مستقیمش و تسلیم در برابر مستکبران وادار کرد. از این رو، پس از این فتنه، ابتدا پروژه تحریم‌های فلج‌کننده آغاز شد که در ادامه، روند تکاملی به خود گرفت و در قالب جنگ ترکیبی علیه دولت و ملت ایران اعمال شد و در نهایت، به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه انجامید. نکته مهم در این زمینه آن است که با وجود پرشده‌ت و سهمگین بودن فشارهای ضدایرانی که اتفاقاً به رویارویی تمام‌عیار نظامی هم منجر شد، در سایه اتحاد، انسجام، مقاومت و تاب‌آوری ملی، ایران اسلامی نه‌تنها در برابر این فشارها تسلیم نشده است، بلکه با مقاومت فعال خود، در برخی حوزه‌ها سطح کنش‌گری خود را در مقیاس ابرقدرتی ارتقا داده‌است؛ متغیری که کیفیت آینده رویارویی با رژیم صهیونیستی را تعیین می‌کند.

❖ **از فتنه نرم تا جنگ ترکیبی**

فتنه ۸۸ و سازماندهی کودتای ناکام رنگی یا مخملی در ایران، نقطه عطفی برای علنی کردن نبرد نرم نظام سلطه به محوریت آمریکا علیه جمهوری اسلامی بود، اما این نبرد از مدت‌ها پیش شروع شده بود و انقلاب رنگی ناکام ۸۸ تنها آن را از خفا به روشنا آورد و علنی کرد؛ بنابراین، مرحله بعدی با تبلیغات افواگرانه و روی آوردن به راهبرد تحریم فلج‌کننده علیه جمهوری اسلامی عملیاتی شد. دشمن در این مرحله درصدد بود با دامن زدن به نارضایتی‌های مردمی و هدف قراردادن وحدت و انسجام داخلی ایران، نوعی بسیج اجتماعی گسترده را علیه نظام شکل دهد. مرحله اول با حضور دشمن‌شکن ملت در حماسه نهم دی نقش برآب شد، مرحله دوم نیز با مقاومت مردم در برابر تحریم‌ها و ارائه انگوری برای مدیریت اقتصاد کشور در وضعیت تحریم‌با عنوان «اقتصاد مقاومتی» مهار شد و دشمن با تحریم نتوانست ایران اسلامی را در برابر خود تسلیم کند. از این مرحله به بعد بود که آمریکا با اتخاذ راهبرد «نفوذ»، با هدف تضعیف توانمندی‌های

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۵۸

هویت ملت‌ها

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

«هویت ملی» مفهومی پیچیده و چندبعدی است که به شناخت فرد از خودش به منزله عضو یک جامعه و نهاد ملی دست می‌زند و عوامل متعددی، از جمله فرهنگ، زبان، تاریخ مشترک، مذهب، سیاست و تجارت تاریخی در شکل‌گیری آن نقش دارند. این عوامل به طور مشترک با هم تصویری جامع از هویت ملی را شکل می‌دهند که برای هر فرد در جامعه معین اهمیت بسیاری دارد. از این رو، اگر هویت ملت‌ها را ستون اصلی هر جامعه بدانیم که ریشه ثبات و توسعه کشورها را تشکیل می‌دهد، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم. ناظر به اهمیت راهبردی مفهوم هویت ملت‌هاست که قدرت‌های جهانی، به‌ویژه غرب، از قرن‌ها قبل همواره خواسته‌اند در راستای اهداف استعماری‌شان با دستکاری یا تضعیف آن، نفوذ و سلطه خود را گسترش دهند. در استعمار سنتی، کنترل مستقیم منابع و اشغال نظامی ابزار اصلی بود؛ اما استعمار نوین و مدرن با استفاده از ابزارهای فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای و فناوریانه بدون نیاز به اشغال مستقیم، برای تغییر هویت ملت‌ها کوشیده است. فرهنگ و رسانه اولین خط مقدم حمله علیه هویت ملت‌ها به شمار می‌روند. شبکه‌های جهانی، سینما، موسیقی، تبلیغات و شبکه‌های اجتماعی، تصویری از ارزش‌ها و هنجارهای غربی ارائه می‌دهند و همزمان فرهنگ‌ها و سنت‌های محلی را به حاشیه می‌رانند. نظام آموزشی و بازتعریف تاریخ، ابزار دیگر استعمار مدرن است. کنترل

محتوای آموزشی، برنامه‌های درسی و تولید محتواهای علمی و رسانه‌ای، امکان بازنویسی تاریخ و ارزش‌های ملت‌ها را فراهم می‌کند تا استقلال و مقاومت ملت‌ها کم‌اهمیت جلوه کند و تصویر یک ملت نیازمند هدایت خارجی ارائه شود. این روش موجب می‌شود نسل‌های آینده از ریشه‌ها و هویت واقعی خود فاصله بگیرند. امروزه توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی وسعت این استعمار را چند برابر کرده است. مرزهای جغرافیایی در انتقال اطلاعات از بین رفته است و اخبار و محتواها در سطح جهانی منتشر می‌شوند. رسانه‌های دیجیتال با طراحی محتوا، ایجاد شکاف اجتماعی و انتشار الگوهای رفتاری و سبک زندگی غربی، هویت جمعی ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فشارهای اقتصادی، سیاسی و نظامی نیز مکمل ابزارهای دیگر هستند. تغییر حکومت‌ها، عملیات روانی، تهدیدهای نظامی و تحریم‌های اقتصادی، بخشی از پروژه تغییر هویت ملت‌ها به نفع غرب است. اگرچه این اقدامات بسا پیام‌هایی به ظاهر جذاب، مانند «دموکراسی»، «حقوق بشر» یا «توسعه پایدار» همراه می‌شوند، هدف واقعی آنها جایگزینی هویت بومی با هنجارهای استعماری است. به دلیل اهمیت مسئله هویت ملی، رهبر معظم انقلاب از زاویه سیاست‌گذاری اجتماعی به مسئله هویت می‌نگرند و آن را از جنس فرهنگ دانسته و خمیرمایه اصلی هویت ملی ایرانیان را دین اسلام در نظر می‌گیرند و به زبان فارسی، شعر و خط اهمیت می‌دهند. ایشان غیرت ملی را مبتنی بر هویت ملی می‌دانند.

وادار، اما در موج سوم، دشمن با امید بستن به نخبگان تجدیدنظرطلب و با امید «چانه‌زنی از بالا» از سوی برخی نخبگان، مترصد تغییر رفتار نظام اسلامی و مطیع کردن آن نسبت به خود است. مسئله مهم در این میان این است که همانگونه که موج اول جنگ نرم با حضور حماسی امت حزب‌الله در ۹ دی با شکست روبه‌رو شد و موج دوم نیز با مقاومت مثال‌زدنی آنها نتوانست دشمن را به سرمنزل مقصود برساند و ناکارآمدی حربه تحریم دشمن را نشان داد. برای مقابله با موج سوم این نبرد؛ یعنی نفوذ، «جهاد کبیر» به معنای تبعیت نکردن از دشمن نسخه مقابله با این نقشه‌شوم دشمن بود. درواقع، همانگونه که دشمن با امید بستن به تبعیت‌پذیری برخی نخبگان واداده از او، امیدوار بود که نظام اسلامی را به اسارت تبعیت از خود درآورد، نسخه مقابله با این شیوه دشمنی، حفظ حساسیت‌ها نسبت به دشمن، اورا دشمن دانستن و تبعیت نکردن از او و مبارزه عملی با او در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... بود که «جهاد کبیر» نامیده می‌شود. در برابر جنگ ترکیبی کنونی نیز با توجه به ماهیت چندلایه آن، باید به دفاع ترکیبی روی آورد؛ با این توضیح که چون در این جنگ، جنگ شناختی محوریت دارد، به‌طور طبیعی، در دفاع ترکیبی هم باید جهاد تبیین به منزله نسخه مقابله با جنگ شناختی اولویت داشته باشد. به‌طور طبیعی، در این جهاد تبیین، حفظ و تقویت اتحاد و انسجام ملی باید محوریت داشته باشد؛ زیرا در جنگ ترکیبی و چندلایه ۱۲ روزه، مهم‌ترین نقطه امید دشمن، دل بستن به پتانسیل‌های نارضایتی و اعتراض موجود در جامعه ایران بود که با نمایش صددردصدی اتحاد و انسجام ملی نقشه دشمن نقش بر آب شد.

❖ **جمع‌بندی**

اما نکته مهم در این میان آن است که با توجه به نقش حیاتی اتحاد و انسجام ملی در خنثی‌سازی و عقیم گذاشتن تهاجم چندلایه صهیونیست‌ها علیه ایران، طبیعی است که همانند گذشته، دشمن بر هدف قرار دادن این اتحاد و انسجام متمرکز خواهد بود. بنابراین، باید در کنار تقویت قابلیت‌های دفاعی، اتحاد و انسجام ملی را در برهه کنونی بیش از گذشته ارج نهاد و تقویت و تعمیق کرد. این موضوع در وضعیت امروز ضرورتی حیاتی است که از طریق در فرایر سازی جهاد تبیین، گفتنمان‌سازی وحدت در سطوح ملی و کار جهادی برای سامان‌بخشی امور جاری و مشکلات که به مردم فشار زیادی وارد می‌کند، می‌تواند تصویری واقعی از قدرت ایران را به جهانیان نشان داده زمینه‌های عبور موفق از این وضعیت را فراهم کند.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۲۳

نسبت مصلحت و تفکر انقلابی

هر چهار نسبت، خودنشانه‌ای از ابهام مفهومی در هر دو سوی ماجراست. اگر مصلحت و تفکر انقلابی مفاهیمی شفاف، دقیق و هم‌مرتب‌به بودند، چنین تنوعی در نسبت‌گذاری معنا نداشت. مسئله دقیقاً از همین‌جا آغاز می‌شود: این دو را نمی‌توان به‌سادگی در یک سطح قرار داد و با یک معیار واحد سنجید. تفکر انقلابی، یک «جهت‌گیری کلان»، یک منطق هویتی و یک چارچوب ارزشی است؛ در حالی که مصلحت، ناظر به تشخیص موقعیت، سنجش پیامدها و انتخابِ راه‌درست در دل همان چارچوب ارزشی است. به بیان دیگر، این دو هر‌عرض نیستند که بتوان میان‌شان رقابت یا تعارض ذاتی ترسیم کرد. از همین‌رو، آن‌جا که از «تضاد میان مصلحت و تفکر انقلابی» سخن به میان می‌آید، باید دقیق شد که کدام مصلحت و با چه تعریفی مدنظر است. بسیاری از آنچه در تجربه سیاسی معاصر به نام مصلحت عرضه شده، در واقع چیزی جز توجیه عقب‌نشینی، وادادگی یا خطای محاسباتی نبوده است. بر چنین مواردی، تعارض واقعی نه میان مصلحت و تفکر انقلابی، بلکه میان تفکر انقلابی و «مصلحت موهوم» شکل می‌گیرد.

در مقابل، اگر مصلحت به‌درستی فهم شود (به‌عنوان تشخیص عقلانی بهترین مسیر برای حفظ اهداف، آرمان‌ها و هویت انقلاب) آنگاه نه‌تنها در تعارض با تفکر انقلابی قرار نمی‌گیرد، بلکه یکی از ابزارهای تحقق آن خواهد بود. بنابراین پیش از هر داوری، باید مسئله را از سطح شعار و دوگانه‌سازی احساسی، به سطح تحلیل مفهومی و نسبت‌شناسی دقیق ارتقا داد؛ کاری که در یادداشت‌های بعدی، به‌تدریج دنبال خواهد شد.



محمد رضا ملایی
پژوهشگر اندیشه سیاسی

پس از بررسی تاریخی و گفتمانی دوگانه‌سازی میان «مصلحت» و «تفکر انقلابی»، اکنون به نقطه‌ای می‌رسیم که ناگزیر باید یک گام به عقب برداریم و خود نسبت میان این دو را به‌صورت روشنمند تحلیل کنیم. بسیاری از منازعات نظری و سیاسی در جمهوری اسلامی، نه از ذات مصلحت یا ذات تفکر انقلابی، بلکه از نسبت‌گذاری نادرست میان این دو ایجاد شده است. پرسش اصلی این است که اساساً چه نسبت‌هایی میان مصلحت و تفکر انقلابی قابل تصور است؟ اگر از منظر منطق مفهومی به مسئله نگاه کنیم، می‌توان دست‌کم چهار نسبت امکانی میان این دو تصور کرد؛ نخست آنکه مصلحت و تفکر انقلابی کاملاً منطبق بر یکدیگر باشند، یعنی هر آنچه مصلحت است، عین تفکر انقلابی باشد و هر کنش انقلابی نیز واجد مصلحت. در نسبت دوم، این دو در تعارض کامل قرار می‌گیرند؛ جایی که مصلحت امری محافظه‌کارانه و بازدارنده تصویر می‌شود و تفکر انقلابی به‌مثابه نیروی آرمان‌خواه و بی‌اعتنا به هزینه‌ها، نسبت سوم، نوعی عموم و خصوص یک‌طرفه است؛ به این معنا که هر کنش انقلابی مصلحت‌آمیز است، اما هر مصلحتی الزاماً انقلابی نیست، یا بالعکس. در نهایت نسبت چهارم، حالتی است که برخی مصادیق این دو با هم تلاقی دارند، اما هر یک حوزه مستقلی نیز برای خود قائل هستند. نکته مهم اینجاست که صرف امکان تصور

۱۱
خرد

شماره ۱۲۱۹ | دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر-۶۷

جمع هویت و پیشرفت

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

مسئله هویت از دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی با قدرت به منصفه ظهور رسید تا امتی بحران‌زده و مضطرب را در موقعیتی غیرقابل‌رشک به ما نشان دهد. در مسئله پیشرفت، خودانتقادی را تمرین می‌کنیم، جست‌وجوی علل عقب‌گرد را تمرین می‌کنیم و گزاره‌های جدید را تمرین می‌کنیم؛ چراکه اگر تکرارها در وضعیت فعلی مفید بود، در این وضعیت نبودیم. در مورد مسئله هویت، من برای خودم می‌ترسم و از دیگری که مسئول واقعیت‌های تلخ فعلی در سطح امت اسلامی می‌دانم انتقاد می‌کنم.

همه آثار شهید سیده‌محمد باقر صدر در پاسخ به این دو پرسش است؛ برخی از آثار او را می‌توان در قبال مسئله پیشرفت و رستاخیز امت به‌شمار آورد؛ یعنی تلاش‌های انتقادی در درون دنیای اسلام و ارائه راه‌حل‌هایی برای مشکلات ما در عرصه تفکر و واقعیت و زندگی اجتماعی و سیاسی‌مان و در بیش و خوانش ما وجود دارد. اما بخش دیگر کوشش‌های ایشان، درصدد حفظ هویت در برابر خطر‌های خارجی بود. اصلاً بزرگ‌ترین مشکلی که متفکر مسلمان از آن رنج می‌برد، در این نهفته است که توانایی آشتی دادن بین دغدغه هویت و دغدغه رنسانس را دارد یا نه. اما چرا؟

چون در دغدغه پیشرفت، خودانتقادی بر ماحکم فرماست: عقب‌افتادیم، عقب‌نشینی کردیم، در تفکر و عقل جمعی خود دچار اشتباه هستیم. ... اما در دغدغه هویت، به بیرون روی کم؛ چارچوبی می‌کشم و هویت تمدنی، اسلامی و مذهبی‌ام را یا- بر مبنای جریان‌های دیگر- هویت ملی‌ام را درون این چارچوب می‌گذارم و با عناصر مهاجم درگیر می‌شوم.

این‌سؤال بعدی مطرح می‌شود: چگونه یک متفکر مسلمان از یک‌سو می‌تواند شهادت داشته باشد و از خود انتقاد کند و درست در همان لحظه، در مقابل بیگانگان، در برابر تهاجم فرهنگی، جهانی شدن و مشکلاتی که از بیرون جغرافیا و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند به سراغش می‌آید، بایستد. ما از یک‌سو افرادی را دیدیم که آنچنان در انتقاد از واقعیت درونی خود افراف کردند که به گرایش‌های غربی روی آوردند و شروع به انکار جامعه اسلامی خود کردند. از سوی دیگر، می‌بینیم که برخی از ما، همه مشکلات‌مان را از غرب می‌دانند و معتقدند خودمان هیچ مشکلی نداریم و لازم نیست در هیچ‌یک از مسائل داخلی‌مان، از فکری، اجتماعی، فرهنگی و غیره تجدیدنظر کنیم. توانایی جمع بین این‌ دو دغدغه، همان رمز موفقیت متفکر مسلمان است و سیدمحمدباقر صدر تاحد زیادی در ترکیب مذکور موفق بوده است؛ چون نه در دفاع زیاده‌روی کرده و نه در نقد غرق شده است. برای اینکه بارزترین ویژگی‌های پیشرفت و هویت نزد شهید صدر در سطح این دو خط را فهرست کنیم، می‌توانیم به هفت ویژگی فکری، از جمله پیکربندی دوباره روش‌شناسی تفکر، کل‌نگری و بالندگی نظری، حرکت از فرضیه به عمل‌گرایی، واقع‌گرایی یا سفر از واقعیت به متن و دوباره به واقعیت، احیاگری و بازگرداندن دوباره غایب، دفاع فعالانه یا پدافند تمدنی و نگرش انتقادی و دغدغه خردشدن رده‌بندی داخلی که مشخصه مکتب ایشان است، اشاره کنیم. برخی از این ویژگی‌ها به پاسخ مسئله پیشرفت و بخشی دیگر به پاسخ به مسئله هویت‌بری‌می‌دهد.

ماه امید به رحمت خداوند

سید علی میرهادی

کارشناس علوم دینی

ماه رجب هر چند نامش در قرآن به صراحت نیامده است، اما جایگاهی ریشه‌دار در فرهنگ دینی ما دارد؛ زیرا در قرآن از «ماه‌های حرام» یاد شده و رجب یکی از همین ماه‌های مقدس است. خداوند در آیه‌ای معروف می‌فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا... مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ؛ یعنی تعداد ماه‌ها نزد خدا دوازده ماه است و چهار ماه از آنها حرمت و قداست ویژه دارند. همین اشاره کافی است تا بفهمیم رجب، ماهی است که باید با احترام، مراقبت و بیداری دل وارد آن شد و قدردان فرصت‌های معنوی‌اش بود.

در میان دعا‌های این ماه، دعای مشهور «یا مَنْ أَرْجُوهُ لَکُلِّ خَیْرٍ» جایگاهی ویژه دارد؛ دعایی که خواندنش در آغاز رجب توصیه شده و محتوای آن کاملاً با روح آیات قرآن هماهنگ است. مومنان خود را در برابر خدای مهربان می‌بینند و می‌گویند: «یا مَنْ أَرْجُوهُ لَکُلِّ خَیْرٍ»؛ ای خدایی که به امید هر خیر به سوسی تو می‌آیم. این عبارت کوتاه، ترجمان همان پیام قرآنی است که به بندگانش می‌گوید از رحمت خدا مأیوس نشوند؛ همان‌گونه که در آیه‌ای پر معنا می‌فرماید: «بِکَوْنِ الْبَسْدِ لِمَنْ مَنَکَ بِسْرِ خَوَیْشِ زِیَادَه‌رَوِی کَرده‌اید، از رحمت خدا نومید نشوید.» دعای رجب گویی پژواکی از همین آیه است؛ چون پایه‌اش بر امید و حسن ظن به خداست. جالب اینجاست که دعا ادامه پیدا می‌کند و در هر بند نوعی ارتباط میان نیاز انسان و رحمت خداوند برقرار می‌کند. وقتی می‌گوییم: «وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ کُلِّ شَرٍّ»، در حقیقت اعتراف می‌کنیم که اگر ما از هر شرّی نجات پیدا کرده‌ایم، پناه بردن به خدا ما را حفظ کرده است. این نگاه، همان نگاه قرآنی است که مؤمنان را به توکل و آرامش دعوت می‌کند؛ نه توکلی بی‌پایه، بلکه توکلی همراه با تلاش و دوری از گناه. از همین رو در ادامه دعا، بنده زبان به ستایش خدا می‌گشاید و از او طلب رحمت و نصرت می‌کند؛ درست همان چیزی که قرآن در آیات بی‌شمار از ما خواسته است.

ماه رجب تنها مناسک و دعا نیست؛ یادآوری یک حقیقت بزرگ در زندگی ماست: انسان همیشه نیازمند نقطه‌ای برای تکیه دادن دل است. گاهی در سال و ماه‌هایی که گرفتاری‌ها، نگرانی‌ها یا حتی شادی‌های زودگذر ما را درگیر می‌کنند، این حقیقت را فراموش می‌کنیم؛ اما ورود به رجب، فرصتی است تا دوباره یادمان بیاید که پشتوانه اصلی زندگی ما خداست. امید داشتن به او به معنای دست برداشتن از مسئولیت نیست، بلکه یعنی حرکت کردن بسا آرامش، انتخاب راه درست و دوری از گناه و ستم، همان‌گونه که حرمت ماه‌های حرام اقتضا می‌کند. در این ماه، گویی تکلیف ما این است که کمتر به هیاهوی دنیا و بیشتر به صدای درون گوش بسپاریم. دعا‌های ماه رجب روح ما را با حقیقتی مهم آشنا می‌کنند: انسان از ظلم به خود ساخته می‌شود و با امید به رحمت الهی بازسازی. هر فراز دعا، پنجره‌ای است برای دیدن اینکه چگونه قرآن از ما می‌خواهد میان خوف و رجاء، میان مسئولیت و توکل، میان مراقبت و امید حرکت کنیم. اگر قرآن می‌گوید از رحمت خدا ناامید نشوید، دعای رجب می‌گوید: «پس به سوسی رحمت خدا بازگردید.»

مولودی مبارک
برای همه مؤمنان

گفتاری از حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسین مؤمنی

جمله پدر و مادرهایی که نگران اولادتان هستید فرزندان را، کوچک و بزرگ ندارد، ازدواج کرده و نکرده ندارد، فرزندان‌تان را به او بسپارید. به امام رضا(ع) عرض کنید به حرمت جودات و جوانت، نگاه خاصّت را از جوانان‌مان بردار و در طریق عاقبت بخیری‌شان قرار بده؛ به نظرم رسید چند تا جمله کوتاه عرض بکنم از حضرت که اگر انسان بتواند این موارد را در جوانی برای خودش ملکه بکند، یک عمر می‌تواند از آن ارتزاق بکند. من اسمش را می‌گذارم «رأس المال، رأس المجر» سرمایه کسی که وارد بازار کار می‌شود، سرمایه اگر داشته باشد، نگرانی در آن معنا ندارد. مسلط است بر خود که من سرمایه دارم و سرمایه‌ای را که الان محضرتان عرض می‌کنم با تورم از بین نمی‌رود. هیچ‌وقت کم نمی‌شود، اگر بتوانیم در خودمان به وجود بیاریم، به ویژه در دوران جوانی یک عمر می‌توانیم از آن ارتزاق کنیم. از آرامش و سکون قلب بگیر تا رسیدن به تمام برکات دنیوی و اخروی؛ توصیه می‌کنم به جوان‌های

برای حضرت جوادالائمه(ع) بیان شده است «امینُ مُبارک»؛ روایتی در اصول کافی هست که می‌گوید وجود نازنین علی‌بن موسی‌الرضا(ع) در سفر حج بودند و ظاهراً جوادالائمه(ع) در دامان ایشان قرار داشتند. حضرت میوه‌ای را تکه می‌کنند در دهان جوادشان می‌گذارند. یحیی صنعانی محضر که امام رضا(ع) عرض کرد: شما علاقه زیادی به این مولود دارید. حضرت این تعبیر را بیان فرمودند: «نَعَمْ یا یحیی هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ بَلْهُ مَوْلُودُ أَعْظَمَ بَرَكَةٍ عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ»؛ آری یحیی! این فرزندی است که هیچ فرزندی در اسلام بابرکت‌تر از او برای شیعیان ما زاده نشده است. (الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰) اینجا مقام تعیینه است. مقام قیاس نیست که اگر او مولود مبارکی است، دیگران مبارک نیستند. پس این برکت به ما هم می‌رسد توسل به امام جواد(ع) توسل به ایشان و رفتن در خانه خدا برای ایمن ماندن از بسیاری از آسیب‌ها، بسیاری از آن اموری که در دنیا بهم آن را داریم که بر ما وارد شود، از



فضولات زندگی است، در کهنسالی و میانسالی نمی‌تواند کاری را که در این ایام می‌تواند انجام بدهد، انجام بدهد. می‌خواهد درس بخواند در این سن و سال، می‌خواهد کار و تلاش بکند، در این سن و سال. هر کاری می‌خواهد بکند در این سن و سال باید بکند. جوانی بگذرد، در کهنسالی و میانسالی نمی‌شود. آیت‌الله العظمی مظاهری در همین مسجد اعظم درس اخلاق می‌فرمودند. به خاطره‌ای نقل کردند از مرحوم امام خمینی (ره) که محافظی از محافظ‌های امام(ره) می‌گوید: آدمم پشت در اتاق ایشان که مشغول عبادت و راز و نیاز بود. من پشت در چرتم برد، خوابم برد، صدای باز شدن در من را بیدار کرد. امام(ره) به نگاهی به من کردند و فرمودند: «تا جویونی بارتوبیند...»

عزیز، این کتاب ارزشمند «حکمت‌نامه جوان» را حتماً بگیرید بخوانید، حتماً بخوانید کتاب بسیار ارزشمندی است. خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله‌ری‌شهری را در همان اوایل کتاب مستنداً به روایت جوانی به چه سنی اطلاق می‌شود که باید در این سن آدم تمام جسد و جهدش و همه نیرو و انرژی‌ش را قرار بدهد تا از این سرمایه، جوونه بزار عشق و حالشو بکنه» این غلط است. «جوونه بذار لذتشو ببره» این غلط است. کاری که میشه در میانسالی و کهنسالی انجام داد در زمان جوانی اگر انجام بدهیم، فرصت از دست رفته است. اتفاقاً چون جوان است، باید مراقبه به عمل بیارود. این ایام اگر مشغول اموری باشد که

اطمینان محصول تحقیق است

مؤمن باهوش و آگاه است، نه ساده‌دل و زودباور. یک فرد مؤمن از تجربه‌های گذشته درس می‌گیرد. اگر در گذشته به کسی اعتماد کرد و ضربه خورد، باید بداند که خداوند آن تجربه تلخ را در مسیر او قرار داد تا در آینده بینا تر باشد. تجربه‌ها چراغ‌راهند، نه بار سنگین زندگی. اگر ما از تجربه‌ها فقط رنج را نگه داریم و درس را فراموش کنیم، اشتباه را دوباره تکرار خواهیم کرد؛ اما اگر تجربه‌ها را ذخیره حکمت کنیم، دیگر کسی نمی‌تواند به آسانی ما را دستکاری کند. گاهی اعتماد نکردن، بی‌ادی یا بی‌مجتبی نیست؛ بلکه محافظت از خود، خانواده و زندگی‌مان است. بسیاری از ما می‌گوییم «خدا بزرگ است» و بدون سنجش و بررسی وارد یک معامله یا یک رابطه می‌شویم، اما فراموش می‌کنیم که خداوند خودش دستور داده است که پیش از هر تصمیمی، تحقیق کنیم، مشورت کنیم و عجله نکنیم. توکل کردن زمانی معنا دارد که ما وظیفه خود، یعنی بررسی و آزمایش را انجام داده باشیم. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «قَدْ اِمَّ الْاِخْتِیَارُ فِی اِتِّخَاذِ الْاِخْوَانِ؛ فَإِنَّ الْاِخْتِیَارَ مِعْیَارٌ یُعْرِقُ بَیْنَ الْاِخْیَارِ وَالْاَشْرَارِ»؛ پیش از برگزفتن برادران آنها را بیازمای؛ زیرا آزمایش، محکی است که نیکان را از بدان جدا می‌کند. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۶۸۱) این سخن شاید در نگاه اول سخت‌گیرانه به نظر برسد؛ اما واقعیت زندگی ثابت کرده است که اعتماد بی‌محابه نه تنها محبت نمی‌آورد، بلکه گاه دشمنی و پشیمانی می‌سازد.

احساسات، طمع یا اضطراب ما را دستکاری کند. در دنیای امروز، کلامبرداران و سودجویان بهتر از هر زمان دیگری می‌دانند چگونه مردم را فریب دهند. آنها وعده سودهای کلان در زمان کوتاه می‌دهند، فرصت‌های طلایی را به رخ می‌کشند و می‌گویند اگر همین حالا تصمیم نگیری، فرصت را از دست می‌دهی. آنگاه می‌خواهند ما فرصت «اندیشیدن» و «آزمایش کردن» را از دست بدهیم. قرآن در سوره آل‌عمران می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأُمْرِ»؛ مشورت کنید. کسی که می‌خواهد شما را فریب دهد، به شما فرصت مشورت نمی‌دهد. او می‌خواهد تصمیم شما بر اساس هیجان باشد نه عقل؛ اما تصمیمی که از عقل برنخیزد، همیشه بدر پشیمانی را به همراه دارد. گاهی ما در زندگی به‌دلیل یک منفعت بزرگ ظاهری، چشم بر خطرهای پنهان می‌بندیم؛ اما تجربه نشان داده است که امنیت و آرامش خاطر، گاهی ارزشمندتر از سود بیشتر است. چه بسیار کسانی که به دلیل طمع یک سود بزرگ، سرمایه و آبرو و آرامش خود را از دست دادند؛ در حالی که اگر سود کمتری را انتخاب می‌کردند، این گزونه نمی‌شد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ»؛ یعنی آنچه را نمی‌دانی و درباره‌اش آگاهی نداری دنبال نکن. این آیه نهی از اعتماد چشم بسته است. دین ما نمی‌گوید به هیچ‌کس اعتماد نکن، بلکه می‌گوید اعتماد بساز؛ یعنی با آزمایش، شناخت و سنجش به مرحله‌ای برس که بتوانی با خیال راحت تکیه کنی.

و... می‌خواهند ما را متقاعد کنند تا بدون تأمل و بررسی، تصمیمی بگیریم؛ اما قرآن کریم ما را هشدار داده است که هر سخنی، هر وعده‌ای و هر ادعایی را بی‌حساب و کتاب نپذیریم. خداوند در سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»؛ یعنی اگر کسی خبری آورد، درستی آن را بررسی کنید. این آیه تنها درباره خبر نیست، درباره هر ادعایی از سوی هر کسی است. خداوند می‌گوید پیش از اعتماد، تحقیق کنید؛ پیش از گام برداشتن، حقیقت را بسنجید و پیش از اطمینان، آزمایش کنید. این دستور الهی همان معنایی را دارد که امام جواد(ع) در حدیث خود بیان فرموده‌اند: «اطمینان بدون آزمایش یعنی قدم گذاشتن روی زمینی که ممکن است زیر پای ما خالی شود.»

بسیاری از ما در زندگی تجربه کرده‌ایم که یک لبخند، یک حرف محبت‌آمیز، یک وعده سود بیشتر، یا حتی یک ظاهر مذهبی و محترمانه می‌تواند اعتماد ما را جلب کند؛ اما بعد از مدتی می‌فهمیم که فقط ظاهر را دیده‌ایم و حقیقت را نشناخته‌ایم. این همان جایی است که پشیمانی بر دل می‌نشیند. پیامبر اسلام(ص) می‌فرمایند: «مؤمن، زیرک و با هوش و هشیار است.» امیرالمؤمنین علی(ع) در خطبه همام می‌فرمایند: «مؤمن زیرک و با هوش است.»؛ مؤمن با تیزبینی و هوشیاری خود زندگی می‌کند. هوشیاری یعنی عجله نکردن، چشم‌پسته اعتماد نکردن، و اجازه ندادن به هیچ‌کس که

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



امام جواد(ع) می‌فرمایند: «مَنْ اَثَقَا إِلَى الطُّمَآنِيَّةِ قَبْلَ الْخُبْرَةِ فَقَدْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَاكَةِ وَالْعَاقِبَةُ الْاُمِّيَّةُ»؛ هر کس قبل از آزمایش نسبت به چیزی اطمینان پیدا کند (بدون آگاهی اعتماد کند) خودش را در معرض نابودی و عاقبتی دردناک قرار داده است. (بحار، ج ۷۱، ص ۳۴۰) این بیان امام جواد(ع)، راهگشا و ارزشمند برای زندگی هر روزه ماست. بسیاری از سختی‌ها، پشیمانی‌ها و شکست‌هایی که در زندگی تجربه کرده‌ایم، نه از کمبود عقل و فهم، بلکه از اعتماد ناپجا و عجله در تصمیم‌گیری سرچشمه گرفته‌اند. دین ما، که برای هدایت و آرامش ما نازل شده است، همواره بر سنجش، تحقیق، صبر و آزمودن پیش از اطمینان یافتن تأکید می‌کند. این سخن امام جواد(ع) همچون چراغی پیش روی ماست تا یادمان نرود اعتماد حقیقی، آرامش و اطمینان واقعی، محصول تحقیق و آزمایش است نه شتاب و خیال‌پردازی. زندگی امروز ما پر شده از پیشنهادها، وعده‌ها و ظواهری که در نگاه اول زیبا و فریبنده‌اند. افراد، شرکت‌ها، تبلیغات، شبکه‌های اجتماعی، و حتی گاهی کسانی که لباس خیرخواهی بر تن کرده‌اند با پیشنهاد کمک و یاری، با ابراز دوستی، دلسوزی

باب قرب

آیت‌الله نجات‌نقل می‌کند: وقتی که بنده مشرف شدم خدمت آیت‌الله سیدعلی قاضی(ره) فرمودند: «هر حقی که هر کس بر گردن تو دارد، باید ادا کنی.» خدمت ایشان عرض کردم: مدتی قبل در بین شاگردهایم که نزد بنده درس طلبگی می‌خواندند، یکی خوب درس نمی‌خواند. بنده ایشان را تنبیه کردم. اذن از ولی او هم داشتم در تربیت. در ضمن اینجا هم نیست که از او طلب رضایت کنم. فرمودند: «هیچ راهی نداری، باید پیدایش کنی. هر حقی که بر گردنت باشد تا ادا نکنی، باب روحانیت، باب قرب، باب معرفت باز شدنی نیست.»



کمر بند چرم!

پرسش: آیا نماز خواندن در کمر بند چرمی که از آلمان خریده‌ام و شک دارم که از پوست طبیعی است یا مصنوعی و از پوست حیوان تذکیه شده است یا خیر، اشکال شرعی دارد؟ نمازهایی که با آن خوانده‌ام، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر شک در این باشد که آن چرم طبیعی است یا مصنوعی، نماز با آن اشکال ندارد؛ ولی اگر بعد از احراز چرم طبیعی بودن آن، شک در این باشد که آیا از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر؟ نجس نیست ولی نماز با آن باطل است و نمازهای گذشته که در حال چهل به این حکم، خوانده‌اید، قضا ندارد.



آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۴۲۹

شکست حصر

پس از گسترش اسلام و ناتوانی قریش، سران قبایل پیمان‌نامه‌ای نوشتند که طبق آن هرگونه معامله، ازدواج و ارتباط اجتماعی با مسلمانان ممنوع شد و تا وقتی پیامبر(ص) را برای قتل تحویل ندهند، در شعب ابی‌طالب محاصره شوند. در سال دهم بعثت، مخالفت ابو‌جهل با ارسال آذوقه برای خدیجه به دست حکیم‌بن‌حزام، اعتراض و سرزنش برخی از سران قریش را برانگیخت. این واقعه به تدریج موجب پشیمانی مشرکان و حمایت آنان از بنی‌هاشم شد. هنگامی که از سوی پیامبر(ص) دریافتند که موریانه تمام متن پیمان‌نامه را به جز عبارت «باسمک اللهم» از بین برده است، این محاصره در ۱۵ رجب سال دهم بعثت پایان یافت.



یادداشت

جشنواره‌ای که جنبش شد!

سعید رضایی

خبرنگار

شانزدهمین جشنواره فیلم عمار در حالی آغاز به کار می‌کند که این رویداد فرهنگی، دیگر صرفاً یک جشنواره فیلم نیست، بلکه به یک جنبش جدی در سینمای انقلاب و هنر متعهد در سپهر فرهنگی کشور تبدیل شده است. جشنواره‌ای که از نخستین دوره‌های برگزاری خود، با هدف مقابله با انحصار، عبور از حلقه‌های بسته سینمای رسمی و بازتاب دادن صداهای کمتر شنیده شده به میدان پا گذاشت، امروز به درختی ریشه‌دار بدل شده که پشتوانه اصلی آن، اعتماد و همراهی مردم است. جشنواره عمار از ابتدا کوشید تعریف رایج از سینما را به چالش بکشد، در نگاهی که سینما را به سالن‌های خاص، مخاطبان خاص و جریان‌های خاص محدود می‌دانست، عمار مسیری متفاوت را برگزید؛ مسیری که در آن، هنر نه برای ویرترین جشنواره‌ای، بلکه برای اثرگذاری اجتماعی و فرهنگی تولید می‌شود. این رویکرد، عمار را به بستری برای بازنمایی دغدغه‌های واقعی جامعه و روایت موضوعاتی تبدیل کرده است که کمتر مجال حضور در جریان غالب سینما را داشته‌اند.

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های جشنواره فیلم عمار، ایده مردمی‌سازی سینما از طریق اکران‌های گسترده و خلافتانه است. در حالی‌که اغلب رویدادهای سینمایی به چند شهر بزرگ و سالن‌های مجهز محدود می‌شوند، عمار با عبور از مرزهای جغرافیایی و طبقاتی، سینما را به دل جامعه برده است. مساجد، مدارس، حسینیه‌ها، روستاهای دورافتاده و حتی خانه‌های شهدا، به پایگاه‌های نمایش فیلم تبدیل شده‌اند. این اقدام‌نها تنها دسترسی عادلانه‌تری به محصولات فرهنگی فراهم کرده، بلکه مخاطب را از مصرف‌کننده صرف به مشارکت‌کننده فعال در جریان فرهنگی انقلاب بدل کرده است.

از سوی دیگر، جشنواره عمار نقشی مهم در کشف و پرورش استعدادهای جوان و فیلم‌سازان نوپلم ایفا کرده است. بسیاری از جوانانی که امکان ورود به ساختارهای رسمی و پیچیده سینمای بدنه را نداشتند، در عمار فرصت بروز و تجربه یافتند. این جشنواره با تأکید بر محتوا، جسارت و صداقت در روایت، به فیلم‌سازان جوان این پیام را منتقل کرده که برای اثرگذاری، بیش از امکانات پر هزینه، به ایمان، دغدغه و نگاه مسئولانه نیاز است. بی‌تردید، بخش قابل توجهی از نیروهای فعال امروز در جبهه فرهنگی انقلاب، نخستین تجربه‌های جدی خود را در همین فضا کسب کرده‌اند. اکنون و در آستانه برگزاری شانزدهمین دوره، انتظار می‌رود جشنواره عمار با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، گامی پخته‌تر و اثرگذارتر بردارد. تقویت سینمای انقلاب، به معنای بازگشت آگاهانه به آرمان‌هایی است که هنر را ابزار تبیین حقیقت، عدالت‌خواهی و امیدآفرینی می‌دانند. تجربه عمار نشان داده است می‌توان هم‌زمان با مردم بود، برای مردم فیلم ساخت و در عین حال، به کیفیت هنری و غنای محتوایی نیز وفادار ماند. شانزدهمین جشنواره فیلم عمار فرصتی دوباره است تا هنر انقلابی، با زبانی صریح و صادقانه، خود را بازتعریف کند. امید آن می‌رود که این رویداد فرهنگی، همچنان صدای رسای نسلی باشد که هنر را نه برای شهرت، بلکه برای تعالی انسان و جامعه می‌خواهد.



به لحاظ کارگردانی می‌توانستند تأثیرگذارتر باشند؛ برای نمونه، نمای گریه احمد جلوی ماشین یا صحنه پیرمرد در سرما، به دلیل انتخاب زوایای دوربین، آن‌طور که باید حق مطلب را ادا نکرده‌اند.

سخن پایانی

فیلم «احمد» ادای دینی است به مردی که جایگاهش را برای شهادت می‌خواست و در اوج بحران، «مدارا یا مردم» را سرلوحه قرار داد. شاید بتوان گفت با توجه به ظرفیت بالای شخصیت شهید کاظمی، هنوز جا داشت فیلمی عمیق‌تر ساخته شود تا «سوژه» در میان هیاهوی زلزله کمی کمتر آسیب ببیند، اما بی‌شک «احمد» یکی از تأثیرگذارترین و انسانی‌ترین آثار بیوگرافیک سینمای ایران در سال‌های اخیر است. این فیلم به ما یادآوری می‌کند که در روزهای سخت، آنچه کشور را نجات می‌دهد، نه شعار و بیانیه و جلسات طولانی و نامه‌نگاری‌های اداری، بلکه حضور میدانی مدیرانی از جنس احمد است.

هواپیماها روی باند فرودگاه، شایسته قدردانی است. همچنین فیلمنامه در میان شلوغی حادثه، شخصیت‌های فرعی، نظیر خانم دکتر، عروس و داماد بم و خانواده‌های داغدار را گم نمی‌کند و به سرنوشت هر یک وفادار می‌ماند.

با وجود تمام زیبایی‌ها، «احمد» از برخی لکنت‌ها در روایت رنج می‌برد. فیلم با وجود ریتم خوب در میانه، در شروع بسیار مستقیم و بدون جذابیت دراماتیک آغاز می‌شود. یکی از انتقادهای جدی به فیلم، ضعف در چهره‌پردازی شخصیت‌های همراه (نظیر حاج قاسم و سردار سلامی) است که به دلیل نداشتن شباهت کافی، عملاً در حاشیه قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، بلاکلیفی در لحن فیلم حس می‌شود؛ جایی که قهرمان مدام در حال تخریب تصمیمات دولتی است، اما هم‌زمان بر قانون‌مداری تأکید دارد. این پارادوکس در شخصیت‌پردازی، گاهی کنشگری فردی او را زیر سؤال می‌برد. همچنین برخی سکانس‌ها و پلان‌ها

صبح صادق فیلم احمد را بررسی می‌کند

قهرمانی که کمتر می‌شناختیم



آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

«امیرعباس ربیعی» که پیش از این با ساخت آشوری، چون «لباس شخصی» و «ضد»، جسارت خود را در بازخوانی پرونده‌های حساس تاریخ معاصر و سینمای استراتژیک به رخ کشیده بود، در سومین گام فیلمسازی‌اش به سراغ سوژه‌ای متفاوت، اما به همان اندازه دشوار رفته است. فیلم «احمد» برشی است از ۱۸ ساعت ابتدایی فاجعه‌بار زلزله بم در پنجم دی سال ۱۳۸۲؛ روایتی از حضور خط‌شکن سردار شهید احمد کاظمی، فرمانده وقت نیروی هوایی سپاه، در قلب ویرانه‌هایی که هزاران نفر را به کام مرگ کشانده بود.

نبرد نجات در شهر خشت و گل

سحرگاه پنجم دی ۱۳۸۲، زلزله‌ای مهیب بم را می‌لرزاند. در حالی که ابعاد فاجعه هنوز برای پایتخت‌نشینان روشن نیست، احمد کاظمی با تماسی از سوی حاج قاسم سلیمانی، از عمق حادثه باخبر می‌شود. او منتظر دستور و ابلاغیه نمی‌ماند و با اقدامی خودجوش و انقلابی، راهی بم می‌شود. فیلم روایتگر تلاش‌های بی‌وقفه او در ۱۸ ساعت نخست است؛ ساعاتی که او با سازماندهی پل هوایی بی‌نظیری، هزاران مجروح را با هواپیماها و بالگردهای نظامی به مراکز درمانی منتقل کرد. «احمد» نه یک بیوگرافی کامل، بلکه نمایش یک «مدیریت بحران» در یکی از بحرانی‌ترین موقعیت‌ها در تاریخ معاصر ایران است.

قهرمانی بدون رتوش

تمرکز اصلی ربیعی در این فیلم بر شخصیت

مهدی امیدی

خبرنگار

در دهه‌های گذشته، تصویر «پدر» در سینمای ایران، پیوندی ناگسستنی با مفهوم اقتدار، پناهگاه و اخلاق داشت. حتی اگر پدری سخت‌گیر بود (مانند ناخدا خورشید) یا درگیر فقر (مانند بچه‌های آسمان)، باز هم ستون خیمه خانواده به شمار می‌آمد؛ اما سال‌های اخیر، به‌ویژه در آثار شبکه نمایش خانگی، این ستون نه تنها لرزان شده، بلکه گویی تعمدی در کار است تا تصویر پدر به کلی ویران شود. ما با پدیده‌ای مواجهیم که می‌توان آن را «پدرکشی فرهنگی» نامید.

اگر به سریال‌های پرمخاطب سال‌های اخیر نگاهی بیندازیم، الگوی تکرارشونده‌ای را می‌بینیم: پدرانی که یا هیولا هستند، یا بزدل یا منبع اصلی بدبختی فرزندان‌شان. در درام‌های جنایی و معمایی شبکه نمایش خانگی، پدر دیگر آن کسی نیست که برای امنیت خانواده می‌جنگد؛ بلکه او کسی است که با بدیهی‌هایش، با خیانت‌هایش یا با قساوت قلبش، فرزندان را به مسلخ می‌برد.

اگر بخواهیم از چنین آثاری نام ببریم، فهرست بلندبالایی می‌شود؛ از آثار سینمایی چون «پیر پسر»، «رها» و «زن و بچه» گرفته تا سریال‌های نمایش خانگی «زخم کاری»، «در انتهای شب»، «رهایم نکن»، «از یاد رفته»، «داریوش» و ... در این آثار، پدر یا یک

برداشت

درام علیه پدر!



می‌تواند عامل گرایش به پدرستیزی در سینما و نمایش خانگی باشد. بخشی از این تصویر، محصول نگاه نسل جدیدی از نویسندگان است که رابطه‌ای آسیب‌دیده با مفهوم سنت و اقتدار دارند و این خشم را در قالب کاراکترهای پدر تخلیه می‌کنند.

طبق معمول، توسل به جذابیت‌های دراماتیک کاذب هم نقش مؤثری در کژتابی تولیدات سینما و نمایش خانگی دارد. خلق یک پدر فداکار و آرام، از نظر فیلمنامه‌نویسان، تبیل، خسته‌کننده است. برای آنها، پدری که قمارباز است یا مخفیانه جنایت می‌کند، بنزین بیشتری برای موتور داستان فراهم می‌کند؛ حتی به قیمت تخریب یک نهاد اجتماعی.

سینما و سریال صرفاً بازتاب‌دهنده واقعیت نیستند، بلکه «واقعیت‌ساز» هم هستند. وقتی

«دیکتاتور حقیر» است که فقط فریاد می‌زند، یا مردی است که پشت نقاب خیرخواهی، در حال متلاشی کردن روح اعضای خانواده است. در بهترین حالت، پدر در این آثار، عامل آسیب و انحراف فرزندان‌ش است! گویی سینماگران امروز ما، تنها راه ایجاد درام را در شکستن حرمت پدر یافته‌اند.

چرا به اینجا رسیدیم؟ چند تحلیل اصلی می‌توان برای این دگردیسی ارائه داد:

تقلید ناشیانه از رئالیسم کثیف، یکی از عوامل این معضل است. سازندگان آثار گمان می‌کنند برای نشان دادن «واقعیت جامعه»، حتماً باید سیاه‌ترین زاویه ممکن را انتخاب کنند. آنها رئالیسم را با «زشت‌نگاری» اشتباه گرفته‌اند.

شکاف نسلی و عقده‌های فروخورده هم

هیچ‌جا ایران نمی‌شود

سیدپویا هاشمی

روزنامه‌نگار

هر موج مهاجرت یک روایت رسمی دارد و یک روایت پنهان. روایت رسمی، همان چیزی است که در لحظه رفتن شنیده می‌شود: امید، آزادی، پیشرفت، آینده بهتر. روایت پنهان معمولاً بعدتر آشکار می‌شود؛ وقتی هیجان فروکش کرده، تیرها تمام شده و ورزشکار یا سلبریتی با زندگی روزمره در جغرافیایی تازه روبه‌رو می‌شود. بازگشت برخی ورزشکاران در سال‌های اخیر، از جمله «عاطفه احمدی»، بار دیگر این روایت پنهان را به سطح آورده و جمله‌ای را تکرار کرده که سال‌هاست در افکار عمومی می‌چرخد: «هیچ‌جا ایران نمی‌شود».

این جمله اگر به مثابه شعار به کار رود، سطحی و حتی گمراه‌کننده است؛ اما اگر به منزله عصاره یک تجربه زیسته دیده شود، می‌تواند کلیدی برای فهم چرخه مهاجرت ورزشی باشد. مسئله این نیست که ایران بی‌نقص است یا خارج از کشور جهنم؛ مسئله این است که مهاجرت برای ورزشکار، چیزی فراتر از جابه‌جایی مکانی است. مهاجرت، جابه‌جایی معناست.

ورزشکار برخلاف بسیاری از مهاجران، با «سرمایه اجتماعی» زندگی می‌کند. شهرت، مخاطب، رسانه، حمایت نمادین و حتی حاشیه‌ها، بخشی از زیست حرفه‌ای او هستند. این سرمایه به‌شدت بومی است. ورزشکاری که در ایران شناخته می‌شود، در خارج از کشور معمولاً هیچ‌یک از این پشتوانه‌ها را ندارد. او باید دوباره دیده شود، دوباره اعتماد بسازد و دوباره جایگاه پیدا کند؛ آن هم در فضایی که نه زبانش زبان اوست و نه قواعدش برایش آشناست.

در بسیاری از موارد، مهاجرت ورزشکاران با یک تصویر اغراق‌شده همراه است؛ تصویری که رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و گاه جریان‌های سیاسی آن را تقویت می‌کنند. خارج از کشور فضایی ایده‌آل ترسیم می‌شود؛ جایی که همه امکانات مهیاست و تنها مانع، «ماندن» بوده است. اما این تصویر، فقط بخش کوچکی از واقعیت را نشان می‌دهد و واقعیت اغلب پیچیده‌تر، خشن‌تر و فرساینده‌تر است. پس از فروکش کردن هیجان اولیه، ورزشکار با چالش‌هایی مواجه می‌شود که کمتر در باره آنها صحبت شده است؛ از جمله نبود امنیت شغلی، هزینه‌های بالای زندگی، رقابت فشرده، بی‌توجهی رسانه‌های محلی و فشار دائمی برای اثبات خود. در ایران، ورزشکار حتی وقتی نقد می‌شود، دیده می‌شود؛ حتی وقتی تحت فشار است، بخشی از گفت‌وگوی عمومی است. اما در خارج از کشور، دیده‌نشدن یک خطر دائمی است.

همین جاست که برخی ورزشکاران به تغییر تابعیت یا حضور در تیم پناهندگان روی می‌آورند. این تصمیم‌ها معمولاً نه از سر انتخاب ایده‌آل، بلکه از سر اجبار حرفه‌ای گرفته می‌شوند. تغییر پرچم، به معنای تغییر هویت ورزشی است؛ هویتی که سال‌ها با نام ایران گره خورده بوده است. تیم پناهندگان نیز اگر چه امکان رقابت را فراهم می‌کند، اغلب فاقد ثبات، حمایت بلندمدت و چشم‌انداز روشن است.

بسیاری از ورزشکاران در این وضعیت معلق می‌مانند؛ نه کاملاً پذیرفته‌شده و نه کاملاً طردشده. در این میان، بازگشت معنای تازه‌ای پیدا می‌کند. بازگشت، برخلاف برداشت عمومی، همیشه شکست نیست. گاهی نتیجه بلوغ است؛ نتیجه مواجهه با واقعیتی که با تصویر اولیه تفاوت دارد. ورزشکاری که باز می‌گردد، الزاماً پشیمان نیست؛ بلکه ممکن است به این جمع‌بندی رسیده باشد که هزینه ادامه مسیر، بیش از دستاوردهای آن است.

بازگشت‌هایی مانند مورد عاطفه احمدی، دقیقاً از همین جنس هستند. این بازگشت‌ها نه اعتراف به خطا، بلکه اعتراف به واقعیتند. واقعیتی که می‌گوید زندگی حرفه‌ای، بدون شبکه حمایتی، بدون احساس تعلق و بدون افق روشن به‌تدریج فرساینده می‌شود. برای برخی ورزشکاران، ایران با همه محدودیت‌ها، هنوز فضایی پیش‌بینی‌پذیرتر و معنادارتر است.

در این نقطه است که جمله «هیچ‌جا ایران نمی‌شود» از حالت شعار خارج می‌شود. این جمله، اگر درست فهم شود، نه نفی جهان بیرون است و نه تطهیر وضعیت داخلی؛ بلکه بیان یک تفاوت اساسی است: ایران، زیست‌بوم طبیعی ورزشکار ایرانی است. جایی که موفقیت و شکست، هر دو معنا دارند. جایی که ورزشکار، حتی وقتی حذف می‌شود، بخشی از روایت جمعی باقی می‌ماند.

اما خطر اصلی، ساده‌سازی این تجربه است. اگر این جمله به ابزاری برای نادیده‌گرفتن مشکلات ساختاری، مدیریتی و محدودیت‌های واقعی ورزش تبدیل شود، همانقدر مخرب است که تصویر رؤیایی از مهاجرت. حقیقت این است که هم ماندن پر هزینه است و هم رفتن. تفاوت در این است که هزینه‌های ماندن شناخته‌شده‌اند، اما هزینه‌های رفتن اغلب پنهان می‌مانند و دیرتر خود را نشان می‌دهند.

تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد، مهاجرت برای ورزشکار، یک تصمیم صفر و یکی نیست. نه می‌توان آن را نسخه نجات دانست و نه محکوم به شکست. مهاجرت، یک قمار حرفه‌ای است؛ قماری که بدون برنامه، آگاهی و آمادگی روانی، اغلب به فرسایش می‌انجامد؛ به همین دلیل است که بازگشت‌ها نه استثنا، بلکه بخشی از این چرخه‌اند.

شاید در نهایت، معنای واقعی جمله «هیچ‌جا ایران نمی‌شود» همین باشد: نه اینکه ایران بهترین جاست، بلکه اینکه برای ورزشکار ایرانی، هیچ‌جا شبیه ایران نیست. این تفاوت، پ چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت یا با شعار جایگزین کرد؛ تفاوتی است که فقط با رفتن، ماندن و گاهی بازگشت فهمیده می‌شود.



خیال رفتن واقعیت ماندن

دیده نمی‌شوند و برای حفظ جایگاه خود ناچار به تلاش مضاعف هستند.

همین وضعیت درباره ورزشکارانی مانند «راحله آسمانی» (تکواندو-بلژیک)، «محبوبه بربری» (جودو-آلمان)، «سالار غلامی» (بوکس-کانادا)، «زینب‌کبری موسوی» (یخ‌نورد-سوئیس) و «بهزاد امیدی» (کاراته آلمان) نیز صدق می‌کند؛ ورزشکارانی که مهاجرت را تجربه کردند، اما با واقعیت دشوار تثبیت حرفه‌ای در خارج روبه‌رو شدند.

♦ بازگشت؛ پایان یا شروع دوباره؟

در مقابل، برخی ورزشکاران پس از تجربه مهاجرت، مسیر بازگشت را انتخاب کرده‌اند. «عاطفه احمدی» یکی از همین نمونه‌هاست؛ ورزشکاری که پس از حضور در خارج از کشور، به ایران بازگشت تا فعالیت حرفه‌ای خود را در چارچوب داخلی ادامه دهد.

بازگشت، برخلاف تصور رایج، همیشه به معنای شکست نیست. در بسیاری از موارد، بازگشت نتیجه مواجهه با واقعیت‌های زندگی حرفه‌ای در خارج از کشور است؛ واقعیت‌هایی مانند گمنامی، فشار اقتصادی و نبود امنیت شغلی. برای برخی ورزشکاران، بازگشت فرصتی برای بازتعریف مسیر و استفاده از تجربه‌های اندوخته‌شده است.

مرور تجربه ورزشکاران ایرانی مهاجر نشان می‌دهد، مهاجرت ورزشی نه نسخه نجات‌بخش است و نه الزاماً مسیر نابودی. این تصمیم، مسیری پرهزینه و پیچیده است که می‌تواند به تغییر تابعیت، حضور موقت در تیم پناهندگان، ادامه فعالیت در غربت یا حتی بازگشت ختم شود.

تجربه‌هایی مانند کیما علیزاده، سعید ملایی، درسا یآوری‌وفا و سعید فضول‌لا نشان می‌دهد، شهرت و موفقیت در ایران، تضمینی برای موفقیت در خارج نیست. در نهایت، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، واقع‌بینی درباره مهاجرت و پذیرش این حقیقت است که «هیچ‌جا، بدون هزینه نیست»؛ حتی آن سوی مرزها.

از ورزشکارانی است که برای ماندن در سطح حرفه‌ای، ناچار به انتخاب پرچمی جدید شدند. در هر دو مورد، آنچه برجسته است، حفظ امکان رقابت در سطح جهانی است؛ حتی اگر این رقابت دیگر با نام و پرچم ایران نباشد.

♦ تیم پناهندگان؛ ویت‌رین یا بن‌یست؟

برای برخی ورزشکاران، مهاجرت به معنای حضور در تیم پناهندگان IOC بوده است؛ مسیری که هم فرصت دیده شدن دارد و هم محدودیت‌های خاص خود را. «سعید فضول‌لا» در قایقرانی، «ایمان مهدوی» در کشتی آزاد و «درسا یآوری‌وفا» در بدنمیتون، از جمله ورزشکارانی هستند که پس از ترک ایران، در قالب تیم پناهندگان در رقابت‌های بین‌المللی حاضر شدند.

حضور در این تیم، اگر چه امکان شرکت در مسابقات جهانی و المپیک را فراهم می‌کند، اما اغلب فاقد ثبات حرفه‌ای است. ورزشکار نه کاملاً به ساختار ورزشی کشور میزبان متصل می‌شود و نه جایگاه رسانه‌ای پایدار دارد. بسیاری از این ورزشکاران پس از مدتی با چالش تأمین مالی، تمرینی و حتی هویتی مواجه می‌شوند. تجربه تیم پناهندگان نشان می‌دهد این مسیر، بیشتر یک راه‌حل موقت است تا یک مقصد نهایی؛ راهی برای زنده نگه داشتن حرفه، نه تضمین آینده آن.

♦ زندگی ورزشی در غربت

بخش دیگری از ورزشکاران ایرانی، پس از مهاجرت، تلاش کرده‌اند مسیر حرفه‌ای خود را در کشورهای میزبان ادامه دهند. «سارا اسادات خادم‌الشریعه» در شطرنج با مهاجرت به اسپانیا، «متین بالسنی» در شنا با حضور در بریتانیا و «محمد نامجو مطلق» در کشتی با اقامت در آلمان از جمله این نمونه‌ها هستند.

این مسیر بیش از هر چیز نیازمند تطبیق است؛ تطبیق با فرهنگ جدید، ساختارهای ورزشی متفاوت و رقابتی که اغلب بی‌رحمانه‌تر از فضای داخلی است. بسیاری از این ورزشکاران، با وجود توانایی فنی، در رسانه‌های کشور میزبان چندان

هر بار که خبر مهاجرت یا بازگشت یک ورزشکار ایرانی منتشر می‌شود، موجی از واکنش‌ها در فضای رسانه‌ای و افکار عمومی شکل می‌گیرد. عده‌ای مهاجرت را حق طبیعی ورزشکار می‌دانند و عده‌ای دیگر آن را اشتباهی پرهزینه توصیف می‌کنند. بازگشت اخیر «عاطفه احمدی» و ورزشکار ملی، بار دیگر این پرسش را به میان آورد که مهاجرت برای ورزشکاران ایرانی چه دستاوردی داشته و چه هزینه‌هایی بر آنها تحمیل کرده است؟

واقعیت این است که مهاجرت ورزشی نه پدیده‌ای تازه است و نه به یک نسل یا یک رشته خاص محدود است. از تکواندو و جودو گرفته تا کشتی، شطرنج و شنا، ورزشکاران ایرانی در سال‌های گوناگون تصمیم به ترک کشور گرفته‌اند؛ تصمیمی که در بسیاری از موارد، نه به موفقیت مطلق انجامیده و نه به شکست کامل، بلکه مسیری پرابهام و پیچیده را رقم زده است. این گزارش تلاش می‌کند بدون قضاوت‌های شتاب‌زده، تصویری مستند از مسیر مهاجرت ورزشکاران ایرانی ارائه دهد؛ مسیری که از تغییر تابعیت و حضور در تیم پناهندگان آغاز می‌شود و گاه به بازگشت، گمنامی یا بازتعریف هویت حرفه‌ای ختم می‌شود.

♦ رفتن با نام، ماندن با پرچم دیگر

یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های مهاجرت ورزشی، «کیما علیزاده» است؛ ورزشکاری که با مدال المپیک به شهرت رسید و پس از ترک ایران، ابتدا زیر پرچم تیم پناهندگان و سپس با تابعیت بلغارستان به رقابت‌های بین‌المللی رفت. مسیر او نشان داد که مهاجرت، حتی برای ورزشکاری با شهرت جهانی، به معنای شروع دوباره از نقطه‌ای متفاوت است؛ بدون همان پشتوانه رسانه‌ای و حمایتی که در کشور مبدأ وجود داشت.

«سعید ملایی» جودوکار مطرح ایرانی نیز در سال ۱۳۹۸ پس از حاشیه‌های فراوان، ایران را ترک کرد و تابعیت مغولستان را پذیرفت. او توانست فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه دهد، اما این ادامه مسیر به بهای تغییر هویت ورزشی و ملی تمام شد. تجربه ملایی نمونه‌ای روشن



وقتی هویت‌ها فرو می‌ریزند

بازگشت‌ها همیشه با هیاهو و جشن همراه نیستند. گاهی فقط یک خبر کوتاهند؛ بی‌حاشیه و حتی بی‌تحلیل. خبر بازگشت «عاطفه احمدی»، ورزشکاری که مدتی پیش تصمیم به مهاجرت گرفته بود، نمونه‌ای از همین دست است. اگر به این بازگشت نگاه عمیق‌تری داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که پشت آن داستانی بزرگ‌تر و تکرارشونده نهفته است؛ مسئله‌ای که سال‌هاست بسیاری از ورزشکاران و چهره‌های هنری با آن رویه‌رو شده‌اند: فروپاشی هویتی پس از مهاجرت. مهاجرت برای یک فرد معمولی، تجربه‌ای از تغییر و تطبیق است، اما برای سلبریتی‌ها ابعاد پیچیده‌تری دارد. هویت آنها در شهرت و دیده‌شدن تعریف شده و وقتی ناگهان این شبکه ارتباطی و توجه از دست می‌رود، فشار روانی و تنهایی می‌تواند بسیار شدید باشد. این واقعیت، تجربه‌ای است که کمتر رسانه‌ها و عموم جامعه درباره‌اش شنیده‌اند.

همچنین بازگشت‌ها همیشه به معنای پیروزی یا ترمیم نیست. برای بسیاری، بازگشت تنها راه بازسازی هویت و یافتن دوباره جایگاهی است که در مهاجرت از دست رفته است. همان چیزی که شاید عاطفه احمدی اکنون به آن دست یافته است، اما داستان او فقط نمونه کوچکی از هزاران روایت مشابه است که در سکوت اتفاق می‌افتند. در این گزارش تلاش شده است با نگاهی انسانی-روانی، عمق تجربه مهاجرت سلبریتی‌ها بررسی شود، از فشار روانی و تنهایی گرفته تا مواجهه با رسانه‌ها و واقعیت‌های زندگی آن‌طرف مرزها. هدف ارائه تصویری واقعی و نه قضاوتی از این مسیر است.

◆ شهرت؛ بخشی از هویت، نه فقط یک امتیاز

برای یک ورزشکار یا هنرمند، شهرت صرفاً دیده‌شدن نیست؛ بخشی از «خود» اوست. تشویق‌ها، مصاحبه‌ها، نقدها و حتی حاشیه‌ها، شبکه‌ای از معنا می‌سازند که فرد در آن تعریف می‌شود. این شبکه در داخل کشور، به واسطه زبان مشترک، فرهنگ آشنا و بستر رسانه‌ای، به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد.

اما مهاجرت این شبکه را یک‌باره قطع می‌کند. فردی که تا دیروز نامش تیتربود، ناگهان در جامعه‌ای جدید به «یک مهاجر ناشناس» تبدیل می‌شود. نه گذشته‌اش اهمیت دارد و نه

موفقیت‌های قبلی‌اش به رسمیت شناخته می‌شود. این سقوط ناگهانی از مرکز توجه به حاشیه، یکی از سنگین‌ترین صربه‌های روانی را وارد می‌کند. بسیاری از سلبریتی‌های مهاجر بعدها در گفت‌وگوهای غیررسمی یا روایت‌های شخصی به این نکته اشاره کرده‌اند که از دست دادن دیده شدن، بیش از مشکلات اقتصادی یا شغلی، آنها را فرسوده کرده است. مهاجرت برای آنها فقط جابه‌جایی جغرافیایی نبود؛ بلکه خلع هویت بود.

◆ تنهایی مهاجر مشهور

تصور عمومی این است که شهرت، تنهایی را از بین می‌برد؛ اما تجربه مهاجرت نشان داده است برای سلبریتی‌ها، تنهایی می‌تواند شدیدتر و عمیق‌تر باشد. آنها نه مثل مهاجران عادی می‌توانند در جمع‌های هم‌سرنوشت حل شوند و نه می‌توانند گذشته خود را نادیده بگیرند.

در کشور مقصد، نه جامعه میزبان آنها را می‌شناسد و نه جامعه مهاجر همیشه پذیرای چهره‌های مشهور است. همین فاصله دوگانه، نوعی انزوا ایجاد می‌کند؛ انزوایی که در بسیاری از موارد به افسردگی و اضطراب من من می‌انجامد. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند، مهاجرت زمانی کم‌هزینه‌تر است که فرد بتواند «هویت جایگزین» بسازد؛ اما برای سلبریتی‌ها، این بازسازی بسیار دشوار است. آنها همیشه با نسخه قدیمی خود مقایسه می‌شوند؛ نسخه‌ای که در وطن جا مانده و دیگر قابل دسترسی نیست.

◆ مصرف رسانه‌ای و رهاشدگی

یکی از تلخ‌ترین تجربه‌های سلبریتی‌های مهاجر، مواجهه با رسانه‌های خارج از کشور است. در بسیاری از موارد، این رسانه‌ها علاقه‌مند به خود فرد نیستند، بلکه به «سوژه بودن» او توجه دارند. حضور کوتاه‌مدت، چند مصاحبه پررنگ و سپس فراموشی.

پس از پایان مصرف رسانه‌ای، اغلب هیچ سازوکار حمایتی باقی نمی‌ماند. نه شغل تثبیت‌شده‌ای شکل گرفته، نه شبکه‌ای پایدار ایجاد شده است. فرد می‌ماند و خلأیی بزرگ‌تر از قبل؛ چرا که حالا حتی بازگشت هم با ترس، قضاوت و تردید همراه است.

این چرخه مصرف و رهاشدگی، آسیب روانی عمیقی بر جامی‌گذارد. بسیاری از بازگشت‌ها، نه از سر انتخاب آزادانه، بلکه نتیجه فرسودگی روانی وین‌بست عاطفی هستند.

◆ بازگشت؛ شکست یا ترمیم؟

بازگشت سلبریتی‌های مهاجر اغلب به‌عنوان «شکست» تفسیر می‌شود، اما واقعیت پیچیده‌تر است. برای برخی، بازگشت تلاشی برای ترمیم هویت و بازیابی تعادل روانی است. بازگشت به جایی که هنوز زبان، مخاطب و معنا وجود دارد. در مورد عاطفه احمدی نیز، فارغ از قضاوت‌ها، بازگشت می‌تواند نشانه‌ای از همین نیاز به بازسازی باشد؛ نیازی که بسیاری از مهاجران مشهور تجربه کرده‌اند، اما کمتر درباره‌اش سخن گفته‌اند. این بازگشت‌ها نشان می‌دهد مهاجرت، به‌ویژه برای چهره‌های شناخته‌شده، همیشه مسیر رو به جلو نیست و گاهی عقب‌نشینی، تنها راه نجات روان است.

آن سوی مرزها، همیشه آزادی و فرصت در انتظار نیست. برای بسیاری از سلبریتی‌ها، مهاجرت به معنای از دست دادن چیزی فراتر از جایگاه یا شهرت است؛ از دست دادن هویت و شبکه معنا. شبکه‌ای که سال‌ها برای شکل‌گیری آن تلاش کرده‌اند، ناگهان از دسترس خارج می‌شود و فرد با خلأ روانی و اجتماعی رویه‌رو می‌شود.

بازگشت‌هایی مانند بازگشت عاطفه احمدی، بیش از یک خبر ساده هستند؛ آنها یادآور واقعیتی‌اند که سال‌هاست در پس پرده زندگی سلبریتی‌های مهاجر جریان دارد. بازگشت نه همیشه شکست است و نه موفقیت مطلق؛ بلکه گاهی تلاشی است برای بازیابی تعادل روانی و بازسازی هویت از دست رفته.

این تجربه‌ها نشان می‌دهد شهرت بدون بستر و حمایت اجتماعی دوام نمی‌آورد و مهاجرت، حتی برای چهره‌های موفق، پرهزینه و پیچیده است. برای برخی، مسیر رفتن به خارج از مرزها آزادی به همراه دارد، اما برای بسیاری دیگر، بازگشت تنها گزینه‌ای است که می‌تواند آرامش و هویت از دست رفته را تا حدی بازگرداند.

در نهایت، داستان بازگشت سلبریتی‌ها، بازتابی است از تنهایی، آسیب‌پذیری و تلاش انسان‌ها برای حفظ هویت و معنا در دنیایی که همیشه پیش‌بینی‌پذیر نیست. این داستان‌ها به ما یادآوری می‌کنند که هیچ موفقیتی خارج از شبکه و بستری که آن را امکان‌پذیر کرده، پایدار نمی‌ماند و بازگشت، گاهی نه نشانه شکست، بلکه نشانه بازسازی است.



مهاجرت از محبوبیت!



سرعت جای خود را به فراموشی می‌دهد. پس از آن، از بازتاب موفقیت‌ها یا چالش‌های فرد خبری نیست و شبکه‌ای که سابقاً پایدار بود، اکنون به کلی از دسترس خارج شده است. این چرخه نوعی رهاشدگی رسانه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند به فشار روانی و کاهش انگیزه حرفه‌ای منجر شود.

سلبریتی‌ها اغلب برای بازسازی جایگاه خود تلاش می‌کنند، اما بدون شبکه مخاطب و رسانه‌ای، این تلاش‌ها کم‌اثر و پرهزینه است. بازگشت‌ها، مانند بازگشت عاطفه احمدی، در چنین وضعیتی، می‌تواند نشانه‌ای از نیاز به بازگشت به بستر اصلی رسانه‌ای و اجتماعی باشد.

◆ مخاطب از دست رفته

و بازسازی شبکه

بازگشت رسانه‌ای بدون بازسازی شبکه مخاطب ممکن نیست. چهره‌های مهاجر باید دوباره اعتماد و توجه رسانه‌ها و مخاطبان داخلی را جلب کنند. این فرآیند، سخت و طولانی است، چرا که بسیاری از فرصت‌ها و توجه‌ها دیگر در اختیار آنها نیست.

در بسیاری از موارد، حتی بازگشت با استقبال محدود رسانه‌ها همراه است و فرد باید با گذشته و هویت رسانه‌ای از دست رفته مواجه شود. این وضعیت نه تنها چالش حرفه‌ای، بلکه چالش اجتماعی و روانی نیز ایجاد می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا مهاجرت بسیاری از سلبریتی‌ها با شکست رسانه‌ای همراه می‌شود. همچنین رسانه‌های داخلی در بازتاب این بازگشت‌ها نقش مهمی دارند. نحوه پوشش خبری و روایت رسانه‌ای می‌تواند به بازسازی هویت و شبکه مخاطب کمک کند یا برعکس، فرد را در حاشیه نگاه دارد.

◆ بازگشت و بازیابی جایگاه

بازگشت به وطن، فرصتی برای بازیابی شبکه رسانه‌ای و اجتماعی فراهم می‌کند. بازگشت عاطفه احمدی نمونه‌ای از تلاش برای بازسازی جایگاه است؛ اما بازسازی رسانه‌ای نیازمند استراتژی، همراهی رسانه‌ها و صبر است.

این فرآیند نشان می‌دهد مهاجرت برای سلبریتی‌ها صرفاً یک تغییر جغرافیایی نیست، بلکه تغییر در شبکه اجتماعی و رسانه‌ای است که می‌تواند مسیر حرفه‌ای و زندگی فرد را تعیین کند. بازگشت، اغلب نه نشانه شکست مطلق، بلکه فرصتی برای بازآفرینی و بازیابی است.

مهاجرت سلبریتی‌ها، اگر چه به ظاهر فرصت آزادی و تجربه جدید است، اغلب با حذف رسانه‌ای و اجتماعی همراه است. چهره‌های شناخته‌شده در خارج از کشور، به سرعت از مرکز توجه دور می‌شوند و در شبکه‌ای جدید، باید جایگاهی دوباره پیدا کنند.

بازگشت‌ها، مانند بازگشت عاطفه احمدی، نشان می‌دهد که بدون رسانه‌ها و شبکه مخاطب، شهرت و هویت حرفه‌ای دوام نمی‌آورد. این الگو بارها در تاریخ مهاجرت سلبریتی‌ها دیده شده و پیام روشن دارد: شهرت بدون بستر رسانه‌ای، شکننده و گذراست و بازگشت، فرصتی برای ترمیم آن است.

مهاجرت چهره‌های شناخته‌شده، همیشه با کنجکاوای رسانه‌ها همراه است. خبر بازگشت عاطفه احمدی، ورزشکار ملی، تنها نمونه‌ای از الگوی طولانی و تکرارشونده است که سال‌هاست در جامعه ما رخ می‌دهد. این بازگشت بهانه‌ای است برای بررسی واقعیت کمتر دیده شده: سلبریتی‌ها پس از مهاجرت، اغلب از صحنه رسانه‌ای محو می‌شوند.

در فضای داخلی، یک چهره شناخته‌شده شبکه‌ای از مخاطب، رسانه و نقد دارد؛ اما با مهاجرت، این شبکه ناگهان قطع می‌شود و فرد به یک عنصر گمنام تبدیل می‌شود که حتی رسانه‌های خارجی نیز تنها برای مصرف کوتاه‌مدت به آن توجه می‌کنند. این گزارش تلاش دارد نشان دهد که چرا سلبریتی‌ها، حتی وقتی در خارج از کشور آزادتر هستند، در واقع در حاشیه رسانه‌ها قرار می‌گیرند و چگونه این وضعیت بر زندگی و مسیر حرفه‌ای آنها اثر می‌گذارد.

این موضوع صرفاً یک آسیب فردی نیست؛ بلکه بازتابی از تعامل میان شهرت، رسانه و جامعه است. روایت بازگشت عاطفه احمدی فرصتی برای بررسی الگوی رسانه‌ای و اجتماعی شکست مهاجرت سلبریتی‌ها فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها می‌توانند هم نقش بازدارنده و هم نقش تحقیرکننده ایفا کنند.

◆ شهرت در ایران؛

رسانه‌ها و مخاطب

شهرت در ایران، تنها نتیجه عملکرد فرد نیست؛ بلکه محصول تعامل با رسانه‌ها و جامعه است. ورزشکاران و هنرمندان نه فقط به دلیل مهارت خود، بلکه به دلیل پوشش رسانه‌ای و شبکه مخاطب شناخته می‌شوند. تیتربها، مصاحبه‌ها و نقدها، جایگاهی می‌سازند که فرد در آن تعریف شده و هویت پیدا می‌کند.

مهاجرت اما این شبکه را قطع می‌کند. چهره‌ای که روزی تیتربود، ناگهان در جامعه‌ای جدید به یک مهاجر گمنام تبدیل می‌شود. رسانه‌های داخلی دیگر او را پیگیری نمی‌کنند و رسانه‌های خارجی تنها در لحظه کوتاه مصرف رسانه‌ای، او را موضوع گزارش می‌کنند. این تغییر ناگهانی، نه تنها موقعیت اجتماعی، بلکه هویت رسانه‌ای فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه این وضعیت، ایجاد خلأ رسانه‌ای و اجتماعی است. چهره‌ها دیگر دیده نمی‌شوند، مصاحبه‌ها کمتر می‌شوند و حتی حمایت اجتماعی برای بازسازی جایگاه جدید وجود ندارد. به همین دلیل بسیاری از سلبریتی‌ها در مهاجرت، احساس انزوا و حذف شدن می‌کنند.

◆ چرخه مصرف و فراموشی رسانه‌ای

یکی از ویژگی‌های رسانه‌های خارجی، مصرف کوتاه‌مدت چهره‌های مهاجر است. وقتی یک ورزشکار یا هنرمند از کشور خود خارج می‌شود، ابتدا به عنوان سوژه‌ای تازه و جذاب مورد توجه قرار می‌گیرد. چند مصاحبه، گزارش تصویری یا نقد کوتاه، او را در مرکز توجه قرار می‌دهد.

اما این مصرف رسانه‌ای کوتاه‌مدت به

صادق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زراعی،

عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان،

علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد

دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیرفنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش:‌محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظرچاپ:سعيدقاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۱۱۰و ۰۱۰۰۷۷۴۶ (۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۰۲۳۳۰۰۹۹۰

شماره ۱۲۱۹ | دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴

کتابه

برای کشورم

عاشقانه می‌کنم جان را فدای کشورم

جاودانه تا بماند اعتلای کشورم

در دل دریای طوفانی میان موج‌ها

می‌کنم جان را فدای ناخدای کشورم

عاشقانه جان به کف خود را مهیا کرده‌ام

از برای مردمان باوفای کشورم

خوش نشسته واژه ایران درون سینه‌ام

بر نمی‌خیزد ز نایم جز نوای کشورم

در دعاهای سحر می‌خواهم از پروردگار

آرزوی سربلندی از برای کشورم

عاشقانه همچویاران حسین بن علی

جانفشانی می‌کنم در کربلای کشورم

صحبت صبر و شکوه مردم ایران زمین

در جهان پیچیده اینک با صدای کشورم

رهبرم تاج سر و سالار ما ایرانیان

لحظه‌های سخت باشد رهگشای کشورم

عهد و پیمان بسته‌ام من با خدای خویشان

تا ننمایم جانفشانی از برای کشورم

اکبر حمیدی شائق

مادر حیدر

زنی مانند او باید به دنیا آورد حیدر

که اقیانوس را تنها فقط دریا شود مادر

چه دریایی که در جانش علی بوده‌ست مرجانش

کنار ساحل امنش گرفت امواج حق لنگر

چو لبخندش شکوفا شد شکاف کعبه پیدا شد

علی یار مسیحا شد چه اعجازی از این سرت

شده محبوب آن خانه و می‌گیرد در آغوشش

و می‌خواند به گوش او شود تا قبله‌ای دیگر

کنیز مادرش حوا کنارش مریم عذرا

و خانه خانه کعبه چه توفیقی از این برتر

کجا دیده به خود کعبه از این مولود والا تر

علی حُجَّه جُنَّه چه توصیفی از این بهتر

زمین دور مدار او زمان در انتظار، او

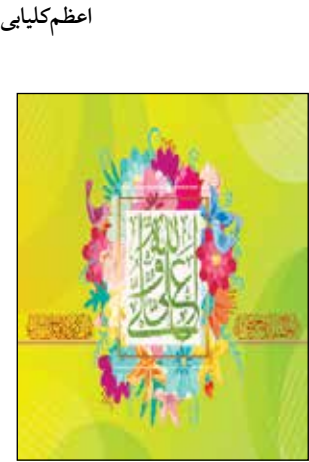
بگودل بی‌قرار او صد و ده بار یا حیدر

کجا دیده جهان مردی شبیه حضرت مولا

کجا دیده به خود دنیا زنی مانند تو مادر

کسی که در دلش مهر ولایت هست می‌داند

علی ساقی کوثر هست وزهر اسوره کوثر



صبحانه

توفیق بدون تلاش

توفیق، یعنی هماهنگ‌سازی همه علل و عوامل و اسباب برای رسیدن به مقصود و بر طرف شدن موانع کار؛ یعنی اسباب رسیدن به هدف. در کنار توفیق، تلاش هم مهم است تا انسان را به سر منزل مقصود برساند. اگر گاهی دعایی مستجاب نمی‌شود، شاید کار و تلاشی برای رسیدن به هدف صورت نگرفته است.

داستان

ایران را مدرسه کنیم

و معوج دفتر و کتاب دخترش، جلوی چشمانش جان گرفتند و به او لبخند زدند. به شوهرش کریم فکر کرد اگر اجازه نمی‌داد چه؟

دخترش که بیدار شد، دوباره با مداد و دفتر هایش مشغول نوشتن شد. معصومه مدام به حرکات دست دخترکش نگاه می‌کرد و آمدن کریم حسابی برایش طولانی شده بود.

دانه‌های برف روی شیشه پنجره می‌نشست و صدای هوهوی باد با صدای شعر خواندن دخترش درهم آمیخت و معصومه خودش را در حال خواندن قرآن تصور می‌کرد. کمی قند توی قندان ریخت و جای تازه دم کرد. رادیو را روشن کرد، اخبارگو هم از صدور فرمان امام (ره) برای تشکیل کلاس‌های نهضت در سراسر کشور می‌گفت. دلش می‌خواست وقتی کریم آمد و رادیو را روشن کرد، اخبارگو باز همین خبر را بگوید. کریم سواد خواندن و نوشتن را پیش ملای ده‌شان یاد گرفته بود. آهی کشید، آن روزها دخترها اجازه نداشتند برای یادگیری خواندن و نوشتن پیش ملای ده بروند.

صدای کوپیده شدن در خانه، قلب معصومه را هم به تپش انداخت. معصومه باخودش کلنجار می‌رفت و نمی‌دانست آیا با این سن و سال هم می‌تواند چیزی یساذ بگیرد؟ اصلاً می‌تواند مداد را

تلخند

ترامپ، دزد دریایی با لباس بابا نوئل! / کارتون‌بست: خوزه آلبرتو رودریگز/ کوبا



سلامت

قانونِ آنتی بیوتیک‌ها

زهر ا حسینی

کارشناس تغذیه

افراد در طول زندگی‌شان ممکن است ابتلا به انواع بیماری‌ها را تجربه کنند و زمانی که پای بیماری‌های عفونی در میان باشد، پزشک برای درمانِ آن بیماری آنتی‌بیوتیک توصیه و تجویز می‌کند. آنتی‌بیوتیک‌ها که گاهی در باور عموم مردم به آن چرک خشک‌کن هم گفته می‌شود، نقش پررنگی در درمان عفونت‌های باکتریال دارند و دسته‌ای از داروها هستند که موجب از بین رفتنِ باکتری‌ها یا توقف روند رشد آنها شده و از این طریق به کنترل عفونت در بدن و به دنبال آن حفظ جان میلیون‌ها انسان در سر اسر کره زمین کمک می‌کنند، اما به همان اندازه که این داروها در درمان مفید هستند و کمک کننده، استفاده نادرست از آنها هم عواقبی خواهد داشت. خوب است بدانیم قبل از اینکه باکتری‌ها در بدن شروع به تکثیر کنند و به بروز علایم عفونت منجر شوند، سیستم ایمنی از طریق گلبول‌های سفید خون به آنها حمله کرده و باکتری‌های مضر را از بین می‌برد، حتی در صورت بروز علائم هم، بیشتر اوقات سیستم ایمنی بدن می‌تواند با عفونت مقابله کرده و آن را از بین ببرد، اما زمانی می‌رسد که تعداد باکتری‌ها به انداز‌های زیاد می‌شود که سیستم ایمنی به تنهایی قادر به از بین بردن تمام آنها نبوده و در این صورت استفاده از آنتی‌بیوتیک‌ها توصیه می‌شود. پزشک دوره مصرف آنتی‌بیوتیک یا تعداد روزهایی که باید آن را مصرف کرد و همچنین تعداد دفعاتی که باید آنتی‌بیوتیک در روز استفاده شود و اینکه باید همراه غذا مصرف شود یا با معده خالی را، مشخص می‌کند. بهتر است در صورت داشتن هر نوع سؤالی درباره نحوه مصرف آنتی‌بیوتیک با پزشک مشورت کنیم. آنتی‌بیوتیک‌ها بر اساس نیاز هر فرد، وضعیت سلامتی، نوع بیماری و حساسیت‌های دارویی که دارد، تجویز شده و مشابه لباسی است که مناسب همان شخص دوخته شده و نباید آنها را بدون مشورت پزشک به بیمار دیگری پیشنهاد داد.

صادقانه

گواه پیامبر

امام باقر(ع) آیه ۴۳ سوره رعد را خواند: «ای پیامبر، بگو گواه من، خداوند متعال و آن کسی است که علم کتاب نزد اوست و سپس فرمود: منظور از کسی که علم کتاب نزد اوست ما اهل بیت هستیم و علی(ع) اول و رأس و برترین و بهترین ما پس از پیامبر است.»

قبله کعبه زاد، ج ۲، ص ۱۱۷

غیر رسمی

دقت و علاقه به روایت



ما از بهار سال ۱۳۶۵ یک برنامه کلید زده بودیم به نسام «روایت فتح» که به‌صورت مستمر پخش می‌شد. در تابستان سال ۱۳۶۵ بود که از دفتر ریاست‌جمهوری با من تماس گرفتند و گفتند رئیس‌جمهور می‌خواهند با اعضای گروه دیدار کنند. آن موقع ما را که حدود بیست نفر بودیم، کسی نمی‌شناخت. یک گوشه مشغول کار خودمان بودیم و در رأس کار «مرتضی آوینی» بود. تشکیلات‌مان نظم خاصی نداشت و معلوم نبود منتصب به کجاییم. به همین دلیل، تیتراژی نداشتیم که از آن طریق کسی بفهمد چه کسی این برنامه را می‌سازد. همه اینها موجب شد که آن تماس را جدی نگیریم. در کمتر از یک ماه دوباره تماس گرفتند که رئیس‌جمهور شخصاً می‌خواهند با شما ملاقات کنند. همگی مبہوت بودیم و به هر حال به ساختمان ریاست‌جمهوری رفتم.

در آن جلسه ایشان خیلی از ما قدردانی کردند. از عجایی که ایشان در آن جلسه فرمودند و در خاطرم مانده است و سال‌ها آوینی از آن یاد می‌کرد، این بود که گفتند: «شب‌های جمعه که جلسه سران سه قوه است، به اعضای جلسه می‌گویم که چون روایت فتح رأس ساعت ۹:۳۰ شروع می‌شود، یا جلسه را زودتر برگزار کنیم که با روایت فتح تداخل نداشته باشد یا بگذارید که من زودتر از جلسه خارج شوم.»

من این را دقیقاً به یاد دارم. خیلی برای ما عجیب بود که رئیس‌جمهور مملکت این‌قدر به برنامه علاقه‌مند است ما خبری از جنگ نمی‌دادیم که ایشان ندانند. اصلاً برنامه ما خبری نبود و آقا به نوع نگاه برنامه توجه داشتند.

مهدی همایونفر، مسئول مؤسسه فرهنگی–هنری روایت فتح

حسن ختام

شما تمنای مایید

سلام بر شما و پناه بر مهربانی بی‌بدیل‌تان که دنیای‌مان، سخت محتاج بودن‌تان است. سلام از پس بلندترین شب سالی که از آن عبور کردیم و به شما نرسیدیم، همان شبی که میان همه شلوغی‌ها و خوشی‌های با هم بودنش، غمی همیشه تازه به دیوار قلب کوبید و رنج نبودن‌تان را بیدار کرد و اصلاً کدام خوشی وقتی یارترین یارمان را در کنار نداریم؟ قدم قدم به ماه خوب و روشن رجب رسیدیم، بی‌آنکه از پناه‌ترین پناه‌مان خبری باشد، سفارش‌مان کرده‌اند توسل به او را که همه خیرها نزد اوست و ما به فضل و کرمش امید داریم؛ دعای همیشه و هر لحظه ما! کاش به برکت ایسن روزهای ناب اجابت شوید. یابین الحسن! نگاه‌مان کردید و اسم‌مان را نوشیتیم در کنار تمام نام‌هایی که قرار است برای‌تان چله بگیرند و عهد ببندند، بودن با شما را. همان بودنی که ما را به بهشت حقیقی می‌رساند. عطر شب رغبت‌ها همین حوالی پیچیده، از شما که پنهان نیست شما تمنای دعای مایید؛ چرا که هر چه خوشی است در کنار شما و با نام و یاد شما رقم می‌خورد؛ در شبی که دعاهای‌مان به اجابت نزدیک‌ترند، آرزوی‌تان می‌کنیم و آمیزش را به دستان سبزتان می‌سپاریم.